



فصلنامه مطالعات ایلام شناسی

فصلنامه ی تخصصی باستان شناسی* شماره ی ۳* سال اول *تابستان ۱۳۹۶

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: دکتر حبیب اله محمودیان

سرمدیر: دکتر سیاوش یاری

مدیر اجرایی: مهندس آزاده محمودیان

مشاور: مهندس علی محمدنیاکان

ویراستار فارسی: حسن افشار

ویراستار انگلیسی: دکتر رضا خانی

صفحه آرا: معصومه صفایی نیا

شماره پروانه: ۷۸۸۰۹ - ۱۳۹۵/۱۰/۶

ناشر: انتشارات زاگرو

شمارگان: ۵۰۰

بهاء: ۱۵۰۰۰ تومان



نشانی فصلنامه: ایلام، خیابان اشرفی اصفهانی، کوچه ی سوم، پلاک ۲۱۷

کدپستی: ۶۹۳۱۸۵۸۳۱۵ - تلفن: ۳۳۳۳۴۳۱۸ --- ۰۸۴

habibmahmoodian@yahoo.com

پست الکترونیک:



هیئت تحریریه:

دکتر پریسا پورمحمدی

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر اردشیر جوانمرد زاده

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر شاهین حیدری

رشته ی تخصصی : معماری- انرژی

دکتر حاجی کریمی

رشته ی تخصصی: ژئوهیدرولوژی

دکتر رضا خانی

رشته ی تخصصی : زبان و ادبیات انگلیسی

دکتر علی خاکی

رشته ی تخصصی معماری سازه

دکتر لیلا خسروی

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر سهیلا درویشی

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر ناصر راد

رشته ی تخصصی : روابط بین الملل

دکتر مسعود شادمان

رشته ی تخصصی : علوم تاریخ، تمدن ملل

دکتر خلیل فصیحی

رشته ی تخصصی: فیزیولوژی گیاهان زراعی

دکتر غلامحسین کریمی دوستان

رشته ی تخصصی: زبان شناسی

دکتر حبیب اله محمودیان

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر ابراهیم مرادی

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر خداکرم مظاهری

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر لیلی نیاکان

رشته ی تخصصی : باستان شناسی

دکتر سیاوش یاری

رشته ی تخصصی : تاریخ اسلام

داوران این شماره:

دکتر پریسا پورمحمدی

دکتر اردشیر جوانمرد زاده

دکتر علی خاکی

دکتر لیلا خسروی

دکتر سهیلا درویشی

دکتر سیاوش یاری

دکتر ابراهیم مرادی

دکتر لیلی نیاکان

ویژگی‌های کلی مقاله

مقاله باید نتیجه‌ی تحقیقات نویسنده (نویسندگان) باشد.

مقاله نباید در نشریه‌ی دیگری منتشر شده باشد

چاپ مقاله، منوط به تأیید نهایی هیئت تحریریه‌ی فصلنامه است.

پذیرش مقاله برای چاپ، پس از تأیید هیئت داوران خواهد بود.

مسئولیت مطالب و محتوای مقاله بر عهده‌ی نویسنده (نویسندگان) است.

مجله در ویرایش ادبی و فنی مقاله بدون تغییر محتوای آن آزاد است.

مقاله نباید از ۲۰ صفحه‌ی استاندارد فصلنامه بیشتر باشد.

نام کامل نویسنده، مرتبه‌ی علمی، دانشگاه محل تدریس یا تحصیل، رشته‌ی تحصیلی و شماره تلفن

نویسنده در صفحه‌ی جداگانه‌ای ضمیمه شود.

ارسال مقاله تنها از طریق ایمیل فصلنامه‌ی مطالعات ایلام‌شناسی امکان‌پذیر است.

عناوین جدول‌ها، تصویرها، نقشه‌ها، طرح‌ها و نمودارها با ذکر شماره (توضیحات و ذکر منبع) در زیر

آورده شود.

ساختار مقاله

مقاله باید دارای ساختار زیر باشد: چکیده، مقدمه، متن اصلی، نتیجه‌گیری، پی‌نوشت، منابع و چکیده

ی انگلیسی.

عنوان: نام کلی مقاله، به نحوی که گویا و بیانگر محتوای مقاله باشد.

مشخصات نویسنده: شامل نام و نام‌خانوادگی، مرتبه‌ی علمی، رشته‌ی تحصیلی، دانشگاه محل

تدریس و یا تحصیل وی باشد.

چکیده: شرح جامعی از مقاله با واژه‌های محدود؛ شامل: بیان مسأله، هدف، روش تحقیق و یافته‌های

پژوهش. لازم به ذکر است چکیده‌ی مقاله نباید از ۲۰۰ واژه (۱۲ سطر) بیشتر باشد.

واژه‌های کلیدی: شامل ۴ تا ۷ واژه‌ی تخصصی است که دارای اهمیت باشد.

مقدمه: شامل طرح مسأله‌ی اصلی و هدف پژوهش است؛ در این بخش باید به اجمال، سوابق پژوهشی

در حیطه‌ی مسأله‌ی موردنظر مطرح شود.

متن اصلی: شامل متن اصلی مقاله است و می‌تواند با جدول، تصویر و نمودار و... همراه باشد.

نتیجه‌گیری: شامل خلاصه و نتیجه‌گیری است.

پی‌نوشت: توضیحات ضروری که پس از نتیجه‌گیری می‌آید.

منابع: فهرست نویسی ارجاعات مقاله بر مبنای شیوه‌نامه‌ی مجله.

چکیده ی انگلیسی: چکیده ی انگلیسی باید عیناً ترجمه ی چکیده ی فارسی باشد.

شیوه ی تنظیم متن

مقاله باید با قلم (فونت) B zar و اندازه ی ۱۳، فاصله بین خطوط ۱،۵ (single) و در فرمت word نوشته شده باشد.

چکیده، واژه‌های کلیدی، منابع، ارجاعات داخل پرانتز، شعرها و هر مطلبی که درون پرانتز بیاید، باید با اندازه ی ۱۱ نوشته شود.

نقل قول‌های مستقیم بیش از پنج سطر، جدا از متن اصلی و با یک سانتی متر تورفتگی از هر طرف و با همان قلم ولی با اندازه ی ۱۱ نوشته شود.

شیوه ی ارجاع به منابع

ارجاعات مندرج در مقاله، مستند و مبتنی بر منابع معتبر باشند.

ارجاع داخل متن: نام خانوادگی نویسنده، سال چاپ اثر: شماره ی صفحه یا صفحات؛

مثال فارسی: (نگهبان، ۱۳۷۶: ۵۴)، لاتین: (Smith 1999: 33)

ارجاع به کتاب در قسمت منابع پایانی: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ نشر (درون پرانتز)، عنوان کتاب، نام و نام خانوادگی مترجم یا مصحح، جلد، نوبت چاپ، نام ناشر، محل نشر.

ارجاع به مقاله: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ نشر اثر (داخل پرانتز)، عنوان مقاله ی مورد استفاده (داخل گیومه)، نام و نام خانوادگی مصحح یا مترجم، عنوان اصلی دانشنامه یا فصلنامه و مجله، دوره یا سال انتشار، شماره ی صفحات مقاله.

ارجاع به پایان‌نامه: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، سال دفاع (داخل پرانتز)، عنوان رساله، مقطع دفاع شده، نام و نام خانوادگی استاد راهنما، نام دانشگاه و دانشکده ی محل تحصیل.

ارجاع به اسناد تاریخی: عنوان سند، شماره ی طبقه‌بندی و دسترسی، نام آرشیو کتاب.

ارجاع به سایت های اینترنتی: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ درج مطلب در وبگاه (درون پرانتز)، عنوان مقاله یا اثر (داخل گیومه)، نشانی الکترونیکی وبگاه.

منابع مقاله به صورت الفبایی و براساس نام خانوادگی مؤلف تنظیم می‌شود؛ منابعی که در پایان مقاله ذکر می‌شود، همان منابعی است که در داخل متن استفاده شده است.

عنوان کتاب‌ها و مقاله‌ها در منابع پایان مقاله به طور کامل ذکر شود. منابع غیرفارسی، پس از منابع فارسی آورده شود.

توجه: تمام مقالات دریافتی، توسط دو داور، داوری خواهد شد.

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
۶	سفال سبک خزینه دهلران؛ نقش مایه هایی از رقص در اواخر هزاره ششم ق. م در غرب ایران دکتر محسن سعادت.....
۳۵	نشانه هایی از شیماشکی باستان در تپه قلعه زینل دکتر خداکرم مظاهری سیاوش شهبازی
۵۹	درختان سرو کهنسال ۳۳۰۰ ساله ایلام (رویشگاه بان سرو چوار دکتر حبیب اله محمودیان
۷۹	گذری بر تاریخ چند هزار ساله ایلام دکتر ناصر راد.....
۹۷	بررسی نقوش تزیینات آینه کاری کاخ والی ایلام در راستای مرمت و بازسازی آن معصومه صفایی نیا
۱۱۷	گمانه زنی برای تعیین عرصه و حریم در تپه علی کش دهلران بیان پیرانی - عبدالمالک شنبه زاده
۱۳۰	چکیده انگلیسی مقالات

سفال سبک خزینه دهلران؛ نقش مایه‌هایی از رقص در اواخر هزاره ششم ق. م در غرب ایران

دکتر محسن سعادت^۱

چکیده

مجموعه‌ای که در پژوهش حاضر بررسی گردیده، تعداد نود قطعه ی سفالی به سبک منقوش خزینه در اواخر هزاره ی ششم قبل از میلاد می‌باشد. این آثار ارزشمند طی بررسی‌ها و حفاریات باستان‌شناسان در غرب ایران بدست آمده‌اند. تعدادی از آنها اکنون در دانشگاه ییل نگهداری می‌شود و تاکنون هیچ پژوهشی توسط پژوهشگران و باستان‌شناسان ایرانی بر روی آنها صورت نگرفته است. محققین کوشیده‌اند که با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد فرم‌گرایانه به مطالعه ی نقوش این نوع سبک پردازند.

یکی از ویژگی‌های سبک منقوش خزینه، نقوش رقص موجود بر روی این سبک سفالی است؛ به گونه‌ای که این ویژگی مختص این نوع سبک سفالی بوده و در اصطلاح باستان‌شناسی به سبک منقوش خزینه معروف است. آنچه که به عنوان هدف در این مقاله دنبال می‌شود، بررسی تصویر و مفهومی نقوش رقص موجود بر روی سفالینه‌های مربوط به سبک خزینه در غرب ایران با رویکرد تطبیقی است. با توجه به مطالعاتی که بر روی حدود ۹۰ قطعه از سفال‌های سبک خزینه در ۱۰ محوطه مورد مطالعه انجام گرفت این نتیجه به دست آمد که منشأ سبک منقوش خزینه در غرب

^۱ - دانشجوی دکترای باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس و کارشناس باستان‌شناسی اداره میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران m.saadati69@gmail.com

ایران به ویژه در دشت دهلران است. به گونه‌ای که حدود ۸۰ درصد سفال‌های این سبک در محوطه‌های دشت دهلران (تپه خزینه، موسیان، فرخ آباد، سبز) وجود دارد. در این پژوهش ابتدا ادبیات و پیشینه‌ی پژوهشی مبحث، مورد مطالعه قرار می‌گیرد، در ادامه دامنه نفوذ جغرافیایی و به طور کلی محوطه‌هایی که در حین کاوش و یا بررسی نقوش این نوع سبک در آنها به دست آمده و گاهنگاری این نوع سفال مطرح می‌شود. در ادامه‌ی مباحث به ویژگی‌های این نوع سبک سفالی اعم از مطالعه‌ی نقوش انسانی از نظر افقی و عمودی با تأکید بر نقاط جزئی پرداخته می‌شود و در نتیجه تفسیر و تحلیل موتیف‌های این نوع سبک سفالی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: سبک سفالی، سفال خزینه، نقوش رقص، غرب ایران.

مقدمه: نقوش رقص از موتیف‌های مهم در سنت هنری دوره ی آغاز تاریخی خاور نزدیک است. پیشینه ی این نقوش به هزاره ی هفتم قبل از میلاد برمی گردد و دامنه نفوذ آن از غرب پاکستان تا آناتولی و مصر (Garfinkel 2003) و همچنین جنوب شرق اروپا (Garfinkel 1998) را شامل می شود. در این پژوهش سعی در مطالعه یک منطقه جغرافیایی خاص (غرب ایران)، یک بازه زمانی (اواخر هزاره ششم قبل از میلاد) و یک سبک تزئینی خاص شده است.

در طی سالهای ۳-۱۹۰۲ میلادی باستان شناسان فرانسوی گوتیر و لامپر (1905) برای مطالعه لایه‌های آغاز تاریخی به کاوش در تپه موسیان و خزینه در دشت دهلران پرداختند (برای مشاهده ی اطلاعات بیشتر در این زمینه نگاه کنید به: Hole et al. 1969: 14). آنها برای اولین بار نمونه‌هایی از تزئینات متفاوت و مجزا بر روی سفال‌ها را مشاهده کردند (شکل ۲). در نتیجه اصطلاح "سبک منقوش خزینه" اولین بار به وسیله ی گوتیر و لامپر وارد باستان شناسی ایران شد. بعدها فرانک هول و همکاران برای معرفی این تزئینات بیان کردند که: «نقوشی از انسان‌های در حال رقص ایستاده و دست‌های آنها بر روی شانه‌های همدیگر است. این طرح اغلب با طرح‌های مثلث سیاه و سفید ایجاد شده و معمولاً انسان رقص به صورت یک طرح تقریباً هندسی مرتب ایجاد شده است» (Hole et al. 1969: 157). در طول سال‌های متمادی موارد مشابهی از غرب ایران در رابطه با این سبک سفالی گزارش شده است. به طور کلی هدف از این مقاله معرفی سبک منقوش خزینه و تجزیه و تحلیل جنبه‌های مختلف این سنت هنری است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر براساس ماهیت و روش یک تحقیق توصیفی و شیوه نگارش و نوعی پرداختن به مسأله ی تحقیق به گونه ی توصیفی-تحلیلی است. رویکردی که در انجام این تحقیق مورد توجه بوده است، رویکردی فرم گرایانه است. روش گردآوری اطلاعات ترکیبی از منابع کتابخانه‌ای و روش‌های میدانی از قبیل مشاهده و عکسبرداری

است. شایان ذکر است که جامعه آماری شامل حدود ۹۰ قطعه ی سفالی منقوش مکشوفه از محوطه‌هایی است که در ادامه در رابطه با آنها بحث خواهد شد.

ادبیات و پیشینه ی پژوهش

انسان ها از آغاز پیدایش در همه جا و در همه ی دوران‌های تاریخی به سبب سرشت طبیعی خود به هنگام شادی فراوان به جست و خیز بر می‌خواستند. نقاشی و علائم درون غارها مربوط به پیش از تاریخ در آفریقا و جنوب اروپا رقص انسانها را نشان می‌دهد. انسان‌های نخستین، وضعیت اجرام آسمانی و موجودات مختلف را با حرکت-های مخصوص بدن تقلید می‌کردند (فروزنده، ۱۳۸۸: ۱۸۶).

مردم پیش از تاریخ، همانگونه که به رقص و پایکوبی می‌پرداختند، چنین می‌پنداشتند که خدایانشان نیز در آسمان یا در زمین به رقص بر می‌خیزند. از زمان تشکیل اولین اجتماعات بشری در فلات ایران تا زمان شکل‌گیری امپراتوری‌های بزرگ، باورهای ابتدایی مبتنی بر تابوئیسم^۱، توتیمیسم^۲، آنیمیسم^۳ و ... به عنوان اصلی‌ترین مبانی جهان‌شناختی بر رفتار، اعمال، باورها و عقاید مردم این سرزمین سایه افکنده بود. مدارکی که از این دوره بدست آمده است بر سابقه ی پنج هزار ساله رقص دلالت دارد که با جنبه‌های آئینی این دوران همخوان بوده است (نصر اشرفی، ۱۳۷۹: ۱۱). کهن‌ترین نمونه نقوش رقص بر روی سفال در هزاره ی پنجم قبل از میلاد مربوط به سفالی است که از تپه خزینه دشت دهلران بدست آمده است (امیری، ۱۳۷۹: ۲۴۱). مدارک به دست آمده از این دوران، پرشمار و قابل تأمل است که در ادامه در رابطه با آنها بحث خواهد شد. سفال سبک خزینه برای اولین بار در کاوش‌های گوتیر و لامپر (۱۹۰۵) از تپه خزینه به دست آمد و با توجه به سبک و نقوش خاص به نام سبک منقوش خزینه در توالی باستان‌شناسی ایران معروف شد. با معرفی این سبک در غرب ایران به ویژه با منشأ و خاستگاه دشت دهلران محوطه‌هایی در ارتباط با این سبک شناخته شدند که از جمله آنها می‌توان به تپه سبز، تپه موسیان و تپه ی فرخ آباد اشاره کرد. به طور کلی فرانک

هول، هنری رایت و جیمز نیلی (1969) با بررسی‌هایی که در دشت دهلران انجام دادند زمینه‌ها را برای مطالعه بر روی این سبک سفالی فراهم کردند. یوسف گارفینکل (2000) در مقاله‌ای تحت عنوان «سفال سبک منقوش خزینه» به معرفی این نوع سبک می‌پردازد. همچنین گارفینکل (2003) بعدها در کتابی با عنوان «رقص در سپیده دم کشاورزی» به نقوش رقص شامل سفال، نقش برجسته، مهر و ... در بیشتر محوطه‌های باستانی در سراسر جهان پرداخت. وی در بخشی از این کتاب به معرفی سبک خزینه منقوش و دامنه جغرافیایی آن و محوطه‌های حاوی این سبک سفالی می‌پردازد. لازم به ذکر است که مطالب این پژوهش تنها نوشته‌ی موجود در رابطه با سبک منقوش خزینه به زبان فارسی است.

۱- دامنه‌ی جغرافیایی نفوذ سفال خزینه منقوش

گونه‌های تزئینات سبک منقوش خزینه که در بخش بعدی درباره‌ی آن توضیح داده می‌شود، در محوطه‌های مختلف غرب ایران کشف شده است. در ادامه به معرفی ویژگی‌های برخی سفال‌های این نوع سبک در محوطه‌ها پرداخته می‌شود: تپه خزینه: این محوطه در دشت دهلران قرار دارد. همانطور که قبلاً اشاره شد در سال ۱۹۰۲-۳ به وسیله گوتیر و لامپر کاوش شد، و اولین محوطه‌ی تولید سفال به این سبک بوده است (شکل ۲: نمونه‌های ۱، ۳-۴، ۶). قطعات سفال دارای سبک منقوش خزینه از این محوطه به فراوانی به دست آمده است (شکل ۲: نمونه ۵).

تپه موسیان: این محوطه در دشت دهلران قرار دارد که به همراه محوطه‌ی قبلی به وسیله گوتیر و لامپر در سال ۱۹۰۲-۳ کاوش شدند. آنها در آن زمان اطلاعاتی در مورد سبک منقوش خزینه از محوطه منتشر کردند (شکل ۲: نمونه ۲). در سال ۱۹۶۳ هول، فلانری و نیلی (1969: 65-72) یک گمانه آزمایشی کوچک (منطقه E) را در محوطه ایجاد کردند. در نوشته‌ها آنها بر روی نقوش سیاه و سفید سفال‌های نخودی موتیف "مرد در حال رقص" را گزارش می‌دهند (Hole et al. 1969: 68-69). اما هیچ

گونه نقوشی منتشر نشده است. ده نمونه از قطعات منقوش از محوطه در دانشگاه ییل به وسیله ی فرانک هول مورد مطالعه قرار گرفته است (شکل‌های ۳: نمونه ۱؛ ۴: نمونه ۴، ۶: نمونه‌های ۱-۲؛ ۹: نمونه‌های ۱-۲).

تپه گیان: در منطقه ی نهاوند قرار دارد. در اوایل سال ۱۹۳۰ به وسیله کنتو و گیرشمن کاوش شد (۱۹۳۵) و تعداد کمی از سفال‌های آن که دارای سبک منقوش خزینه می- باشد منتشر شده‌اند (شکل ۷: نمونه‌های ۵، ۷، ۱۰).

تپه تولی باوا محمد: این محوطه در کوه‌های بختیاری در خوزستان قرار دارد. که در طول بررسی «سر اورل اشتاین» در اواسط دهه سال ۱۹۳۰ در منطقه کشف شد (۱۹۴۰: 136, Pl. III: 20). مجموعه‌ای کوچک از قطعات سفال با تزئیناتی از سبک منقوش خزینه در آن قابل مشاهده است (شکل ۷: نمونه ۹).

تپه ی کوزه گران: در منطقه لرستان قرار دارد. در مقایسه با محوطه‌های قبلی، یک مجموعه کوچک از قطعات که به وسیله اشتین جمع آوری شده است (۱۹۴۰: 198-205, pl. VIII). چند نمونه کوچک مربوط به سبک منقوش خزینه از آن منتشر شده است (شکل‌های ۴: نمونه ۸؛ ۹: نمونه‌های ۳-۴).

تپه سبز: در دشت دهلران قرار دارد. هول، فلانری و نیلی در اوایل سال ۱۹۶۰ آن را کاوش کردند. در اینجا تزئینات در زمینه ی سبک منقوش خزینه در مقادیر زیاد و در یک زمینه ی دقیق در لایه‌نگاری کشف شدند. آنها در فاز میمه تاریخگذاری شده- اند (Hole et al. 1969: 157). سبک منقوش خزینه به نظر می‌رسد به شکل کاسه‌هایی ناقوسی شکل (۱۱ نوع) و متعلق به ظروف سفالی "سوزیانای سیاه روی نخودی" هستند. در مواردی تزئینات به سبک منقوش خزینه (Hole et al. 1969, pls. 25: a-b, 27: j-k, 28: b, j, 28: j-k)، با توضیحات کوتاهی گزارش شده است (Hole et al, 1969: 157). این بزرگترین مجموعه از یک محوطه ی شناخته شده مربوط به داده‌های سفال سبک منقوش خزینه است.

تپه چغامیش: این محوطه در دشت شوش قرار دارد. «دلوگاز و کنتور» آن را در مقیاس بزرگ در طی سال ۱۹۷۰ کاوش کردند. در یک کاسه که تنها در تصاویر منتشر شده است، دو ردیف عمودی از چهره‌های شماتیک قابل مشاهده است (شکل ۸: نمونه ۱؛ شکل ۱۶). کاوشگر محوطه، این مورد را به عنوان "کاسه ظریف سوزیانای میانه ۲ با طرح‌های انتزاعی" ارزیابی می‌کند (Kantor 1976:189, fig. 7). این تزئینات در گزارش نهایی بدین صورت منتشر شده که به نظر می‌رسد عناصر در اینجا به بالاترین انسان منتهی شده است (Delougaz and Kantor 1996: 186, pl. 171: d).

تپه چغاسفید: این محوطه نیز در دشت دهلران قرار دارد. در اوایل سال ۱۹۷۰ به وسیله فرانک هول حفاری شد (1977). با بررسی داده‌ها، دو قطعه از سبک منقوش خزینه مشاهده شده است (شکل‌های ۶: نمونه ۵؛ ۱۱: نمونه ۲).

تپه فرخ آباد: این محوطه در دشت دهلران قرار دارد. کاوش در این محوطه بر هزاره ی چهارم و سوم قبل از میلاد تمرکز شده است. اما چند نمونه با سبک منقوش خزینه منتشر شده بود (Wright 1981) (شکل ۱۱: نمونه ۱).

تپه دو تولون: این محوطه در نزدیکی بهبهان قرار دارد (Dittmann 1984). مجموعه ی مورد بررسی شامل نمونه‌های تزئینات منقوش با یک ردیف عمودی شخصیت‌های انسانی شماتیک از سبک منقوش خزینه هستند (شکل ۸: نمونه ۳).

گاهنگاری

بهترین شواهد لایه‌نگاری برای سبک منقوش خزینه از کاوش‌های تپه سبز به دست آمده است. در اینجا تزئینات نمونه‌های سفال، به صورت ویژه در فاز مهمه مشخص شده‌اند (Hole et al. 1969: 157). هول، فلائری و نیلی اشاره می‌کنند که "روابط فاز مهمه به صورت گسترده بود که سوزیانای C، رأس العمیه و اریدو ۱۲ را شامل می‌شده است" (1969: 61). در نتیجه این فاز مربوط به نیمه ی اول هزاره ی پنجم قبل از میلاد

است. باستان‌شناسان با سنجش دقیق و درجه‌بندی، آن را به اواخر هزاره ی ششم قبل از میلاد نسبت می‌دهند (Hole 1987: 57, Table 2; Voigt and Dyson 1992, fig. 2).

ویژگی‌های سبک منقوش خزینه

سبک منقوش خزینه در ابتدا بر روی ظروف سفالی "سوزیانای سیاه بر روی زمینه نخودی"، همراه با دیگر نقوش از جمله "ردیفی از بزها" ایجاد شده است. در حال حاضر این ظروف سفالی با جزئیات بیشتر به وسیله هول و همکاران منتشر شده است (1969: 124-26, 132-35). البته این نوع سفال خشن به نظر می‌رسد و دارای تمپر شن و ماسه با رنگ نخودی مایل به سبز است. سطح آن صیقلی و کاملاً هموار است. در این سطح، طرح‌ها با تک رنگ، نقاشی شده است (مونوکروم). نقاشی بر روی سطح بیرونی کاسه نیز انجام شده است. رنگ مورد استفاده از ترکیبات آهن بود و معمولاً سیاه و سفید و گاهی اوقات قرمز بوده است. نقاشی با قلم موی بسیار ظریف ایجاد شده و دارای خطوط بسیار نازک می‌باشد.

سبک منقوش خزینه معمولاً بر روی سفال‌های زنگوله‌ای شکل پدیدار شده است. در مجموعه تپه سبز از ۵۲ قطعه آن در ۳۸ مورد قطعات کاسه‌های زنگوله‌ای شکل مشاهده شده است (شکل‌های ۳: نمونه‌های ۳-۴؛ ۴: نمونه‌های ۱-۳، ۵-۶). در این سفال‌ها قطعات تا حدودی بزرگ نیز مشاهده شده و برای نمونه یک قطعه از دهانه بسیار بزرگ نیز وجود دارد (شکل ۶: نمونه ۴). تنها در یک مورد در قطعات تپه موسیان روشن است که نشان می‌دهد سبک منقوش خزینه در یک ظرف در بسته نیز ظاهر می‌شود (شکل ۹: نمونه ۱). نمونه‌ها به روش مناسبی حفظ شده‌اند به طوری که به عنوان مبنایی برای تجزیه و تحلیل سبک منقوش خزینه استفاده شده است، یک قطعه کاسه زنگوله‌ای شکل از خزینه (شکل ۲: نمونه ۱) و دو قطعه بزرگ از کاسه‌های تپه سبز نیز مشابه هستند (شکل ۳: نمونه ۴-۴). این سه نمونه تقریباً یکسان هستند و به نظر می‌رسد یک سبک کلاسیک را نشان می‌دهند. تزئینات از نظر مشخصات در مرکز قرار دارند و

بسیاری از سطح ظروف را اشغال کرده است. این مشخصات به وسیله ی خطوط افقی در بالا و پایین زمینه ایجاد شده است. در بالا یک خط ضخیم در لبه و یک خط نازک بلافاصله در زیر آن وجود دارد. در زیر نیز در ابتدا یک خط نازک وجود دارد و بلافاصله بعد از آن یک خط ضخیم که به پایه ی ظرف نزدیک بود وجود دارد. در یک نمونه الگوی استادانه‌ای ایجاد شده که دارای مثلث‌های سیاه و سفید است (شکل ۵: نمونه ۱). در زمینه ی اصلی طرح مشخصات شامل دو مورد است: تصاویر شماتیک انسانی و قاب‌های هندسی. الگوهای تزئینی در ظروف سفالی معمولاً متقارن هستند که به نظر می‌رسد تصاویر انسانی و عناصر هندسی به صورت دو برابر در حاشیه ظروف ظاهر شده اند.

تصاویر انسانی

سر، بالاتنه مثلی، بازوها و انگشتان دست، نشان دهنده ی تصاویر انسانی هستند. نمونه -ها در دو جهت مختلف ایجاد شده اند:

الف- به صورت افقی

شش نمونه به صورت افقی مشاهده شده است (شکل ۸؛ شکل ۲: نمونه ۶؛ شکل ۲: نمونه‌های ۱، ۴؛ شکل ۳: نمونه‌های ۳-۴، ۵؛ نمونه‌های ۲-۱؛ شکل ۶: نمونه ۴؛ شکل ۹: نمونه ۱). با دیدن تصاویر به نظر می‌رسد شخصیت‌ها به صورت ایستاده و شانه به شانه ایستاده‌اند. نمایش طبیعی این گروه از دیگر محوطه‌های پیش از تاریخ منطقه مانند چغامامی (Oates, 1996) (شکل ۱۴: نمونه ۱) و تپه سیلک (Ghirshman, 1938) (شکل ۱۴: نمونه ۲) نیز گزارش شده است.

ب- به صورت عمودی

هر یک از ترکیبات افقی ذکر شده در بالا ممکن است به صور عمودی یعنی به صورت یکی در بالای دیگری به حساب آیند. نمونه‌های دقیق و واضحی به عنوان نمونه پنج مورد از این ترکیبات وجود دارد (شکل ۵: نمونه ۱؛ شکل ۲: نمونه‌های ۱، ۴؛ شکل ۳: نمونه‌های ۲-۴؛ شکل ۸: نمونه ۴؛ شکل ۸: نمونه ۱؛ شکل ۲: نمونه ۶). در جدولی انواع

تصاویر به صورت افقی و عمودی در کنار هم تصور شده است (شکل ۱۰). در ادامه ی بخش‌های مختلف نقوش انسانی با جزئیات بیان می‌شود:

سرها

چیزی که می‌توان در رابطه با سرها و یا گردن‌ها عنوان کرد در واقع یک گروهی از سرهای کوتاه، موازی با خطوط عمودی است که بین بالاترین مثلث و قاب فوقانی ایجاد شده است (شکل ۲: نمونه‌های ۱، ۴، ۶؛ شکل ۳: نمونه‌های ۴-۳؛ شکل ۴: نمونه‌های ۱-۳؛ شکل ۵: نمونه‌های ۲-۱).

در مواردی که ردیف‌های عمودی تنها از یک مثلث تشکیل شده، تنها یک سر وجود دارد. در یکی از این نمونه‌ها یک گردن باریک و سر کوچک و گرد وجود دارد (شکل ۸: نمونه ۲). در نمونه ی دیگری فقط یک خط شماتیک وجود دارد (شکل ۸: نمونه ۱). در مواردی نیز که ردیف عمودی از مثلث تشکیل شده دو سه خط کوتاه وجود دارد که نشان دهنده ی سر است (شکل ۲: نمونه ۶). در مواردی که ردیف عمودی از سه مثلث تشکیل شده سر با چهار (شکل ۲: نمونه ۱)، پنج (شکل ۲: نمونه ۴؛ شکل ۳: نمونه‌های ۴-۳)، شش (شکل ۴: نمونه‌های ۲-۱؛ شکل ۵: نمونه ۱) و هفت (شکل ۵: نمونه ۲) خط ارائه شده است. در واقع به وضوح هیچ همبستگی بین تعداد سرها و تعداد مثلث‌های زیر آنها وجود ندارد.

بالاتنه

بالاتنه معمولاً مثلثی شکل است. در برخی موارد مثلث به نسبتی بزرگ است (شکل ۲: نمونه ۴؛ شکل ۵: نمونه ۱)، در حالی که نمونه‌های باریک نیز مشاهده می‌شود (شکل ۲: نمونه ۱؛ شکل ۶: نمونه ۱). در محوطه ی کوزه‌گران، بدن انسان گاهی اوقات به عنوان لوزی نشان داده شده (شکل ۹: نمونه ۴). در اینجا فقط یک نمونه ارائه شده، اما از همان محوطه چندین نمونه جمع آوری شده است (Stein 1940, pl. VIII).

بازوها و دست‌ها

برای دست‌ها و بازوها چند ترکیب ممکن است وجود داشته باشد:

۱- بازوها ی خمیده در مرتبه ی اول به سمت پایین و پس از آن به سمت بالا با فاصله از بدن قرار دارند. مشابه بازوهای خم شده در برخی از موارد به طور طبیعی تاریخ اواخر هزاره ی ششم و هزاره ی پنجم قبل از میلاد را نشان می‌دهد (شکل ۲: نمونه ۵؛ شکل ۱۴: نمونه‌های ۱-۲، ۴). در برخی از این نمونه‌ها انسان به تصویر کشیده شده شانه به شانه با یک نیم تنه مثلی است (شکل ۱۴: نمونه‌های ۱-۲).

بازوها با سه انگشت به پایان می‌رسد. انگشتان به صورت خطوط کوتاه مستقیم به گونه‌ای نازک (شکل ۲: نمونه‌های ۱، ۴، ۶) یا در اشکال گرد نشان داده شده (شکل ۴: نمونه ۳؛ شکل ۹: نمونه ۱). نوک انگشتان در همان ارتفاع در بالای بالاتنه (شکل ۲: نمونه‌های ۱، ۴؛ شکل ۳: نمونه ۲) و یا کمی بیشتر قرار دارد (شکل ۲: نمونه ۶؛ شکل ۴: نمونه‌های ۳، ۸؛ شکل ۹: نمونه ۱).

۲- در این دسته به نظر می‌رسد بازوها به سمت بالا خمیده می‌شود اما انگشتان دست به بالا خم نمی‌شود. به جای آن بخش‌هایی از بازو با یک سری از خطوط موازی مستقیم کوتاه به بالا خم می‌شود. تعداد این خطوط کوتاه، مختلف هستند: در نمونه‌هایی ۵ خط (شکل ۷: نمونه‌های ۸، ۱۰)، شش خط (شکل ۷: نمونه‌های ۴، ۶)، هفت خط (شکل ۷: نمونه ۲) و نه خط (شکل ۷: نمونه ۳) به تصویر کشیده شده است. در نتیجه به نظر می‌رسد که این خطوط کوتاه نشان دهنده انگشتان دست هستند. برخی نمونه‌ها از لایه ۱۰ تپه گاورا (شکل ۱۴: نمونه ۴) و از تل باکون الف در فارس (شکل ۱۴: نمونه ۳) ممکن است راه حلی برای این موضوع باشند، به گونه‌ای که در این مثال‌ها تصویر انسان را به صورت شاخه‌هایی در دست نشان داده شده است. در برخی از تصاویر انسان در سبک منقوش خزینه نه تنها با بازوی خمیده بلکه با بازوهای باز مورب رو به پایین و انگشتان شاخه مانند روبرو می‌شویم.

در ده نمونه‌ی نشان داده شده در شکل ۷، پنج ردیف عمودی از مثلث‌های تک هستند. بسیاری از این موارد از منطقه لرستان گزارش شده است: تپه گیان (شکل ۷: نمونه‌های ۵، ۷، ۱۰) و تل باوا محمد (شکل ۷: نمونه ۹). تنها یک نمونه از این نوع از تپه سبز به دست آمده است (شکل ۷: نمونه ۸). از آنجا که هیچ گونه کوزه با این ترکیب خاص گزارش نشده است، طبقه بندی آنها در سبک منقوش خزینه قطعی نیست. آنها قطعا شبیه ردیف پرواز پرندگان هستند، موتیفی که گاهی اوقات از جنوب بین النهرین و ایران نیز گزارش شده است (Stucki 1984, pl. XXVIII).

قاب‌های هندسی

در تمام مواردی که قطعات به اندازه‌ی کافی بزرگ به خوبی حفظ شده‌اند، تصاویر انسانی نزدیک به هم همراه با عناصر هندسی طراحی شده است (شکل ۱۵). گاهی اوقات این تصاویر در سمت چپ (شکل ۲: نمونه ۱؛ شکل ۳: نمونه ۴؛ شکل ۴: نمونه ۵-۴؛ شکل ۵: نمونه ۱) و گاهی اوقات در سمت راست (شکل ۳: نمونه ۳؛ شکل ۴: نمونه‌های ۸-۶، ۱۰؛ شکل ۵: نمونه ۲) قرار دارند. انگشتان می‌تواند بسیار به عناصر هندسی نزدیک باشد (شکل ۴: نمونه‌های ۸-۷، ۱۰) و یا با فاصله از آنها قرار داشته باشد (شکل ۳: نمونه‌های ۴-۳؛ شکل ۴: نمونه ۵؛ شکل ۲). در زیر به نمونه‌های مختلف از عناصر هندسی اشاره می‌شود:

۱- یک مستطیل یا مربع به سه بخش تقسیم شده که به وسیله چهار خط عمودی در هر دو طرف، قاب بندی شده است (شکل ۲: نمونه ۱؛ شکل ۳: نمونه‌های ۴-۳). مرکز آن با یک الگوی شطرنجی تزئین شده است. مثلث‌ها به طور متناوب سیاه و سفید شده هستند. همه‌ی مثلث‌های همان ردیف در جهت هم رنگ نشده‌اند به گونه‌ای که در برخی از ردیف‌های فوقانی مثلث به رنگ سیاه و سفید هستند. این رایج‌ترین شیوه‌ی هندسی است. در یک وضعیت ویژه، الگوی شطرنجی مرکز به وسیله‌ی یک خط عمودی قاب شده است (شکل ۴: نمونه ۸).

- ۲- در برخی موارد به جای مثلث از مربع متناوب سیاه و سفید استفاده شده است که یک الگوی شطرنجی را نیز ایجاد کرده است (شکل ۵: نمونه ۱؛ شکل ۱۱: نمونه ۳).
- ۳- در یک نمونه ناقص از تپه سبز یک ترکیب غیرمعمول وجود دارد (شکل ۱۱: نمونه ۵). دست خم شده در مقابل یک سطح تحت پوشش با یک خط عمودی با پنج خط عمود بر هم نشان داده شده است. یک الگوی تا حدودی متفاوت بر روی یک نمونه از تپه گیان نیز مشاهده شده است (شکل ۷: نمونه ۵).
- ۴- یک الگوی دیگر نیز وجود دارد که به نظر می‌رسد از دو مورد ناقص بازسازی شده است. با کاوش‌های بیشتر ممکن است جزئیات بیشتری از این الگو روشن شود. در یک نمونه، یک بازوی خمیده با سه انگشت وجود دارد. در طرف دیگر بر یک قطعه‌ی سفالی دیگر به جای اینکه از خطوط عمودی و ترکیب شطرنجی استفاده شده باشد اثری از یک الگوی زیگزاگ باقی مانده است (شکل ۱۲: نمونه ۲). نمونه‌های دیگر که بهتر حفظ شده‌اند دارای ترکیبات شطرنجی مثلثی کلاسیک بوده و در مقابل این الگوی زیگزاگ کامل سه خط موازی عمودی ایجاد شده است (شکل ۱۲: نمونه ۱). از این مثال تنها در تپه سبز مشاهده شده که در آن نقوش دیگری از تصاویر انسانی در نزدیکی قاب‌های هندسی ظاهر می‌شود. اگر ما از این دو ترکیب قطعاتی را مشاهده کردیم، ممکن است که در برخی موارد سه عنصر با هم در سبک منقوش خزینه به تصویر کشیده شود: تصاویر انسانی، خطوط زیگزاگ و قاب‌های هندسی (شکل ۱۳). به طور کلی معنی الگوی زیگزاگ مشخص نیست.
- ۵- در نمونه‌ای از تپه خزینه یک ردیف عمودی از تصاویر شماتیک انسانی با یک ردیف عمودی از سه عنصر در گرداگرد، شکل می‌گیرد (شکل ۲: نمونه ۶). در نمونه دیگری از محوطه که به صورت طبیعی نقاشی شده بود، یک ردیف افقی از تصاویر انسانی و یک ردیف افقی از سه عنصر در گرداگرد را به تصویر می‌کشد (شکل ۲: نمونه ۵). عناصر گرداگرد در هر دو نمونه، مشابه هستند. عملکرد این محیط دایره،

مشخص نیست، هر چند پیشنهاد شده است که آنها نشان دهنده ی شکل یک ماه هستند (Ackerman 1967).

۶- یک نمونه قطعه سفال از چغامیش الگویی از خطوط عمودی موازی نازک را به نمایش می‌گذارد که دارای هیچگونه الگوی شطرنجی و مثلث‌های متناوب نیست (شکل ۸: نمونه ۱). تصاویر انسانی در این مورد بسیار شماتیک بوده است.

تفسیر و تحلیل موتیف‌ها

به طور کلی سبک منقوش خزینه، جایگزین بوده و نه شماتیک. البته این نظر بیشتر به خاطر خود شواهد نیست. با این وجود گو تیر و لامپر تصویر انسان طرح شده را تفسیر می‌کنند (131: 1905). هول، فلانری و نیلی نیز این موتیف را به عنوان "سبک انسان رقص" شرح می‌دهند (157: 1969)، و بیان می‌کنند که تصاویر رقص با استفاده از یک رنگ ایجاد شده است (Hole et al. 1969: 157; fig. 63: n). با توجه به این مشاهدات در اینجا دو نکته مطرح می‌شود:

الف: تنظیم تصاویر در ردیف‌های عمودی

تنظیم تصاویر رقص انسان در ردیف‌های عمودی یک ویژگی استثنایی است. در بسیاری از موارد، تصاویر رقص، هنر آغاز تاریخی خاور نزدیک را نشان می‌دهد. در خاور نزدیک حتی در ردیف‌های افقی در اطراف ظروف نیز این تصاویر دیده می‌شود (برای مثال نگاه کنید به شکل ۳: نمونه ۵؛ شکل ۱۴). در اینگونه تصاویر باعث ایجاد یک دایره از نقوش در اطراف ظروف می‌شود. اما سازماندهی سبک منقوش خزینه از تصاویر به صورت عمودی است و با سبک خاور نزدیک متفاوت است. فرانک هول، فلانری و نیلی درباره چینش عمودی تصاویر به معنای واقعی کلمه بیان می‌کنند که: "ایستاده‌اند و هر یک شانه به شانه هستند" (157: 1969).

با این حال در نمونه‌های چهار (شکل ۸: نمونه ۱) یا پنج (شکل ۲: نمونه ۶) به نظر می‌رسد که نقوش در بالای دیگری قرار گرفته‌اند که در واقع یک تفسیر واقع‌گرایانه و غیر ممکن است. به طور کلی دو شکل اساسی از رقص وجود دارد: رقص دایره و

رقص خطی (Lange 1976: 85) در این پژوهش، ما تفسیر سبک منقوش خزینه را به عنوان یک نمایش گرافیکی از رقص خطی پیشنهاد می‌کنیم. به نظر می‌رسد رقص سنتی مردمان غرب ایران که در آن رقاصان در یک ردیف و شانه به شانه قرار دارند، اکنون نیز به نمایش گذاشته می‌شود. تصاویری از رقص خطی در فرهنگ‌های دیگر نیز گزارش شده است (Kechagia 1995).

ب: قاب‌های هندسی

در تمام گزارش‌های منتشر شده از باستان‌شناسان هیچ تفسیری از عناصر هندسی نزدیک تصاویر رقص انجام نشده است. بعدها در مهرهای استوانه‌ای خاور نزدیک، مربوط به نیمه ی اول هزاره ی سوم قبل از میلاد، ترکیبات مشابهی از تصاویر رقص و عناصر هندسی کشف شده است (Amiet 1980T Nos. 1351, 1354; Ben-Tor 1978: 57-61, Lapp 1989: 5-6, Delougaz and Kantor 1996, pl. 154). در این موارد که اشاره شد عناصر هندسی به عنوان یک ساختار نشان داده شده است. با توجه به بافت شهری هزاره سوم قبل از میلاد، موتیف‌ها به عنوان رقص در نزدیکی یک معبد یا پرستشگاه استنباط شده است. اگر ما همان سبک منقوش خزینه و دیگر صحنه‌های طبیعی را تفسیر کنیم (نگاه کنید به شکل ۱۴: نمونه‌های ۱-۲، ۴)، عناصر هندسی موجود در صحنه ممکن است خود دارای ساختارهایی باشند. با توجه به اینکه معابد خاور نزدیک در اوایل هزاره ی هفتم قبل از میلاد ساخته شده‌اند (Hauptmann 1993; Schmidt 1998)، ممکن است عناصر هندسی در سبک منقوش خزینه نشان دهنده ی یک ساختار فرقه‌ای باشد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش حدود ۹۰ نمونه از قطعات سفالی سبک منقوش خزینه معرفی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. با توجه به کمیت استفاده از این نقش مایه‌ها در سفال‌های بدست آمده می‌توان استنباط نمود که جایگاه چنین نقش مایه‌هایی بر روی ظروف سفالین ویژه بوده و در این راستا به تصویر کشیدن انسان‌ها بدون در نظر گرفتن جزئیات

و صرفاً به صورت شماتیک، خصوصاً در مراحل اولیه ناشی از اندیشه و باوری است که چهره‌های مورد ستایش همواره بر انسان ناشناخته بوده است. همچنین به تصویر کشیدن زنجیر وار انسان و تکرار آن نیز می‌تواند نمایش یک مراسم و یا برگرفته از آیین و شاید بیان روند خلقت باشد. همچنین ممکن است عناصر هندسی در سبک منقوش خزینه نشان دهنده ی یک ساختار فرقه‌ای باشد. بنابراین یک نماد اعتقادی می‌تواند پایه و اساس این هنر باشد که به تدریج تکامل یافته و در مراحل بعدی جلوه‌هایی دیگر از واقعیت‌های مرتبط با زندگی انسان را نیز شامل گردیده است که صحنه‌های چون کشاورزی و شکار بعنوان نمونه‌هایی از این روند تکامل می‌باشند.

به طور کلی به نظر می‌رسد در سبک منقوش خزینه ویژگی‌های شماتیک از نقوش انسانی در ردیف‌هایی از رقص در مقابل معبدی متعلق به اواخر هزاره ششم قبل از میلاد را نشان می‌دهد. از این نوع سبک سفالی حدود ده محوطه در غرب ایران شناسایی شده است. با توجه به توزیع جغرافیایی، بیشتر محوطه‌ها در دشت دهلران قرار دارند (حدود ۵ محوطه). دیگر محوطه‌ها نیز در نزدیکی مناطق خوزستان و یا در منطقه لرستان قرار دارند؛ فقط محوطه دو تولون در جنوب شرق واقع شده است. بنابراین به درستی روشن است که دشت دهلران منطقه مرکزی برای تولید و استفاده سبک منقوش خزینه شناخته شده است. امید است که با انجام کاوش‌ها و بررسی‌های روشمند باستان‌شناسی در غرب ایران تا حدودی گوشه‌های از ویژگی‌های سبک منقوش خزینه برای ما روشن شود.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- مقدس و ممنوع یا معبودی خیالی و موهوم
- ۲- جانور، گیاه یا هر موجود طبیعی که مظهر نیاکان یا در ارتباط با آنها پنداشته می‌شود.

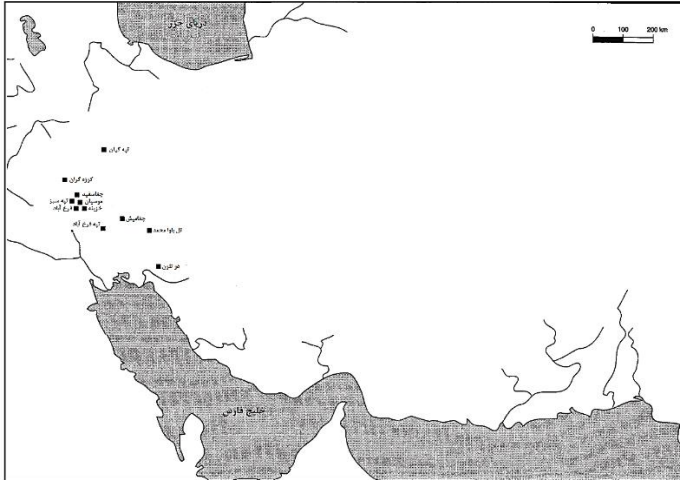
- ۳- جان بخشی به اشیاء

منابع

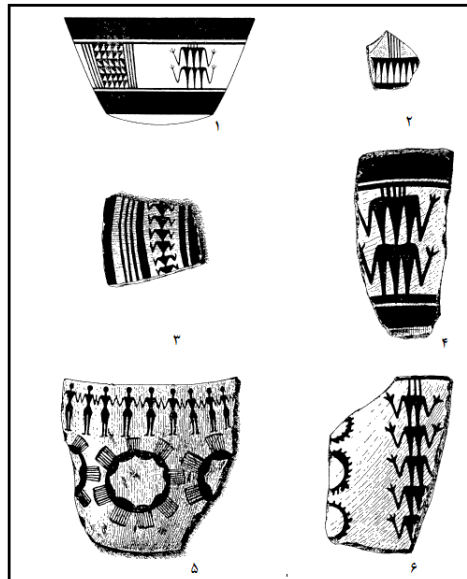
- امیری، داود، (۱۳۷۹)، پیشینه رقص، مجله چیستا، شماره ۱۷۲ و ۱۷۳، صص ۲۵۳-۲۷۳.
- فروزنده، محفوظ، (۱۳۸۸)، پژوهشی در رقص‌های ایرانی از روزگار باستان تا امروز، مجله فرهنگ و مردم، شماره ۲۹ و ۳۰، صص ۱۷۵-۲۰۰.
- ملک شهمیرزادی، صادق، (۱۳۸۲). ایران در پیش از تاریخ؛ باستان‌شناسی ایران از آغاز تا سپیده دم شهرنشینی، نشر پژوهشکده سازمان میراث فرهنگی کشور. تهران.
- نصر اشرفی، جهانگیر، (۱۳۷۹)، نگاهی به تاریخچه رقص در ایران، مجله هنر و معماری، شماره ۸، صص ۴۳-۸.
- Ackerman, P. (1967). "Symbol and Myth in Prehistoric Ceramic Ornament", in *Survey XIV*, pp. 2914-29.
- Amiet, P. (1980). *La glyptique Mesopotamienne archaïque*, Paris.
- Ben-Tor, A. (1978). *Cylinder Seals of Third Millennium Palestine*, Cambridge, Mass.
- Contenau, G. and Ghirshman, R. (1935). *Fouilles du Tepe Giyan*, Paris.
- Delougaz, P. and Kantor, H. (1996). *Chogha Mish, I*, Chicago.
- Dittmann, R. (1984). *Eine Randebene der Zagros in der Friihzeit*, Berlin.
- Garfinkel, Y. (1998). "Dancing and the beginning of art scenes in the early village communities of the Near East and southeast Europe", *Cambridge Archaeological Journal* VIII/2, pp. 207-37.
- Gautier, J. E. and Lampre, G. (1905). "Fouilles de Moussian", *MDP* VIII, pp. 59-148.
- Ghirshman, R. (1938). *Fouilles de Sialk, I*. Paris.
- Hauptmann, H. (1993). "Ein Kultgebaude in Nevali Cori", in Frangipane, M., Hauptmann, H., Liverani, M., Matthiae, P. and Mellink, M. (eds.) *Between the Rivers and Over the Mountains*, pp. 37-69, Rome.
- Herzfeld, E. (1932). *Iranische Denkmäler*, Berlin.
- Hole, F. (1977). *Studies in the Archaeological History of the Deh Luran Plain: The Excavation of Chagha Sefid*, Ann Arbor.
- Hole, F. (1983). "Symbols of Religion and Social Organization at Susa", in Young T. C. et al. (eds.) *the Hilly Flanks and Beyond*, pp. 315-33, Chicago.
- Hole, F. (1987). *The Archaeology of Western Iran*, Washington.

- Hole, F., Flannery, K. V. and Neely, J. A. (1969). *Prehistory and Human Ecology of the Deh Luran Plain. An Early Village Sequence from Khuzistan, Iran*, Ann Arbor.
- Kantor, H.J. (1976). "The Prehistoric Cultures of Chogha Mish and Boneh Fazili", in Kiani, M.Y. (ed.) *The Memorial Volume to the VIth International Congress of Iranian Art and Archaeology*, pp. 177-93, Tehran.
- Kechagia, H. (1995). "The Row and the Circle: semiotic Perspective of Visual Thinking", *Rock Art Research* XII, pp. 109-16.
- Lange, R. (1976). *The Nature of Dance. An Anthropological Perspective*, New York.
- Lapp, N. L. (1989). "Cylinder Seals and Impressions of the Third Millennium B.C. from the Dead Sea Plain", *Bulletin of the American School of Oriental Research* 273, pp. 1-15.
- Oates, J. (1969). "Choga Mami, 1967-68: a preliminary report", *Iraq* XXXI, pp. 115-52.
- Pollock, S. (1983). "Style and information: an Analysis of Susiana ceramics", *Journal of Anthropological Archaeology* II, pp. 354-90.
- Schmidt, K. (1998). "Frühneolithische Tempel: Ein Forschungsbericht zum prökeramischen Neolithikum Ober- mesopotamiens". *MDG* 130, pp. 17-49.
- Stein, A. (1940). *Old Routes of Western Iran*, London.
- Stucki, W. (1984). *Unterlagen zur Keramik des Alten Vorderen Orient*, Zurich.
- Tobler, A.J. (1950). *Excavations at Tepe Gawra, II*, Philadelphia.
- Voigt, M.M. and Dyson, R. H. (1992). "The Chronology of Iran, c. 8000-1200 B.C." in Ehrich R. (ed.) *Chronologies in Old World Archaeology* (3rd edition), pp. 122-78, Chicago.
- Wright, H.T. (1981). *An Early Town on the Deh Luran Plain. Excavations at Tepe Farukhabad*, Ann Arbor.

تصاویر



شکل ۱- دامنه جغرافیایی نفوذ سفال منقوش خزینه در غرب ایران



شکل ۲- نمونه‌های مختلف منتشر شده به وسیله گوتیر و لامپر در سال ۱۹۰۵

۱- خزینه؛ ۸×۱۴٫۵ سانتی‌متر (Gautier and Lampre 1905, Figure 264)

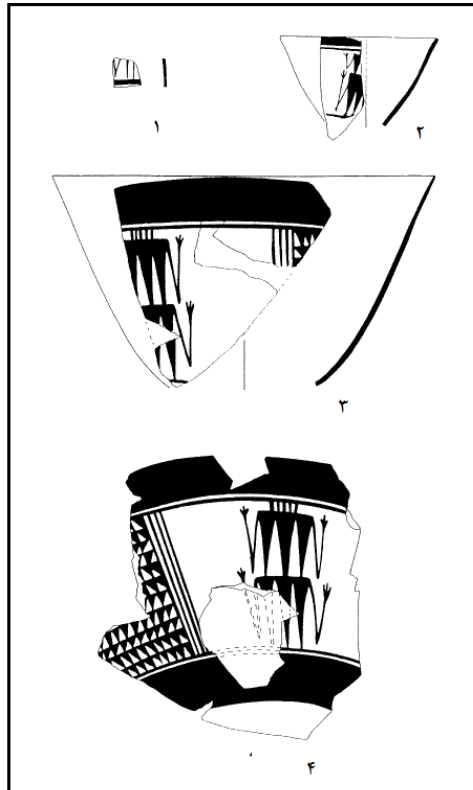
۲- خزینه؛ ۹×۷٫۵ سانتی‌متر (Gautier and Lampre 1905, Figure 265)

۳- موسیان؛ ۵×۴٫۵ سانتی‌متر (Gautier and Lampre 1905, Figure 261)

۴- خزینه؛ ۷×۳٫۵ سانتی‌متر (Gautier and Lampre 1905, Figure 263)

۵- خزینه؛ ۵٫۶×۶٫۵ سانتی‌متر (Gautier and Lampre 1905, Figure 254)

۶- خزینه؛ ۵٫۶×۴٫۵ سانتی‌متر (Gautier and Lampre 1905, Figure 262)



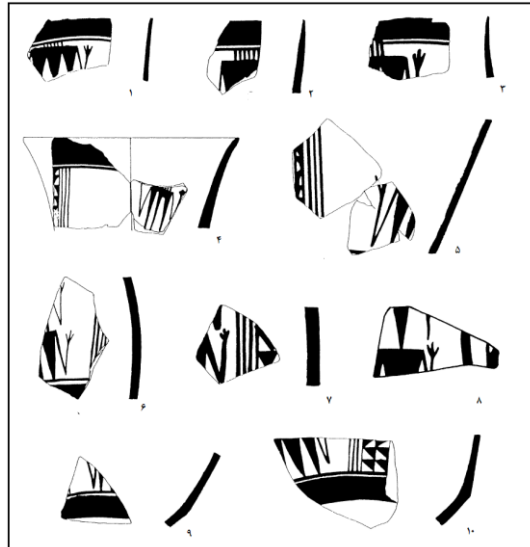
شکل ۳- کاسه‌های زنگوله‌ای شکل در اندازه‌های کوچک و متوسط

۱- کوزه گران؛ ۹×۷٫۵ سانتی‌متر (Stein 1940, Pl. VIII: 25)

۲- تپه سبز؛ ۳٫۸×۵٫۸ سانتی‌متر (Garfinkel 2000, Figure 8:2)

۳- تپه سبز؛ ۷×۳٫۵ سانتی‌متر (Garfinkel 2000, Figure 8:3)

۴- تپه سبز؛ ۵×۴٫۵ سانتی‌متر (Garfinkel 2003, Figure 9:4)



شکل ۴- کاسه‌های زنگوله‌ای شکل در تزیینات متوسط

۱- تپه سبز؛ ۳,۴×۵ سانتی‌متر (Garfinkel2003, Figure 9:7)

۲- تپه سبز؛ ۴×۵,۴ سانتی‌متر (Garfinkel2003, Figure 9:8)

۳- تپه سبز؛ ۵×۶ سانتی‌متر (Garfinkel2003, Figure 9:4)

۴- موسیان؛ ۴×۵ سانتی‌متر (Gautier and Lampre 1905, Figure 262)

۵- موسیان؛ ۵,۴×۶ سانتی‌متر (Hole et al. 1969: Figure 4: 12)

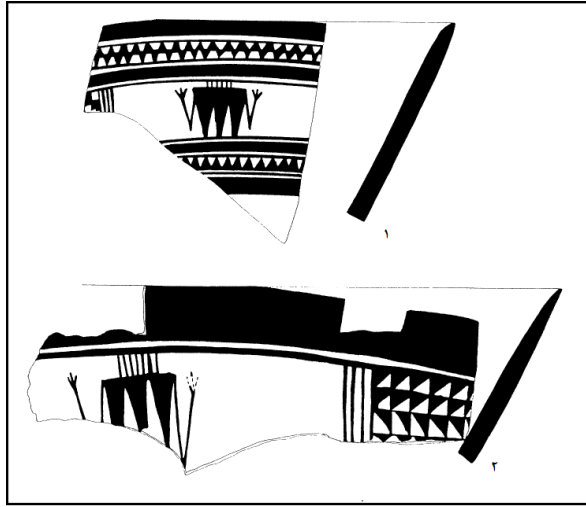
۶- موسیان؛ ۶,۵×۷ سانتی‌متر (Garfinkel2003, Figure 9:4)

۷- موسیان؛ ۵×۵ سانتی‌متر (Hole et al. 1969: Figure 4: 12)

۸- کوزه گران؛ ۴×۵ سانتی‌متر؛ (Stein 1940, pl. VIII: 21)

۹- موسیان؛ ۵×۶,۴ سانتی‌متر (Garfinkel2003, Figure 9:7)

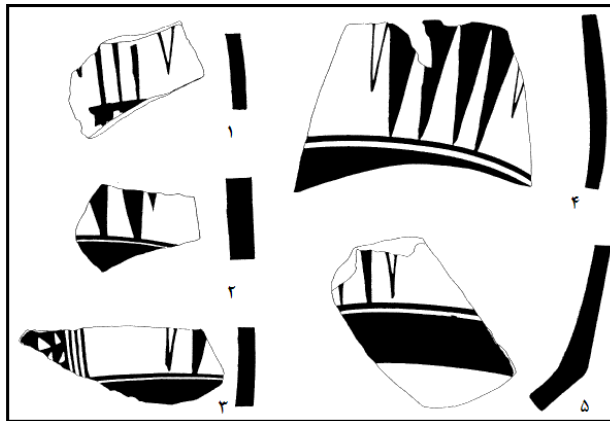
۱۰- موسیان؛ ۴×۴ سانتی‌متر (Hole et al. 1969: Figure 4: 12)



شکل ۵- کاسه‌های زنگوله‌ای شکل با تزئینات بزرگ در تپه سبز

۱- تپه سبز؛ ۴,۵×۵ سانتی‌متر (Garfinkel2003, Figure 9:4)

۲- تپه سبز؛ ۶×۷ سانتی‌متر (Garfinkel2003, Figure 9:4)



شکل ۶- کاسه‌های زنگوله‌ای شکل با تزئینات بزرگ

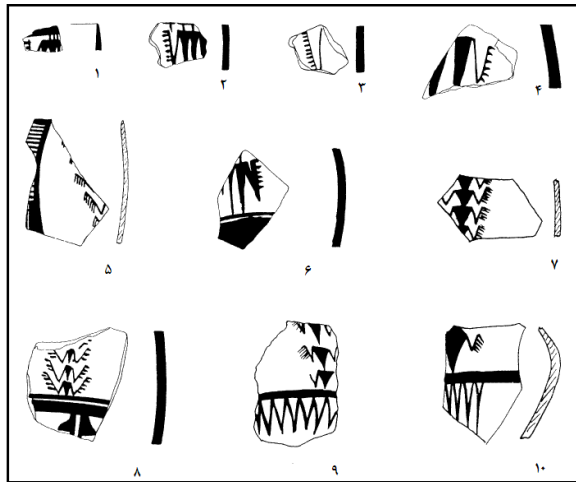
۱- موسیان؛ ۴,۵×۵ سانتی‌متر (Gautier and Lampre 1905, Figure 261)

۲- موسیان؛ ۷,۱×۵,۲ سانتی‌متر (Garfinkel2000, Figure 9:1)

۳- تپه سبز؛ ۳,۸×۷,۲ سانتی‌متر (Garfinkel2000, Figure 4:6)

۴- تپه سبز؛ ۸,۸×۱۲,۳ سانتی متر (Garfinkel2000, Figure 6:4)

۵- چغاسفید؛ ۵×۴,۵ سانتی متر (Hole 1977, Figure 52:h)



شکل ۷- تصاویر با دست‌های "بال مانند" یا تصاویر دارای شاخه

۱- تپه سبز؛ ۳,۳×۵,۳ سانتی متر (Garfinkel2000, Figure 7:4)

۲- تپه سبز؛ ۳,۱×۲,۳ سانتی متر (Garfinkel 2000, Figure 7:2)

۳- تپه سبز؛ ۴,۵×۴,۸ سانتی متر (Hole et al. 1969, Pl. 28: j)

۴- موسیان؛ ۵,۲×۷,۱ سانتی متر (Garfinkel2000, Figure 9:1)

۵- تپه گیان؛ ۸×۴ سانتی متر (Contenau and Ghirshman 1935: pls. 41)

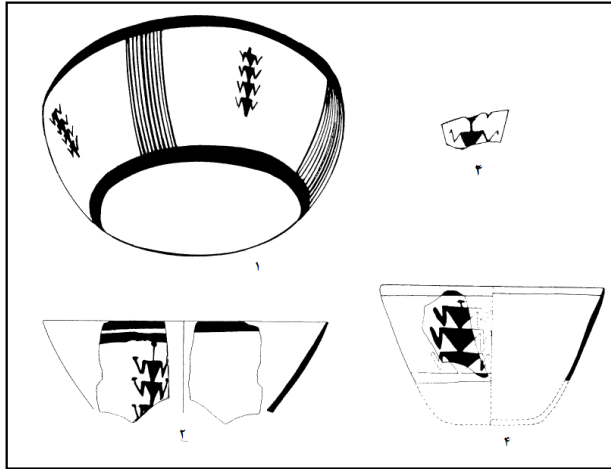
۶- تپه سبز؛ ۵,۳×۸,۳ سانتی متر (Garfinkel2000, Figure 6:5)

۷- تپه گیان؛ ۵×۴ سانتی متر (Contenau and Ghirshman 1935: pls. 43)

۸- تپه سبز؛ ۵,۸×۴,۸ سانتی متر (Garfinkel2000, Figure 9:1)

۹- تل باوا محمد؛ ۴,۵×۵ سانتی متر (Stein 1940, pl. VIII: 20)

۱۰- تپه گیان؛ ۳,۸×۴ سانتی متر (Contenau and Ghirshman 1935: pls. 42)



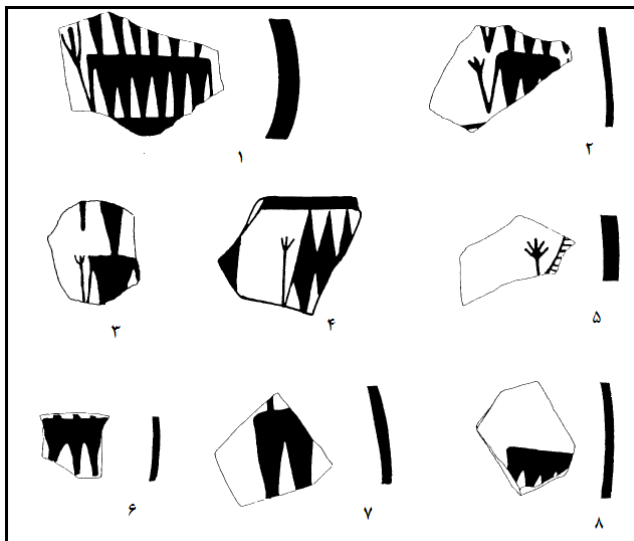
شکل ۸- نمونه‌هایی با یک ردیف عمودی از چهاره‌های تک

۱-چغامیش (Kantor 1976, Figure 6)

۲-موسیان (Garfinkel 2000, Figure 9:4)

۳-دو تلوته (Dittmann 1984, fig. 10:1)

۴-چغامیش (Delougaz and Kantor 1996, pl. 171: d)



شکل ۹- نمونه‌های دیگر از سبک منقوش خزینه

۱- موسیان؛ ۵,۲×۷,۱ سانتی‌متر (Garfinkel2000, Figure 9:1)

۲- موسیان؛ ۳,۶×۵,۴ سانتی‌متر (Garfinkel2000, Figure 9:2)

۳- کوزه گران؛ ۵×۳,۴ سانتی‌متر (Stein 1940, pl. VIII: 3)

۴- کوزه گران؛ ۴,۵×۵ سانتی‌متر (Stein 1940, pl. VIII: 4)

۵- تپه سبز؛ ۳,۵×۴ سانتی‌متر (Hole et al. 1969, Figure 62: b)

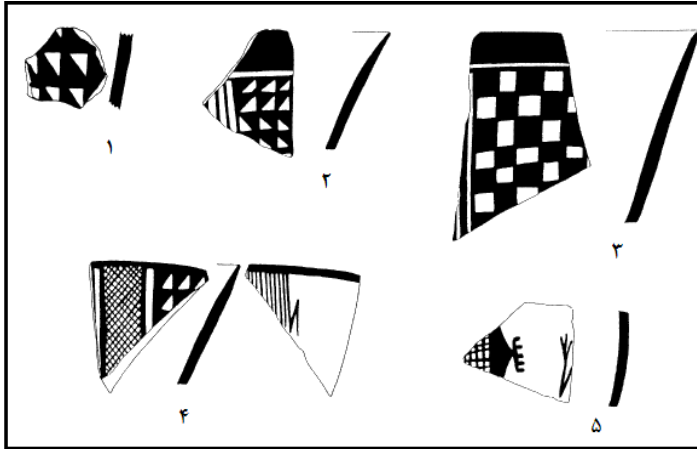
۶- تپه سبز؛ ۵,۳×۴,۳ سانتی‌متر (Garfinkel 2000, Figure 7:3)

۷- تپه سبز؛ ۵,۵×۶ سانتی‌متر (Garfinkel 2003, Figure 9: 5)

۸- موسیان؛ ۵,۵×۳,۸ سانتی‌متر (Garfinkel2000, Figure 9:3)

۴	۳	۲	۱	
				۱
				۲
				۳
				۴

شکل ۱۰- حالت‌های مختلف عمودی و افقی از چهره‌های انسانی در سبک منقوش خزینه



شکل ۱۱- نمونه‌هایی از سطوح خاص تحت پوشش: نمونه ۱ در تپه فرخ آباد (Wright 1981, fig. 11:c)؛
نمونه در چغا سفید؛ نمونه‌های ۳-۵ در تپه سبز.

۱- فرخ آباد؛ ۴,۵×۵ سانتی‌متر (Wright 1981, fig. 11: c)

۲- چغا سفید؛ ۴×۵ سانتی‌متر (Hole et al. 1969, Pl. 19: j)

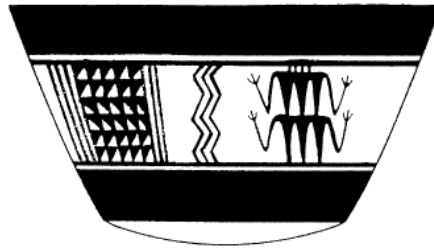
۳- تپه سبز؛ ۲۸×۴ سانتی‌متر (Garfinkel 2000, Figure 11:3)

۴- تپه سبز؛ ۵×۵ سانتی‌متر (Garfinkel 2000, Figure 11:4)

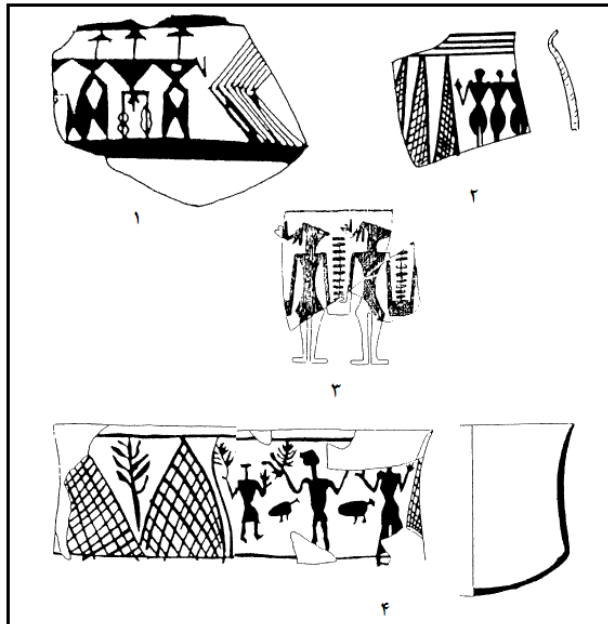
۵- تپه سبز؛ ۵,۴×۳,۵ سانتی‌متر (Garfinkel 2000, Figure 11:5)



شکل ۱۲- نمونه‌های از سبک منقوش خزینه با تزیینات خطوط زیگزاگ از تپه سبز



شکل ۱۳- بازسازی پیشنهادی از خطوط زیگزاگ از سبک منقوش خزینه



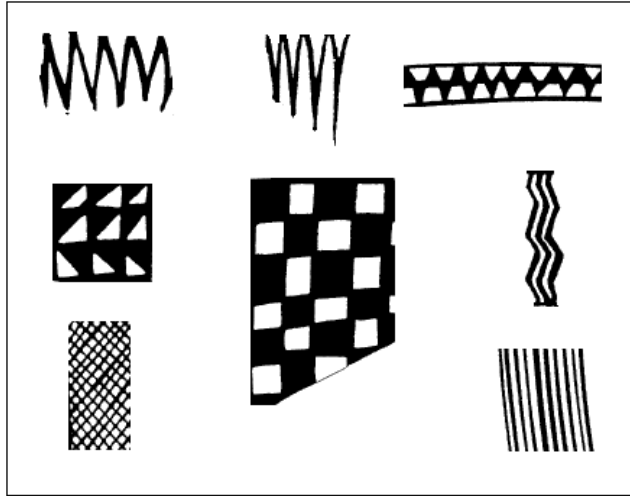
شکل ۱۴- نمایشی نسبتاً واقعی از نقوش رقص انسانی

۱- چغامامی؛ ۸×۷ سانتی‌متر (Oates 1969, pl. XXXIb)

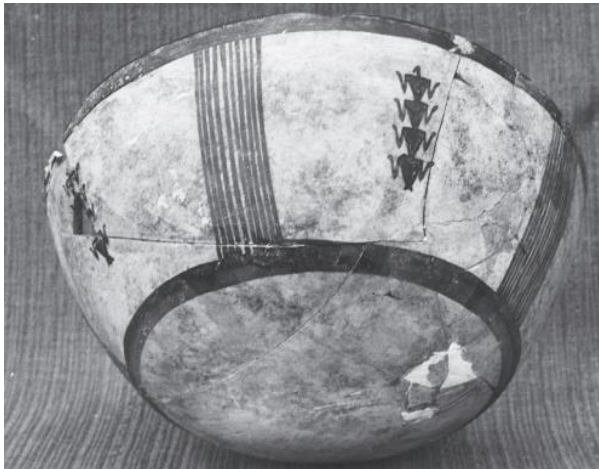
۲- سیلک؛ ۱۰×۹ سانتی‌متر (Ghirshman 1938, Pl. LXXXd: 10)

۳- تل باکون؛ ۵×۳،۴ سانتی‌متر (Herzfeld 1932, fig. 1)

۴- تپه گاوار؛ ۹×۹ سانتی‌متر (Tobler 1950, Pl. CXLV: 398)



شکل ۱۵- نمونه‌هایی از نقوش هندسی در سبک منقوش خزینه



شکل ۱۶- تصویر سفال سالم با ردیف‌های عمودی از چهره‌های تک در چغامیش (Garfinkel 2003,)

(Figure 9:21)

نشانه‌هایی از شیماشکی باستان در تپه قلعه‌زینل

دکتر خداکرم مظاهری^۲ سیاوش شهبازی^۳

چکیده

در این مقاله مجموعه سفال‌های گردآوری شده در بررسی‌های باستان‌شناسی تپه قلعه‌زینل را مورد مطالعه و بررسی قرار داده‌ایم. تپه قلعه‌زینل که بزرگ‌ترین تپه باستانی دره ی سیمره در استان ایلام است، در موقعیتی بسیار سوق‌الجیشی در مجاور محل تلاقی دو رودخانه ی سیکان و سیمره واقع است.

بررسی‌های باستان‌شناسی حاکی از این است که این محل در برگیرنده اطلاعات مهمی در مورد عصر مفرغ منطقه است. در عصر مفرغ، سنت سفال منقوش گودین III در دره سیمره رواج داشته و تنها یک‌بار، در روند توسعه این نوع سنت سفالگری خلل ایجاد شده و آن، هم‌زمان با مرحله گودین III₄ است که در این زمان با نفوذ سفال دوره شیماشکی دشت شوشان در دره ی سیمره مواجه‌ایم که سفال‌های شاخص آن در بررسی‌های تپه قلعه‌زینل گردآوری شده است. احتمالاً گسترش سفال دوره شیماشکی تا دره سیمره، تحت تأثیر لشگرکشی‌های سلسله اور III رخ داده است. بعد از این مرحله، دوباره شاهد تداوم رواج سنت سفال منقوش گودین III در دره سیمره هستیم. روند توسعه سفال منقوش گودین III در دره سیمره، موجب تقویت نظر دانشمندانی می‌شود که معتقدند سرزمین شیماشکی در ارتفاعات شمال دشت شوشان قرار دارد، هرچند که نمی‌توان این موضوع را تنها با استفاده از داده‌های غیر مکتوب اثبات نمود. از سوی دیگر با توجه به مساحت تپه قلعه‌زینل و نیز موقعیت مکان‌گزینی آن، به نظر می‌رسد که می‌توان این محوطه را به عنوان مرکز یکی از قلمروهای کوهستانی اتحادیه شیماشکی مطرح نمود.

واژگان کلیدی: دره سیمره، تپه قلعه‌زینل، شیماشکی باستان، گودین III، عصر مفرغ.

^۲ - استادیار دانشگاه آزاداسلامی واحد ایلام، نویسنده و مسئول مقاله.

^۳ - کارشناسی ارشد باستان‌شناسی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمانشاه.

مقدمه: عصر مفرغ (حدود ۱۴۰۰ - ۳۲۰۰ ق.م.) حوزه زاگرس مرکزی، یکی از مهم‌ترین ادوار باستان‌شناسی غرب ایران است. یکی از ویژگی‌های این حوزه، مجاورت با دشت‌های میانرودان و شوشان است. این دشت‌ها همزمان با آغاز عصر مفرغ، وارد دوران تاریخی می‌شوند. مرحله گودین III (حدود ۱۴۰۰ - ۲۶۰۰ ق.م.)، هم از نظر میزان گسترش حوزه توزیع و هم از نظر گستره زمانی، مهمترین مرحله عصر مفرغ غرب ایران است. با شروع این مرحله، نوعی همگونی فرهنگی در سراسر مناطق غرب و جنوب غربی ایران مشاهده می‌شود که از طریق رواج سنت سفال منقوش یکرنگ گودین III نمایش داده شده است؛ در واقع این سنت، مهمترین سنت سفالگری زاگرس مرکزی در این دوره است که بیش از یک هزاره، دوام آورده است.

دوره گودین III در تپه گودین کنگاور به هفت مرحله کوچک‌تر تقسیم شده که عبارت است از: III₁, III₂, P-III₂, III₃, III₄, III₅ و III₆ (Henrickson 1991:291). در این میان، مرحله P-III₂ (پس از III₂) تنها با توجه به سفال متمایز آن، به شکل یک مرحله مستقل معرفی شده، این در حالیست که مراحل دیگر گودین III با توجه به بقایای معماری، شناسایی و معرفی شده و هر کدام از این مراحل، بر خلاف مرحله P-III₂، از یک یا چند لایه معماری (جدول ۱) تشکیل شده‌است (Ibid 1987a:214). از میان مراحل هفت گانه گودین III، دو مرحله III₁ و III₃ فقط در گودین شناخته شده و در محل - های دیگر دارای مواد فرهنگی مرتبط با این زمان، قابل شناسایی نیست، که علت آن حجم کم مواد فرهنگی مکشوفه از این دو مرحله در گودین است که موجب شده تا این دو مرحله (برخلاف سایر مراحل گودین III) به طور کامل شناخته نشود (Ibid: 211 & 214). سایر مراحل گودین III (III₂, P-III₂, III₄, III₅ و III₆)، مراحل اصلی بوده و هم در تپه گودین و هم در سایر مناطق مختلف زاگرس مرکزی به خوبی شناسایی و مطالعه شده‌اند (Ibid 1986). هنریکسون وضعیت توزیع سفال گودین III را در ۶ ناحیه جغرافیایی توضیح داده است (Ibid 1987a: 206).

درهٔ سیمره، در جنوب شرق استان ایلام یکی از مناطق مهمی است که در سال‌های اخیر، بررسی‌های باستان‌شناسی نسبتاً دقیق و جامعی در ارتباط با شکل و توالی توزیع سفال گودین III در محدودهٔ آن انجام گرفته است که منجر به جمع‌آوری داده‌های مهمی شده است (مظاهری، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۸؛ شهبازی، ۱۳۸۵). در بررسی‌های درهٔ سیمره، مشخص شد که برخلاف سایر مراحل گودین III، مواد فرهنگی مرحلهٔ III₄ در این دره دیده نمی‌شود و به جای آن، شاهد توسعه سنت سفال رایج در دشت‌های شوشان و میانرودان تا درهٔ سیمره هستیم (جدول ۱). این در حالیکه در همین زمان در درهٔ رومشگان در فاصله‌ی حدوداً ۲۰ کیلومتری شمال درهٔ سیمره، سفال مرحلهٔ گودین III₄ در چغاسبز به دست آمده است (Henrickson 1986: 14-15). مرحلهٔ III₄ هم‌زمان با دورهٔ اور III و اوایل دورهٔ ایسین-لارسا در میانرودان است. شیماشکی به شکل اتحادیه‌ای از چند قلمرو کوهستانی، برای اولین بار در این دوره در حکومت ایلام باستان مطرح می‌شود (Ibid 23 & 24). این مرحله در دشت شوشان به نام دورهٔ شیماشکی خوانده می‌شود. سفال‌های دورهٔ شیماشکی شباهت‌ها و ارتباطات نزدیکی با مواد فرهنگی میانرودانی دورهٔ اور III دارد (Carter 1991: 294). سفال دورهٔ شیماشکی در شرایطی در درهٔ سیمره پدیدار می‌شود که قبل و بعد از آن، سفال منقوش گودین III را داریم. یکی از مهمترین محلهای باستانی درهٔ سیمره که یافته‌های سطحی حاکی از وجود نهشت‌های باستانی دورهٔ شیماشکی در آن است، تپهٔ قلعه‌زینل نام دارد. هدف این مقاله معرفی و بررسی و تحلیل مواد فرهنگی گردآوری شده در جریان بررسی‌های تپهٔ قلعه‌زینل است. لذا، در ابتدا نگاهی اجمالی به مجموعه سفال دورهٔ شیماشکی و حوزه جغرافیایی و زمانی توزیع آن داریم.

سفال دورهٔ شیماشکی

تاریخ فرهنگی و سیاسی ایلام باستان، به طور کلی، به دوران آغاز ایلامی (حدود ۲۶۰۰ - ۳۲۰۰ ق.م)، ایلام کهن (شامل: سلسله‌های اوان / حدود ۲۱۰۰ - ۲۶۰۰ ق.م، شیماشکی / حدود

۱۹۰۰ - ۲۱۰۰ ق.م؛ و سوکالماخ / حدود ۱۵۰۰ - ۱۹۰۰ ق.م)، ایلام میانه (حدود ۱۱۰۰ - ۱۴۵۰ ق.م) و ایلام جدید (حدود ۵۰۰ - ۷۵۰ ق.م) تقسیم‌بندی شده است (علیزاده، ۱۳۷۱: ۷۸ و Carter 1980: 21 & tab.1). در این میان، واژه «شیماشکی» علاوه بر نام بخشی از دوره تاریخی ایلام کهن، نام یک منطقه خاص جغرافیایی نیز محسوب می‌شود (نیکنامی و رفیعی علوی، ۱۳۸۸: ۲۰۰).

در باستان‌شناسی شوشان دوره شیماشکی همان شوش V است و سفال لایه‌های ۳ - ۶ شهر شاهی I به این مرحله تعلق دارد که به چند گروه گونه‌شناسی شده است (Carter 1980: 28). سفال‌های نخودی غیرمنقوش با شاموت ماسه، مواد گیاهی و شن نرم از مشخصه‌های سفال‌های مکشوفه از طبقات ۳ - ۶ شهر شاهی I است. استفاده از نوارهای برجسته یا نوارهای برجسته مزین به نقوش فشار انگشتی، عمومی‌ترین شکل تزئینی است که در این مرحله یافت شده است. نوارهای برجسته را یا به تنهایی یا به شکل ترکیب چندتایی به کار برده‌اند. همچنین نوارهای کنده در روی شانه سبوها، نسبتاً فراوان استفاده شده است (Ibid 1979:453). نوارهای برجسته با نقوش فشار انگشتی و نوارهای برجسته ساده، رایج‌ترین روش تزئینی مورد استفاده سفالگران اواخر هزاره سوم و اوایل هزاره دوم ق.م. است. این تکنیک، به ویژه در لایه‌های ۵ - ۶ (مرحله V_A) شهر شاهی I استفاده شده است. در لایه‌های ۳ - ۴ (مرحله V_B) نوارهای کنده روی شانه سبوها به عنوان یک شکل تزئینی مورد استفاده قرار می‌گیرد (Ibid 1980:30). سه شکل شاخصی که در بین سفال‌های این مرحله شهر شاهی I دیده می‌شود عبارتند از: کاسه‌های با لبه عمودی و نوار فرورفته زیر لبه (Upright-Indented- Band-rim)، سبوه‌های با زاویه مضاعف (Double Angled) و سبوه‌های با لبه‌های سنگین شیاردار (Thickened grooved rim) (Ibid, figs. 41: 1-4, 46: 1-12 & 50: 2, 5 & 9). این دوره فقط قطعه سفال‌های منقوش پراکنده‌ای یافت شده است. ساخت کاسه‌های

مخروطی در لایه‌های ۵-۶ تداوم می‌یابد، اما تعدادشان کم می‌شود و به تدریج کاسه-های نیم‌دایره‌ای و کاسه‌های با لبه عمودی دارای نوار فرو رفته زیر لبه، جایگزین کاسه-های مخروطی می‌گردد. سبوه‌های با زاویه مضاعف در لایه ۶ ظاهر می‌شود و تولید این نوع سبوها در لایه‌های ۳-۴ رواج می‌یابد. تولید سبوه‌های با شانه‌های دارای نوارهای برآمده که در لایه‌های ۷-۸ رواج داشت، در لایه‌های ۵-۶ نیز تداوم می‌یابد، لیکن از لایه‌های ۳-۴ یافت نشده است. قسمت عمده مطالعات مقایسه‌ای روی سفال لایه‌های این دوره شهر شاهی I، با نمونه‌های میانرودانی و نیز با یافته‌های شهر شاهی VI-BVII، نشان‌دهنده یک گستره تاریخی مابین ۱۹۰۰-۲۲۰۰ ق. م. برای لایه‌های ۳-۶ است. مهرها و کتیبه‌های مکشوفه از طبقات ۳-۴ نیز این تاریخ گذاری را تأیید می‌نماید (Ibid 1979:453-454). کاسه‌های با لبه عمودی دارای نوار فرو رفته در زیر لبه، یکی از شاخص‌ترین گونه‌های ظروف سفالی اواخر هزاره سوم و اوایل هزاره دوم ق. م. در میانرودان است (Ibid 1980:30). در مرحله سوکالماخ، کاسه‌های با لبه عمودی دارای نوار فرو رفته در زیر لبه ناپدید می‌گردد (Ibid 1991:294). سفال این مرحله شهر شاهی I با سفال شناخته شده در شهر شاهی VI-BVII در شوش و سفال لایه‌هایی که به دوره‌های اور III و ایسین لارسا در میانرودان تاریخ گذاری شده است، شباهت نزدیکی دارد (کارتر، ۱۳۷۶: ۷۷). در کاوش‌های تپه فرخ آباد دهلران نیز مجموعه مهمی از سفال-های دوره شیماشکی به دست آمده است (Wright 1981: 201 & fig. 84). امروزه با کاوش‌هایی که در شوش و فرخ آباد و سایر نقاط هم‌زمان صورت پذیرفته، شناخت نسبتاً مناسبی در خصوص سفال دوره شیماشکی داریم.

دره ی سیمره

دره سیمره، جنوبی‌ترین دره منطقه پیش کوه (محدوده جغرافیایی مابین کبیرکوه در غرب و سفیدکوه در شرق) است. قسمت اعظم محدوده جغرافیایی دره سیمره، در بخش مرکزی شهرستان دره‌شهر (در جنوب شرق استان ایلام) واقع است. این دره، در موقعیت ۰۵/۰۰:

۳۳ تا ۳۰/۱۲: ۳۳ عرض جغرافیایی و ۴۷/۰۰ تا ۴۷: ۲۷/۳۰ طول جغرافیایی قرار دارد. طول دره، در حدود ۳۰ کیلومتر و عرض (شمالی- جنوبی) آن مابین رشته‌جبال کبیرکوه در جنوب و رودخانهٔ سیمره در شمال، مابین ۱۰-۱ کیلومتر متغیر است. این دره در دامنه‌های شمالی کبیرکوه قرار دارد. از نکات قابل توجه این است که مهم‌ترین معابر کبیرکوه در امتداد درهٔ سیمره واقع است. اشمیت در قسمتی از یادداشت‌های خود در ضمن بررسی‌های درهٔ سیمره و پیرامون آن چنین آورده:

« با برآورد تپه‌ها و ویرانه‌های فراوان در آن بخش وسیع درهٔ سیمره که تا جنوب غربی رومشگان و به موازات آن گسترده بود، این منطقه می‌باید نقش قابل توجهی در تاریخ باستان عیلام بازی کرده باشد. بی تردید پروازهای ما در طول رودخانه سیمره از گلوگاه‌های بی‌مهابا در لرستان داخلی به دشت عیلام تا دور دستی چون شوش مشهور، نشانگر آن بود که درهٔ سیمره گذرگاه اصلی فرهنگ‌های کوهستان‌ها و دشت جنوب غربی ایران بوده است. در حالی که در زمان ما فقط روستاهای کوچک و حصارهای رؤسای چادرنشین پیشین، درهٔ سیمره را اشغال کرده‌اند، ظاهراً این منطقه در ۴ یا ۶ هزاره پیش زیستگاهی انبوه بوده است» (اشمیت، ۱۳۷۶: ۱۱۷).

در طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۸۴ ه. ش. سه فصل بررسی باستان‌شناسی در حوزهٔ درهٔ سیمره انجام شده است. فصل اول، بر نیمهٔ غربی درهٔ سیمره متمرکز گردید (شهبازی، ۱۳۸۵). فصل دوم، نیمهٔ شرقی حوزهٔ درهٔ سیمره را پوشش داد (مظاهری، ۱۳۸۵). فصل سوم، با هدف بازنگری محل‌های عصر مفرغ درهٔ سیمره که در جریان دو فصل قبلی شناسایی شده بود، انجام گرفت (همان، ۱۳۸۸). در جریان بررسی‌های مذکور در مجموع در ۴ محل آثار فرهنگی دورهٔ شیماشکی یافت شد که می‌توان آنها را به دو گروه تقسیم نمود: گروه اول شامل تپه‌های غارت‌مالگه و تپهٔ قلعه‌زینل می‌شود که هر دو استقرارهای دائمی هستند و در محدودهٔ حوزهٔ درهٔ سیمره، در میان اراضی زراعی امروزی، مجاور هم، در مرکز دشت زرین‌دشت و در موقعیتی سوق‌الجیشی مشرف به محل تلاقی رود سیکان و رودخانهٔ سیمره، شکل گرفته‌اند. گروه دوم، غارهای مَرَبَرْدَبَلَه باجگیر ۱ و مَرگوارپهن هستند که هر دوی آنها خارج از حوزهٔ درهٔ سیمره و در امتداد

تنگه زرانگوش واقع اند (همان: ۲۸۳). تنگه زرانگوش، یکی از معابر مهم کبیرکوه است که هرساله عشایر کوچ‌نشین از این معبر برای عبور از کبیرکوه و حرکت به سمت مراتع قشلاقی پشت کوه و شمال خوزستان استفاده می‌کنند (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۵: ۱۵-۱۸). تپه قلعه‌زینل علاوه بر این که در موقعیتی سوق‌الجیشی مشرف به محل تلاقی رود سیکان و رودخانه سیمره، شکل گرفته، بزرگترین تپه باستانی دره سیمره نیز محسوب می‌شود. در این مقاله بنابر اهمیت موضوع، به صورت موردی فقط یافته‌های تپه قلعه‌زینل را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

تپه ی قلعه‌زینل

مشخصات کلی: تپه ی قلعه‌زینل در فاصله‌ای حدود ۵۰۰ متری جنوب روستای الیاس-آباد (چم‌کلان) از توابع دهستان زرین‌دشت واقع است. این تپه در موقعیت ۴۰/۱۱: ۳۳ عرض جغرافیایی و ۴۷/۲۱: ۴۷ طول جغرافیایی و در ارتفاع ۶۴۶ متری از سطح دریا، در بخش پست قسمت مرکزی دره سیمره و ۵۰۰ متری جنوب رودخانه سیمره قرار دارد. رودخانه سیکان نیز در دامنه غربی تپه جاری است (تصاویر ۱ و ۲). این تپه، در موقعیت سوق‌الجیشی و مشرف به محل تلاقی دو رودخانه سیکان و سیمره واقع است. تپه قلعه‌زینل نام خود را از یکی از خوانین محلی به نام «زینل خان کلانتر» که در دوره پهلوی اول اقدام به ساخت یک قلعه خشتی بر روی تپه نموده، گرفته است. درون دیوارهای قلعه که از خشت خام ساخته شده، به وفور قطعات سفالینه در ملاط خشت‌ها دیده می‌شود که بیانگر استفاده از خاک تپه برای احداث آن قلعه است. عرض شمالی-جنوبی تپه حدوداً ۳۰۰ متر و طول شرقی-غربی آن ۲۰۰ متر است و نزدیک به ۱۵ متر نسبت به زمین‌های اطراف ارتفاع دارد. مساحت تپه ۶ هکتار بوده و بزرگ‌ترین تپه باستانی دره سیمره است. این تپه علاوه بر این، همان طوری که اشاره شد، در موقعیتی بسیار مناسب در بخش پست قسمت مرکزی دره سیمره و در محل تلاقی رودخانه سیکان به رودخانه سیمره شکل گرفته است و از دو ضلع شمالی و غربی به وسیله

عوارض طبیعی مذکور احاطه شده است. سطح تپه نسبتاً هموار بوده و امروزه رأس تپه و پیرامون آن به طور کامل، زیر کشت می‌رود. به خاطر ارتفاع نسبتاً زیاد تپه نسبت به اراضی پیرامون، دامنه‌های آن شیب نسبتاً تندی به سمت زمین‌های اطراف دارد. اورل اشتاین از این تپه بازدید نموده و گزارش وی چنین است: «نه چندان دور از خمیدگی رودخانه سیمره در این منطقه، یک تراس بند مرتفع وجود دارد. در حال حاضر ساختمان یک قلعه با دیوارهای خشتی به نام زینل یا قلعه صادق خان بر روی آن ساخته شده است.

در دامنه‌های جنوبی قلعه برخی قطعات ظروف منقوش و مجموعه‌ای از ابزارهای سنگ چخماقی جمع‌آوری شد. پوشش گیاهی انبوه مانع بررسی بیشتر دامنه‌ها و رأس تپه گردید. این تراس که حدود ۵۰ فوت بلندی دارد، مسلماً دارای زیرساختی طبیعی است. بلندی و موقعیت بی‌نظیر آن، شرایط دفاعی بسیار مساعدی را فراهم کرده است. اما در میان لایه‌ها اثری از استقرارهای دائمی دوره‌های کهن یافت نشد» (Stein 1940:210). هیئت هلمز نیز تپه قلعه‌زینل را با عنوان «تپه زینل خان کلانتر» بر روی نقشه باستان‌شناسی منطقه نشان داده است (Schmidt et al. 1989, vol.2, pl.5). هیئت مذکور از این تپه بازدید کرده و آن را بزرگ‌ترین تپه‌ای معرفی نموده که از دور دیده می‌شود و قلعه‌ای جدید روی آن واقع است، همچنین به تکه‌های سفال منقوش، سفال ساده قدیمی و سفال‌های دوره ساسانی در سطح تپه اشاره نموده‌اند (Ibid, vol.1:11). اشمیت در ۱۸ اکتبر ۱۹۳۵ م. بر فراز تپه پرواز داشته و در کتاب «پرواز بر فراز شهرهای ایران»، تصویری از آن ارائه نموده و چنین می‌نویسد:

«تپه کدخدای قلندر (=کلانتر) نام محوطه‌ای در بخش تختانی مرکز تصویر ۵۴ است. این تپه بزرگ‌ترین تپه‌ای است که در طول پروازهای خود در لرستان دیدیم که در رأس هموار خود، حصار یک روستای امروزی را حمل می‌کرد. این تپه مسلماً مهم‌ترین محوطه باستانی در دره میانی سیمره است. شهر باستانی ایلامی ماداکتو در نقشه ایلام دومورگان و جورج. جی. کامرون که ضمیمه «تاریخ ایران باستان» است، در مجاورت تپه قلندر واقع شده است. به گفته کامرون طبق منابع مستند، ماداکتو، به

وسيله رودخانه‌ای در دو جانب شهر مرزبندی شده است. عکس هوایی، خمی از سیمه را به فاصله‌ای از تپه و نه‌ری (رود سیکان) که به نحوی به آن مربوط است و فقط در مسیر یک حاشیه تپه جریان دارد، ثبت کرده است. به هر صورت، خواه این تپه، ماداکتو را در میان داشته باشد یا نه، موضوع ارزنده‌ای برای یک برنامه کاوش است» (اشمیت، ۱۳۷۶: ۱۱۸ و تصویر ۵۴).

این تپه در فصل اول با عنوان «تپه قلعه‌زینل» مورد بررسی قرار گرفت (شهبازی، ۱۳۸۵: ۷۲-۷۵) و در پی آن در سال ۱۳۸۵ ه. ش. با هدف بازنگری مواد فرهنگی عصر مفرغ که در فصل اول شناسایی شده بود، مجدداً بررسی شد (مظاهری، ۱۳۸۸: ۱۹۹-۲۰۸). متأسفانه هم در جریان مطالعات فصل اول و هم مطالعات فصل بازنگری، مالک زمین-های کشاورزی سطح تپه، به همراه خانوادهٔ پرجمعیت خود، با ایجاد درگیری و نزاع و مزاحمت‌هایی، مانع از بررسی دقیق و نمونه‌برداری مناسب از سطح تپه شدند (شهبازی، ۱۳۸۵: ۷۳؛ مظاهری، ۱۳۸۸: ۲۰۰). در سطح و پیرامون تپه قلعه‌زینل مواد فرهنگی گوناگون و متنوعی شامل قطعات سفال، ابزارهای سنگی، دست‌آزارهای سنگی، قطعات ریز فلز، قطعات خشت و آجر، تکه‌های شیشه و تکه‌های پراکنده صدف دیده می‌شود. این مواد فرهنگی بیانگر وجود استقرارهایی از دوره‌های مس-سنگی، مفرغ، آهن III، پس از هخامنشی، اشکانی و اسلامی در این محل است (شهبازی، ۱۳۸۵: ۷۴). علاوه بر نهشت-های عصر مفرغ، به نظر می‌رسد که نهشت‌های دوره‌های پس از هخامنشی (شکل ۱: ۶-۱) و اشکانی (شکل ۱: ۷-۹) تپه قلعه‌زینل نیز قابل توجه است.

گونه‌شناسی سفال‌ها: در این تحقیق تعداد ۲۲ قطعه از نمونه سفال‌هایی که متعلق به عصر مفرغ بوده و در طی بررسی‌های تپه قلعه‌زینل گردآوری شده، مورد مطالعه قرار گرفت. این نمونه‌ها از قسمت‌های مختلف تپه گردآوری شده است. به علت مشکلاتی که در جریان بررسی‌ها به وجود آمد؛ نمونه‌های مناسب و کافی از سطح تپه گردآوری نشد و بایستی اقرار نمود که هنوز این محل به طور کامل و دقیق بررسی نشده است (شکل ۲ و جدول ۲).

رنگ خمیره اکثر نمونه‌ها در طیفی از رنگ نخودی است. در میان مجموعه، نمونه‌های با خمیره به رنگ قهوه‌ای تا قهوه‌ای روشن نیز وجود دارد. به ندرت، نمونه‌های با خمیره خاکستری نیز دیده می‌شود. خمیره چند مورد از نمونه‌ها نیز دود زده است. در ترکیب برخی از نمونه‌ها، مواد آهکی به صورت ذرات سفیدرنگ دیده می‌شود. همچنین بعضاً در ترکیب نمونه‌ها، ذرات طلایی رنگ دیده می‌شود که جلای فلزی دارند. از ترکیب مواد معدنی و گیاهی و یا مواد معدنی به تنهایی به عنوان شاموت سفال‌ها استفاده شده است. جداره سفال‌ها صاف و هموار است. بر روی یک طرف یا هر دو سطح اکثر نمونه‌ها پوشش‌های گلی به کار رفته است. از نظر رنگ پوشش می‌توان سفال‌ها را به سه گروه تقسیم نمود؛ اول، سفال‌های با پوشش‌های گلی در طیفی از رنگ نخودی که در اکثریت اند. گروه دوم سفال‌های دارای پوشش گلی غلیظ قرمز را شامل می‌شود (شکل ۲: ۱۶ و ۱۸) و گروه سوم سفال‌های با پوشش گلی خاکستری روشن است که به ندرت دیده می‌شود (شکل ۲: ۵). در میان مجموعه، هم نمونه‌های چرخ‌ساز و هم سفال‌های دست‌ساز دیده می‌شود. درجه حرارت مورد نیاز برای پخت سفال‌ها معمولاً مناسب بوده است و رنگ بافت اکثر نمونه‌ها یک‌دست است.

از روش‌های مختلف تزئینی، به تنهایی و یا به شکل ترکیبی استفاده شده است. باندها و نوارهای برجسته ساده (شکل ۲: ۸، ۱۳، ۱۶ و ۲۱) روی بدنه، شانه و مابین گردن و بدنه به کار رفته است. از نوارهای کنده مستقیم و یا موج‌دار افقی در زیر لبه، روی بدنه و یا زیر گردن ظروف استفاده شده است (شکل ۲: ۲، ۱۳ و ۲۲). بیشترین تزئیناتی که در میان نمونه‌ها دیده می‌شود، تزئینات منقوش است. اکثر تزئینات منقوش را نقوش نواری مستقیم یا موج‌دار افقی تشکیل می‌دهد که بر روی لبه، زیر لبه و یا روی بدنه نمونه‌ها نقش بسته است (شکل ۲: ۶، ۷، ۱۶، ۱۷ و ۱۹-۲۲). نقش بیشتر تزئینات منقوش در طیفی از رنگ قهوه‌ای است. همچنین نقوش به رنگ‌های سبز زیتونی، قرمز قهوه‌ای و قرمز

نیز دیده می‌شود. تمام تزئینات منقوش، یک رنگ هستند. رنگ برخی از نقوش تا حدودی محو شده است.

در میان مجموعه گردآوری شده در بررسی تپه قلعه‌زینل، سه گونه ظرف قابل تشخیص است که عبارت است از: کاسه‌ها، سبوها و یک مورد لیوان. کاسه‌ها را می‌توان براساس شکل لبه به سه گروه تقسیم نمود: کاسه با لبه ضخیم و دارای بدنه پیچیده (شکل ۲: ۱)، کاسه با لبه مستقیم یا تا حدودی مستقیم و دارای بدنه بیضوی (شکل ۲: ۲ و ۵) و کاسه با لبه عمودی و دارای نوار فرو رفته در زیر لبه (شکل ۲: ۳ و ۴). سبوها را نیز می‌توان براساس شکل بدنه به سه گروه تقسیم نمود: سبوی با شانه زاویه‌دار و نوار برجسته روی زاویه (شکل ۲: ۱۱)، سبوی با بدنه کیسه‌ای شکل و دارای باند یا نوار برجسته روی شانه (شکل ۲: ۸ و ۱۶) و سبوی دارای یک باند برجسته مابین بدنه و گردن و نیز تزئینات کنده در زیر گردن (شکل ۲: ۱۳). علاوه بر این شکل‌ها، سبوی با لبه دارای شیارهای چندتایی (Multiple Grooved) نیز در میان مجموعه دیده می‌شود (شکل ۲: ۱۲)؛ این نوع سبویکی از گونه‌های شاخص ظروف دوره ی شیماشکی در شوشان است (Carter 1991:294). یکی نمونه دیگر از ظروفی که در این مجموعه دیده می‌شود، لیوان با بدنه منحنی شکل با تزئین نواری منقوش است (شکل ۲: ۶)؛ این نوع ظرف یکی از گونه‌های شاخص مرحله گودین P-III₂ است (Henrickson 1987_b:56-57). ساغرهای مزین به نقوش نواری از همان ظروف گونه خابور هستند (Ibid 1987_a:213).

گاهنگاری مقایسه‌ای: سفال‌های عصر مفرغ تپه قلعه‌زینل متعلق به دوره‌های مفرغ قدیم، میانه و جدید هستند. براساس جداول گاهنگاری مورد استفاده کاوشگران هیئت هلمز به سرپرستی اریک اشمیت و کاوشگران هیئت بلژیکی به سرپرستی لویی واندنبرگ، می‌توان عصر مفرغ زاگرس مرکزی را به سه زیردوره تقسیم نمود: دوره مفرغ قدیم ۲۰۰۰ - ۳۲۰۰/۲۹۰۰ ق. م.، دوره مفرغ میانه ۱۶۰۰ - ۲۰۰۰ ق. م. و دوره مفرغ جدید ۱۲۰۰ / ۱۳۰۰ - ۱۶۰۰ ق. م. (Haerinck & Overlaet 2006: fig. 34;).

Overlaet 2005, fig. 3; Schmidt et al. 1989, vol.1: tab. 32; در این میان، همان‌گونه که کاوشگران هیئت هلمز نیز موضوع را به خوبی درک نموده‌اند، در تطبیق مراحل داخلی گودین III با زیردوره‌های عصر مفرغ (قدیم، میانی و جدید)، سفال مراحل گودین 4-III متعلق به دوره مفرغ قدیم، سفال گودین III₂ متعلق به دوره مفرغ میانه و سفال مرحله گودین P-III₂ (پس از III₂) متعلق به دوره مفرغ جدید است (Schmidt et al. 1989, vol.1: 131-136 & 486-487).

مهم‌ترین معیار مورد استناد برای انجام گاهنگاری‌های داخلی عصر مفرغ منطقه، شیوه تزئین و شکل سفالینه‌ها است. به طور مثال، در ارتباط با مطالعات هیئت هلمز در لرستان، با وجود این که به رنگ سطح، خمیره و نقوش سفال‌ها نیز توجه شده، با این حال فقط شکل ظروف و الگوهای تزئین ظروف است که به عنوان معیارهای اصلی برای شناسایی سفال‌های مراحل مختلف (قدیم، میانی و جدید) عصر مفرغ منطقه، مورد استناد قرار گرفته است (Ibid, vol.1: 133 & 134). در دشت شوشان نیز مهم‌ترین معیار تشخیص مراحل مختلف شیماشکی، سوکالماخ، عیلام میانه I و عیلام میانه II-III شکل سفالینه‌هاست. در کنار این معیار، به مشخصه‌های دیگری مانند تزئینات برجسته یا کنده روی سفال نیز توجه شده است (Carter 1991: 294-295). در ارتباط با سنت سفال منقوش گودین III نیز، شکل ظروف و نقشمایه‌های روی سفال‌ها به عنوان معیار اصلی تاریخ‌گذاری به کار رفته است (Henrickson 1987b: 40).

کاسه با لبه ضخیم و دارای بدنه پیچیده (شکل ۲: ۱) و کاسه با لبه مستقیم یا تا حدودی مستقیم و دارای بدنه‌ای بیضوی (طرح ۱: ۲ و ۵)، از ظروف شاخص مرحله گودین III₆ است. از این نوع ظروف به فراوانی در میان یافته‌های این مرحله تپه گودین، دیده می‌شود. این یافته‌ها هرچند تعدادشان محدود است، نشان‌دهنده این است که تپه قلعه-زینل دربرگیرنده آثار دوره مفرغ قدیم هم‌زمان با مرحله III₆ است. در جریان بررسی‌های این محل، تاکنون سفال‌های گونه مرحله گودین III₅ یافت نشده است، که به نظر

می‌رسد علت اصلی آن، کیفیت بررسی‌ها و مشکلات به وجود آمده در جریان بررسی‌های این محل است.

کاسه با لبه عمودی و دارای نوار فرو رفته در زیر لبه (شکل ۲: ۳-۴)، سبوی با لبه دارای شیارهای چندتایی (شکل ۲: ۱۲) و سبوی دارای یک باند برجسته مابین گردن و بدنه و نیز تزئینات کنده در زیر گردن (طرح ۱: ۱۳)، از شکل‌های شاخصی است که به فراوانی در میان یافته‌های مکشوفه از لایه‌های ۳-۴ شهر شاهی I، طبقات BVI-BVII کارگاه B شهر شاهی و لایه‌های هم‌زمان با دوره سلسله اور III در آکروپل شوش دیده می‌شود. این سه گونه ظرف از گونه‌های شاخص دوره شیماشکی (گونه ۶، گونه ۱۵ و گونه ۱۸) هستند (Carter 1991:294). مطالعات گونه‌شناسی و مقایسه‌ای حاکی از اینست که سفال‌های این گروه بیشترین شباهت را با سفال‌های مکشوفه از لایه‌های ۳-۶ شهر شاهی I (دوره ۷ شوش)، سفال‌های مکشوفه از لایه‌های BVI-BVII کارگاه B شهر شاهی، سفال‌های مکشوفه از نهشت‌های باستانی دوره اور III در آکروپل شوش، سفال‌های مکشوفه از لایه‌های دوره‌های اور III تا ایسین لارسا در نیپور و سفال‌های دوره‌های اور III تا ایسین لارسا در منطقه دیاله عراق دارد.

تعدادی از نمونه سفال‌ها به دوره مفرغ میانی تعلق داشته و از سفال‌های گونه مرحله گودین III₂ هستند. سبوه‌ای با بدنه کیسه‌ای شکل و دارای باند یا نوار برجسته روی شانه (شکل ۲: ۸ و ۱۶)، هم‌زمان با مرحله III₂ پدیدار می‌شود. از دیگر سفال‌های شاخص این دوره، ظروف دارای پوشش گلی قرمز و منقوش با رنگ سیاه را می‌توان نام برد (شکل ۲: ۱۶)؛ این گونه سفال‌ها در میان یافته‌های مکشوفه از قبور چغاسبز و کمترلان II در دره رومشگان و یافته‌های به‌دست آمده از باباجان و تپه گیان به فراوانی دیده می‌شود، ولی در گودین نادر است و در ماهیدشت دیده نشده است (Henrickson 1986:25 & 1987a:211-212). مرحله گودین III₂ هم‌زمان با دوره سوکالماخ در شوش است (Ibid 1987a:211). در میان یافته‌های حاصل از بررسی قلعه‌زینل، هم نمونه سفال‌های

مرتبط با مرحله گودین III₆ در زاگرس مرکزی و هم نمونه سفال‌های متعلق به دوره شیماشکی (۱۹۰۰-۲۱۰۰ ق. م.) دردشت شوشان وجود دارد. بررسی‌های دره سیمره گویای اینست که با ظهور دوره اور III، این دره تحت نفوذ فرهنگ سرزمین‌های پست درمی‌آید؛ لذا مواد فرهنگی مرتبط با مرحله III₄ در این دره دیده نمی‌شود، و به جای آن مواد فرهنگی دوره شیماشکی رواج می‌یابد. به تدریج، با پایان هزاره سوم و آغاز هزاره دوم ق. م. سنت سفالگری دره‌های زاگرس مرکزی دوباره به دره سیمره نفوذ نموده و جایگزین سفال‌های دوره شیماشکی می‌گردد، لذا بعد از دوره شیماشکی، دیگر سفال‌های دوره سوکالماخ را در دره سیمره نمی‌بینیم و مجدداً دره سیمره به سنت سفال منقوش گودین III که در ارتفاعات زاگرس مرکزی حاکمیت داشته، می‌پیوندد و بدین شکل در تپه قلعه‌زینل بعد از سفال‌های دوره شیماشکی، سفال‌های گونه گودین III₂ را داریم.

تعدادی از سفال‌های تپه قلعه‌زینل، به دوره مفرغ جدید تعلق داشته و از گونه سفال‌های گودین P-III₂ هستند. لیوان، با بدنه منحنی شکل و دارای تزئین نواری منقوش (شکل ۲: ۶)، یکی از فرم‌های شاخص این دوره است. به نظر می‌رسد که سفال‌های دارای کف دیسکی شکل (شکل ۲: ۹ و ۱۰) نیز به این مرحله تعلق دارند. تزئینات منقوش شکل ۲: ۲۰، مشابه نقشمایه «چشم‌ها»، روی گردن پارچه‌های مکشوفه از دوره مفرغ جدید چغاسبز در رومشگان است (Schmidt et al. 1989, vol. 1: 132). در نتیجه، می‌توان گفت که قلعه‌زینل دربرگیرنده مواد فرهنگی دوران مفرغ شامل: مرحله گودین III₆، مرحله شیماشکی، و مراحل گودین III₂ و P-III₂ است.

بحث و نتیجه‌گیری

در بررسی‌های دره سیمره، برخلاف سایر مراحل گودین III، سفال مرحله گودین III₄ یافته نشده و در این زمان شاهد رواج سفال دشت‌های شوشان و میانرودان در دره سیمره هستیم، این در حالی است که در دره رومشگان سفال مرحله گودین III₄ در

چغاسبز به دست آمده است (Henrickson 1986: 14-15). این دوره در دشت شوشان به نام مرحله شیماشکی خوانده می‌شود که سفال‌های مربوطه در شوشان، دهلران و میانرودان رواج داشته است. در این زمان ارتباطات دره سیمره با سنت سفال منقوش یکرنگ گودین III که در نواحی مرتفع شمالی رواج داشته از هم گسیخته می‌شود و دره سیمره به حوزه توزیع سفال‌های دوره شیماشکی دشت شوشان پیوسته و به حوزه فرهنگی تحت نفوذ سرزمین‌های پست، الحاق شده است. این دوره هم‌زمان با دوره‌های اور III و اوایل ایسین-لارسا در میانرودان است. از زمان فرمانروایی شولگی تا زمان حکومت ایبی‌سین، شوش استانی از حکومت اور III بود. تماس با نهادهای حکومتی سرزمین‌های مرتفع، چه به شکل مسالمت‌آمیز و چه به صورت نظامی، در متون معروف به متون نامه‌رسان و سالنامه‌های سلسله اور III گزارش شده است (Ibid 1987a:211). به احتمال فراوان درگیری‌های پادشاهان سلسله اور III با نهادهای سیاسی واقع در قسمت‌های بیرونی سرزمین‌های مرتفع مانند زاب‌شالی، موجب شده تا شاهد اندک بودن مواد فرهنگی گونه گودین III⁴ در دره‌های جنوبی زاگرس مرکزی و یافت نشدن این مواد فرهنگی در مناطقی مانند دره سیمره باشیم (Ibid 1986:24).

به دنبال دوره اکدی، پس از یک دوره هرج و مرج نسبی، لشکرکشی نیروهای نظامی بین‌النهرین به جنوب غرب ایران به سرکردگی گودآ اهل لاگاش، بار دیگر آغاز شد. آنها با الحاق شوش و پیرامون آن، از جمله محوطه ناشناخته «ادامدون»، با سلسله نو سومری (یا همان اور III) به قدرت رسیدند. این الحاق در زمان شولگی به وقوع پیوست که حدود ۲۰۴۸-۲۰۹۵ ق.م. حکومت می‌کرد. نشانه‌های تاریخی از شیماشکی از حدود اواخر شوش IV آغاز می‌شود. در زاگرس مرکزی قدمت مجموعه آثار فرهنگی گودین III:4 به این دوره بر می‌گردد، ولی این آثار در زمین‌های پست پیدا نشده است (شاخت، ۱۳۸۱: ۳۵۶-۳۵۷ و ۳۵۸). به تدریج با آشکار شدن ضعف پادشاهان سلسله سوم اور، در هشتمین سال حکومت ایبی-سین (۲۰۲۰ ق.م.) است که پادشاه شیماش از

قدرت خویش برای حمله به سرزمین‌های پست جنوب بین‌النهرین اطمینان می‌یابد. این پادشاه شهرهای شوش، ادامدون و اوان در شمال شرق را متصرف گردید ولی در نهایت شکست خورد (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۱۰-۱۱؛ هیتس، ۱۳۷۱: ۹۷-۹۸). طبق یکی از متون اوایل هزارهٔ دوم ق. م. «سرزمین‌های شیماشکی» از شش بخش به نام‌های: زبشلی، شو/سیگریش، نی بولمات/یابولمات، آلودمیدتوم، گرت/کرد و شتیلو تشکیل شده بود (پاتس، ۱۳۸۵: ۲۲۲). دربارهٔ مکان‌یابی جای نام شیماشکی نظریات مختلفی وجود دارد که نیکنامی و رفیعی آنها را به دو گروه تقسیم نموده‌اند (نیکنامی و رفیعی علوی، ۱۳۸۸: ۲۰۲). هرچند که بازهٔ زمانی که نام شیماشکی در متون تاریخی به کار رفته است، حدود پانصد سال (۱۴۵۰-۲۰۴۰ ق. م.) است، تقریباً سه چهارم موارد مورد استفاده آن مربوط به دورهٔ حدوداً ۱۰۰ سالهٔ امپراتوری اور III (۱۹۱۱-۲۰۱۸ ق. م.) است (همان: ۲۰۵). حکومت اور III علاوه بر سلطه بر شوش، با مناطق ایرانی مانند انشان و همسایگانش در فلات ایران از طریق الگوی ازدواج افراد سلسله با مقامات برجستهٔ بومی، ارتباط برقرار نمود (پاتس، ۱۳۸۵: ۲۰۵). در این شرایط که پادشاهان حکومت اور III می‌کوشیدند تا از طریق ازدواج بین سلسله‌های حکومتی به همبستگی با بزرگان مرهشی، انشان، باشیم و زبشلی استحکام بخشند، شیماشکی رهبر ائتلاف ستیزه‌جو و بسیار قدرتمندتر ضد اور می‌شد (همان: ۲۲۵) و در نهایت حکومت اور III را منقرض نمود (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۱۱). پس از مرحلهٔ شیماشکی، درهٔ سیمره دوباره به سنت سفالگری رایج در نواحی مرتفع زاگرس مرکزی پیوسته و سفال گونهٔ مرحلهٔ گودین III₂، در قلعه زینل و ۱۲ محل دیگر یافته شده است (مظاهری، ۱۳۸۸: ۲۸۴).

در بررسی‌های دره سیمره سفال مراحل III₂، III₅، P- III₅ و III₆ شناسایی شده است، لیکن به جای سفال مرحلهٔ III₄، شاهد حضور سفال دورهٔ شیماشکی دشت شوشان در درهٔ سیمره هستیم که در بررسی‌های تپهٔ قلعه‌زینل نمونه‌های شاخص این نوع سفال معرفی گردید. از آن‌جا که سفال مرحلهٔ گودین III₄ در درهٔ رومشگان شناسایی گردیده

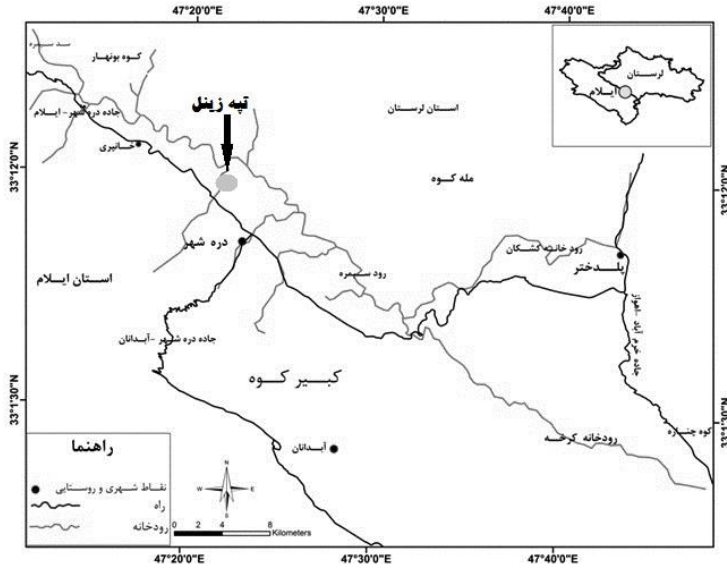
است، به نظر می‌رسد که حدّ نهایی توسعهٔ سفال دورهٔ شیماشکی به رودخانهٔ سیمره در محدودهٔ درهٔ سیمره منتهی می‌گردد. سفال دورهٔ شیماشکی سفال رایج در نواحی شوشان، دهلران و میان رودان در این زمان است و به نظر می‌رسد که توسعهٔ آن تا درهٔ سیمره تحت تأثیر درگیری‌های پادشاهان سلسلهٔ اور III با نهادهای سیاسی واقع در نواحی مرتفع شمال دشت شوشان رخ داده است و گسترش سفال دورهٔ شیماشکی تا درهٔ سیمره، به احتمال قوی حاکی از نفوذ و گسترش حوزهٔ فرهنگی و شاید سیاسی سلسلهٔ اور III به درهٔ سیمره است. به هر حال، در این زمان شاهد پدیدار شدن سنت سفال سرزمین‌های پست، در درهٔ سیمره هستیم. بعد از این دوره، دوباره سنت سفال منقوش گودین III در درهٔ سیمره رواج می‌یابد. روند توسعهٔ سنت سفال منقوش گودین III در درهٔ سیمره تا حدودی موجب تقویت نظر دانشمندانی می‌شود که معتقدند سرزمین شیماشکی در محدودهٔ زاگرس مرکزی قرار دارد (هینتس، ۱۳۷۱: ۸۱؛ نیکنامی و رفیعی علوی، ۱۳۸۸: ۲۱۲؛ 212؛ Henrickson 1987a)، هرچند که در نبود مدارک مکتوب، نمی‌توان این موضوع را اثبات نمود. در اینجا هم‌زمان با اوج قدرت سلسلهٔ اور III شاهد حضور سفال‌های مربوطه در درهٔ سیمره هستیم و به تدریج با تضعیف اقتدار سلسلهٔ اور III و انقراض این سلسله به دست پادشاهان شیماشکی، مواد فرهنگی نوع گودین III₂ در درهٔ سیمره جایگزین سفال‌های دورهٔ شیماشکی می‌گردد. از سوی دیگر با توجه به مساحت ۶ هکتاری تپهٔ قلعه‌زینل و نیز موقعیت مکان‌گزینی آن که در موقعیتی بسیار مناسب در مجاور محل تلاقی دو رودخانه سیکان و سیمره واقع شده، به نظر می‌رسد که می‌توان این محوطه را به عنوان مرکز یکی از قلمروهای کوهستانی اتحادیه شیماشکی مطرح نمود. احتمالاً این محل یکی از شهرهای مهم اواخر هزاره سوم ق. م. بوده که در نتیجه لشکرکشی نیروهای نظامی بین‌النهرین هم‌زمان با تشکیل سلسله سوم اور، برای مدت زمانی تحت نفوذ فرهنگی و به احتمال زیاد اجتماعی- سیاسی سرزمین‌های پست درآمده که در خوزستان با سفال مرحله

شیماشکی شناخته می‌شود؛ به تدریج با شکل‌گیری و افزایش قدرت حکومت شیماشکی، مجدداً هم تپه قلعه زینل و هم کل دره سیمره به فرهنگ فاز III:2 گودین تپه که در ارتفاعات زاگرس مرکزی حاکمیت داشته است، می‌پیوندند. احتمال می‌رود که که تپه قلعه زینل همان شهر «ادامدون» باشد، که یک بار به تصرف پادشاهان سومری سلسله سوم اور درآمد و مجدداً به وسیله پادشاهان شیماشکی باز پس گرفته شد. به هر حال به احتمال زیاد کاوش‌های باستان شناسی در آینده بتواند این موضوع را تقویت نماید.

جدول ۱: لایه‌نگاری گودین III و مراحل که در دره سیمره شناسایی شده است

(منبع: 35: b, 1987, 205 & 214, Henrickson1987a)

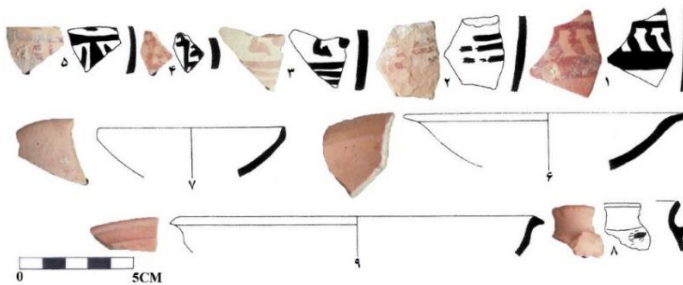
تاریخ تقریبی قبل از میلاد	مراحل شناسایی شده در دره سیمره	تعداد لایه‌های معماری هر طبقه	مراحل	طبقات
۱۵۰۰	//////////	۱	۱	III ₁
۱۶۰۰ - ۱۴۰۰	Post III ₂		Post III ₂	
۱۹۰۰ - ۱۶۰۰	III ₂	۲	۲	III ₂
	//////////	۱	۳	III ₃
۲۱۰۰ - ۱۹۰۰	مرحله شیماشکی	۲	۴	III ₄
۲۴۰۰ - ۲۲۰۰	III ₅	۱	۵	III ₅
۲۶۰۰ - ۲۴۰۰	III ₆	۵	۶	III ₆



تصویر ۱: نقشه موقعیت تپه قلعه زینل



تصویر ۲: عکس هوایی از موقعیت تپه قلعه زینل



شکل ۱: نمونه سفال‌های دوره‌های پس از هخامنشی (۶-۱) و اشکانی (۷-۹) تپه قلعه زینل



شکل ۲: نمونه سفال‌های عصر مفرغ تپه قلعه زینل

جدول ۲: مشخصات فنی سفال‌های عصر مفرغ تپه قلعه زینل

شماره	توصیف	نمونه قابل مقایسه
طرح	(رنگ خمیره، رنگ درونی، رنگ بیرونی، شاموت، ساخت، کیفیت ساخت، پخت، تزیین)	
۱	نخودی، پوشش نخودی، پوشش نخودی، مواد معدنی، چرخ‌ساز، معمولی، مناسب.	Henrickson1987 ^b , fig. 10: 3.
۲	قهوه‌ای روشن، پوشش نخودی صورتی، پوشش نخودی صورتی، مواد معدنی و گیاهی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب، صیقل شده و نوار کننده.	Henrickson1987 ^b , fig. 11: 7.
۳	نخودی سیاه، پوشش نخودی نارنجی، نخودی صورتی، مواد معدنی و گیاهی، دست‌ساز، ظریف، ناقص.	Carter 1980, fig. 41: 2-4 & 49: 12.
۴	نخودی، پوشش نخودی سرخ، پوشش نخودی سرخ، مواد معدنی، دست‌ساز، ظریف، مناسب.	Gasche1973, pl.7: 8 & 24.
۵	خاکستری، پوشش خاکستری روشن، خاکستری روشن، مواد معدنی، دست‌ساز، ظریف، مناسب.	Henrickson1987 ^b , fig. 11: 2-3 & 19.
۶	نخودی، پوشش نخودی، پوشش نخودی، مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب، نقش قهوه‌ای تیره.	Henrickson1987 ^b , fig. 30:1 & 5, Schmidt et al. 1989, vol. 2, pl.111:k.
۷	نخودی، پوشش نخودی، پوشش نخودی، مواد معدنی، نامشخص، ظریف، مناسب، نقش سیاه.	Henrickson1987 ^b , fig. 30: 1.
۸	نخودی، پوشش نخودی، پوشش نخودی، مواد معدنی و گیاهی، دست‌ساز، معمولی، مناسب، نوار برجسته.	Henrickson1987 ^b , fig. 24:12 & 15, Schmidt et al.1987, vol. 2, pl. 95: C.
۹	نخودی، پوشش نخودی، پوشش نخودی، مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب.	Henrickson1987 ^b , fig. 29: 5 & 7-8, Schmidt et al. 1989, vol. 2, pl.109: e.
۱۰	نخودی صورتی، نخودی صورتی، پوشش نخودی، مواد معدنی، دست‌ساز، ظریف، مناسب.	Henrickson1987 ^b , fig. 29: 7.

Goff 1976, fig. 10: 5.	نخودی سیاه، نخودی تیره، نخودی صورتی، مواد معدنی و گیاهی، چرخ‌ساز، ظریف، ناقص.	۱۱
Carter 1980, fig. 50: 9, Gasche 1973, pl. 16: 9-12.	نخودی تیره، پوشش کرم روشن، پوشش کرم زرد، مواد معدنی و گیاهی، دست‌ساز، معمولی، مناسب، نوارهای برجسته.	۱۲
Steve & Gasche 1971, pl. 3: 13.	نخودی، پوشش نخودی، پوشش نخودی، مواد معدنی و گیاهی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب، نوار کننده و نوار برجسته.	۱۳
Carter 1980, fig. 50: 16.	قهوه‌ای روشن، پوشش نخودی، پوشش نخودی، مواد معدنی، نامشخص، ظریف، مناسب.	۱۴
_____	نخودی، پوشش نخودی، پوشش نخودی، مواد معدنی و گیاهی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب.	۱۵
Henrickson 1987 _b , fig. 23: 2.	نخودی سیاه، پوشش قرمز، پوشش قرمز، مواد معدنی و گیاهی، چرخ‌ساز، ظریف، ناقص، نوار برجسته و نقش سیاه.	۱۶
Henrickson 1987 _b , fig. 31: 1. Schmidt et al. 1989, vol. 2, pl. 109: 1.	قهوه‌ای روشن، پوشش نخودی صورتی، پوشش نخودی صورتی، مواد معدنی، دست‌ساز، ظریف، مناسب، نقش قرمز قهوه‌ای.	۱۷
_____	قهوه‌ای روشن، پوشش قرمز، پوشش قرمز، مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب.	۱۸
Schmidt et al. 1989, vol. 2, pl. 92: s.	نخودی، پوشش نخودی، پوشش نخودی، مواد معدنی و گیاهی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب، نقش قهوه‌ای.	۱۹
Schmidt et al. 1989, vol. 2, pl. 115: a.	نخودی سبز، پوشش نخودی سبز، پوشش نخودی سبز، مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب، نقش سبز زیتونی.	۲۰

۲۱	نخودی صورتی، پوشش نخودی، پوشش نخودی، مواد معدنی، دست‌ساز، معمولی، باند برجسته و نقش قرمز قهوه‌ای.	Schmidt et al. 1989, vol. 2, pl.109: r.
۲۲	نخودی، نخودی، پوشش نخودی روشن، مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب، نقش کنده و نقش قهوه‌ای زیتونی.	Henrickson 1987b, fig. 25:7. Schmidt et al. 1989, vol. 2, pl. 97: b.

منابع

- اشمیت، اریک (۱۳۷۶)، پرواز بر فراز شهرهای باستانی ایران، ترجمه آرومان شیشه‌گر، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، تهران.
- پاتس، دنیل تی (۱۳۸۵)، باستان‌شناسی ایلام، ترجمه زهرا باستی، انتشارات سمت، تهران.
- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۵)، سمینار بررسی مسائل جامعه‌شناسی ایران، جلد ۳، ۲-۵ تیر ۱۳۵۵، کرمانشاهان.
- شاخت، رابرت (۱۳۸۱)، «فرهنگ‌های تاریخی اولیه»، در باستان‌شناسی غرب ایران، گردآورنده فرانک هول، ترجمه زهرا باستی، انتشارات سمت، صص ۳۴۰-۴۰۴.
- شهبازی، سیاوش (۱۳۸۵)، گزارش فصل اول بررسی و شناسایی شهرستان دره‌شهر، آرشیو اداره کل سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان ایلام (منتشر نشده).
- علیزاده، عباس (۱۳۷۱)، «نقد و معرفی کتاب حفريات هفت‌تپه»، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال ششم، شماره پیاپی ۱۱ و ۱۲، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، صص ۷۸-۸۲.
- کارتر، الیزابت (۱۳۷۶)، «شوش شهر شاهی»، در شوش و جنوب غربی ایران، تاریخ و باستان‌شناسی، مجموعه مقالات گردهمایی بین‌المللی شوش و سمینار باستان‌شناسی بلو، ترجمه هایده اقبال، مرکز نشر دانشگاهی و انجمن ایران‌شناسی فرانسه، تهران، صص: ۷۱-۸۷.
- مجید زاده، یوسف (۱۳۷۰)، تاریخ و تمدن ایلام، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- مظاهری، خداکرم (۱۳۸۵)، گزارش فصل دوم بررسی و شناسایی باستان‌شناسی دره سیمره، آرشیو جهاد دانشگاهی واحد استان ایلام (منتشر نشده).
- مظاهری، خداکرم (۱۳۸۸)، تبیین گستره جغرافیایی فرهنگ عصر مفرغ (گودین III) در زاگرس مرکزی و سنجش عوامل مؤثر در نفوذ آن به دره سیمره در استان ایلام، رساله دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، به راهنمایی دکتر حسن طلائی (منتشر نشده).

نیکنامی، کمال‌الدین و بابک رفیعی علوی (۱۳۸۸)، «چرا جای نام شیماشکی احتمالاً نمی‌تواند در منطقه کرمان قرار داشته باشد»، مجله مطالعات باستان‌شناسی، سال اول، شماره نخست، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، صص: ۱۹۹-۲۱۵.

هینتس، والتر (۱۳۷۱)، دنیای گم شده عیلام، ترجمه فیروز فیروزنیا، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.

Carter, E., 1979, "The Susa sequence 3000-2000 B.C. Susa, Ville Royale I", *American Journal of Archaeology*, 83: 451-454.

Carter, E., 1980, "Excavation in Ville Royale at Susa: The third millennium B.C.", *Occupation, DAFI*, 11:1-134.

Carter, E., 1991, "Ceramics VII- VIII, The early Bronze Age in south western and southern Persia", *Encyclopaedia Iranica*, 5, Fase. 3: 294-297.

Gasche, H., 1973, *La poterie Elamite du deuxieme millenaire a.c.* MDAI. 47, Leiden and Paris, E.J. Brill and P. Geuthner.

Goff, C. L. 1976, "Excavation at Babajan: The Bronze Age occupation", *Iran*. XIV: 19-40.

Haerinck, E. and Overlaet, B. 2006, *Luristan excavation documents, vol. 6: Bani Surmah*, BAMi, The Ghent University and the Royal Museums of Art and History, Brussels.

Henrickson, R., 1986, "A regional chronology on Godin III cultural development in central western Iran", *Iran*, XXIV: 1-57.

Henrickson, R., 1987_a, "Godin III and the chronology of central western Iran circa 2600-1400 B.C.", In the *Archaeology of western Iran*, Edited by F. Hole, Washington DC: Smith Sonian institution Press, 205-227.

Henrickson, R., 1987_b, "The Godin III chronology for central western Iran 2600-1400 B.C.", *Iranica Antiqua*, XXII: 33-117.

Henrickson, R., 1991, "Ceramics VI-VII, The Broze Age in North Western, western and south western Persia", *Encyclopaedia Iranica*, 5, Fase. 3: 288-294.

Overlaet, B. 2005, "The chronology of the Iron Age in the Pusht-I Kuh, Luristan", *Iranica Antiqua*, Vol. 40: 1-33.

Schmidt, E. m. M. Van Loon, and H. Curvers, 1989. *The Holmes expedition to Lourestan*, 2 Volumes, the University of Chicago Press.

Steve, M. J., and H. Gasche, 1971, *L Acropole de Suse*, ADAI: 46, Leiden: E. J. Brill and Paris: P. Geuthner.

Stine, S.O. 1940, *Old routs in western Iran*, New York, Green Wood Press.

Wright, H. 1981, *An early town on the Dehluran plain*, excavations at Tepe Farukhabad, Memoirs of the Museum of anthropology, university of Michigan, n. 13.

درختان سرو کهنسال ۳۳۰۰ ساله ایلام (رویشگاه بان سرو چوار

دکتر حبیب اله محمودیان^۴

چکیده

روستای بان سرو در منطقه ی چوار ایلام واقع شده است. از شمال به ارتفاعات شره زول، از سمت غرب به روستای بان بلوط (پارده) محدود می شود. رودخانه ی "گلال کاو" دربخش غربی این محوطه جریان دارد. رویشگاه، در دامنه ی جنوبی ۵۰ متر و دامنه ی غربی ۸۰ متر از سطح زمین های پیرامونی ارتفاع دارد. در این محوطه ی زیبا تعداد ۱۸ درخت کهنسال سرواز دوران باستان بر جای مانده است. البته، تک درخت کهنسال دیگری با فاصله ی حدود ۳۰۰ متر در محدوده ی بافت روستای بان سول ملاحظه می شود. عمر این درختان بیش از ۳۳۰۰ سال گاهنگاری شده است. این گونه ی جنگلی بر فراز بلندی های مشرف بر روستا که از لایه های سنگ های رسوبی تشکیل شده همچنان در برابر عوامل فرسایش مقاوم و پایدار مانده است. بر روی بعضی از درختان آثار آتش سوزی، تخریب و برش مشاهده می گردد. به دلیل فرسایش خاک قسمت عمده ی ریشه ی اصلی درختان نمایان شده است. عامل ماندگاری این گونه جنگلی طول ریشه ها در لایه های سنگ های رسوبی و چشمه ی آب دائمی است. طول ریشه ی سطحی خاک قابل مشاهده حدود ۲۵ متر اندازه گیری شده است. ارتفاع درختان با قطر حدود ۷/۵ متر آن ها هم خوانی ندارد. احتمالاً شاخه های درختان در طول دوران طولانی حیات این گونه ی جنگلی آسیب دیده باشند. بر روی سطح محوطه هیچ یافته سفالی و غیر سفالی بدست نیامد. این محدوده در مسیر یکی از راه های کوچ رو تاریخی به نام خیل راه واقع شده که ارتباط دهنده ی مسیری از مناطق کوهستانی منطقه به سمت نواحی غربی زاگرس و سرزمین میان رودان است. بنابراین، وجود درختان تنومند و تاریخی سرو در این محدوده ی جغرافیایی

^۴ - عضو هیئت علمی دانشگاه

با قدمت چند هزار ساله، از کهنسال ترین درختان سرو ایران و منطقه ی هلال حاصلخیز به شمار می رود. نماد سرو به عنوان یکی از نمادهای مهم در ایران باستان شناخته می شود که در نگاره ها و آثار باستانی، مانند حجاری های دوره ی هخامنشی در تخت جمشید، نماد درخت و به طور خاص، سرو آورده شده است. این اثر تاریخی طبیعی در سال ۱۳۹۰ شناسایی، مستند سازی و در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. مقاله حاضر بخشی از یافته های این طرح پژوهشی است که توسط نگارنده اجرا شده است.

واژگان کلیدی: سرو زرین، بان سرو، خيله راه، هلال سبز، سنگ نگاره ها

بوم‌شناسی

رشته کوه زاگرس، شامل کوه‌های متعدد و مرتفعی است که به موازات یکدیگر در جهت شمال غربی - جنوب شرقی امتداد یافته و بخش عمده‌ای از غرب و جنوب کشور را از کردستان تا منطقه‌ی فارس در بر گرفته‌است. نا همواری‌های استان ایلام از جمله نا همواری‌های سلسله جبال زاگرس می‌باشد که در حاشیه‌ی غربی این رشته کوه واقع شده و از جمله رسوبات دوران اول تا چهارم زمین‌شناسی است و بیش‌تر ارتفاعات بلند استان از جمله کبیرکوه مربوط به دوران سوم زمین‌شناسی است. نواحی شمال و شمال شرقی استان کوهستانی است و دارای ارتفاعات مهمی است اما مناطق غرب و جنوب غربی از زمین‌های پست و کم ارتفاع و تپه ماهور تشکیل یافته‌است. شعبات مختلف رود دجله^۵ در غرب هلال سبز و رودخانه‌ی سیمره (کرخه) و... از دامنه‌های زاگرس غربی و رشته کوه عظیم کبیرکوه به سمت دشت‌ها و جلگه‌های حاصل‌خیز جنوب غربی ایران امتداد یافته، و در نهایت به خلیج فارس می‌ریزند. این موقعیت، موجب شده تا بیش‌ترین استقرارها و سکونتگاه‌های اولیه‌ی بشری در کنار این رودها ایجاد شوند. بنابراین، سراسر ناحیه‌ی غرب و جنوب غرب ایران در حد فاصل دو پدیده‌ی جغرافیایی، زاگرس و خلیج فارس، از غرب تا شرق، جایگاه و بستر تمدن و فرهنگ ساکنان بومی و مهاجران بوده‌است (محمودیان ، ۱۳۹۰: ۳۴) . فرانک هول موقعیت مکان‌های استقراری غرب ایران را در دوره‌ی روستانشینی گاه‌نگاری کرده‌است (هول، ۱۳۸۱: ۱۳۴).



فلات ایران و هلال سبز

موقعیت طبیعی منطقه

ناهمواری های این منطقه به دلیل داشتن موقعیت جغرافیایی، اقلیم مطلوب، شکل و جهت ناهمواری ها و بارش کافی از تنوع بالای پوشش گیاهی و جانوری بهره مند است. این استان با داشتن ۶۴۲ هزار هکتار اراضی جنگلی، معادل یک سوم جنگل های غرب کشور، هزار و ۲۰۰ هکتار مرتع، ۱۵ رودخانه ی دائمی، ۲۰ سراب، پدیده ها و چشمه های آب گرم متعدد، هزار گونه ی گیاهی سه منطقه ی حفاظت شده و پنج ذخیره گاه جنگلی از نظر تنوع محیط زیست طبیعی از جایگاه ممتازی در کشور برخوردار است. با وجود هزار گونه ی گیاهی (که نزدیک به ۳۰ درصد آن ها ارزش دارویی و خوراکی دارند)، حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار هکتار از مساحت استان را بکرترین مراتع و جنگل های کشور در بر گرفته است.



طبیعت ایلام

ناحیه‌ی شمال و شرق استان دارای پوشش گیاهی مشجر و ناحیه‌ی جنوب و جنوب غربی دارای پوشش گیاهی مرتعی و گیاهان یک ساله می‌باشد. مهم‌ترین و وسیع‌ترین پوشش جنگلی استان را گونه‌ی بلوط ایرانی^۱ تشکیل می‌دهد، بنه یا پسته وحشی، زالزالک، بادام کوهی، کهورک، کنار، ارژن (ارجن)، کیکم و ارغوان از دیگر گونه‌های جنگلی استان محسوب می‌شوند (پیری، ۱۳۹۰: ۱۸). از جمله گونه‌های نادر گیاهی استان ایلام می‌توان به گلابی وحشی، سماق، ارغوان، بوته‌های گل‌مینا و لاله واژگون اشاره کرد. گونه‌ی بنه از گونه‌های اقتصادی جنگل‌های استان است. سروزرین با قدمت بیش از ۳ هزار و ۳۰۰ سال از جمله گونه‌های جنگلی غیر بومی کوهستان زاگرس در محدوده‌ی استان ایلام است. در این نوشتار موقعیت و مشخصات این گونه‌ی جنگلی مورد بررسی قرار گرفته است.

تنوع اقلیمی استان

موقعیت استان در محدوده‌ی جغرافیایی غرب زاگرس، موجب شده تا از آب و هوا و اقلیم مطلوبی برخوردار باشد. برخی از این موقعیت‌ها عبارتند از: مختصات جغرافیایی

^۱ -Qurcus persica

ایلام، کوهستانی بودن و جهت امتداد رشته کوه‌ها، دشت‌های میان کوهی، میزان نزولات جوی، منابع آب و رودخانه‌ها، پوشش جنگلی و مرتعی و دشت‌های حاصل‌خیز حاشیه‌ای (محمودیان، ۱۳۹۵: ۱۲).

زمین‌شناسی: این منطقه به تبعیت از روند عمومی ساختار زمین‌شناسی زاگرس، دارای امتداد کلی شمال غربی - جنوب شرقی است. این رسوبات به علت فشارهای جانبی از دو سوی شمال شرقی و جنوب غربی قاره‌های آفریقا و آسیا، موجب پدیدار شدن چین خوردگی‌ها گردیده و در نتیجه، تاقدیس‌ها و ناودیس‌های متعددی به وجود آمده که تشکیل دهنده‌ی کوه‌ها و دره‌های منطقه هستند. رسوبات اواخر دوران دوم زمین‌شناسی که سازنده‌های این دوران (بالیتولژی آهک، مارن، آهک مارنی، ماسه سنگ و گچ و شیل) می‌باشند گسترش وسیعی در منطقه دارند. مناطق وسیعی از استان چون: کبیرکوه، انجیر، نخجیر، سیاه کوه، دهلران، ملکشاهی و کوه اناران، حوالی شهر ایلام، کوه‌های بانکول، مانشت، شره زول، ایوان و چوارد در سازنده‌های مختلف این دوران قرار گرفته‌اند (محمودیان).

تاریخ و تمدن منطقه مورد مطالعه

تمدن پیش از تاریخ ایران و استقرارهای اولیه‌ی بشری را می‌توان در دشت موسیان و حاشیه‌ی رودخانه‌های میمه و دویرج (که میان‌رودان کوچک را پدید آورده‌اند) جست‌وجو کرد. تحقیقات باستان‌شناسی بخشی از تاریخ و تمدن ایران و نیز مکان‌های باستانی متعلق به ایلام باستان را در این منطقه روشن نموده است. ده‌ها تپه و اثر باستانی در مناطق مختلف استان به ویژه در حاشیه‌ی رودهای کنجان‌چم، چنگوله، سیمره و گاوی، مهم‌ترین میراث‌های ارزشمند گذشته‌ی ایران محسوب می‌شوند (محمودیان، ۱۳۸۵: ۱۰۰). پدر مورتسن طی سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴م. منطقه‌ی هلیلان را مورد بررسی قرار داده‌اند. وی آثار دوره‌ی کلکولیتیک پایانی را، که قابل مقایسه با دوره‌ی اوروک و گودین V و VI است، در تپه کلاته و غار دَرمر هلیلان شناسایی کرده است

(محمودیان، ۱۳۹۲: ۷۶). البته، در سایر دشت‌های حاشیه‌ای چون محوطه‌های پیش از تاریخ دهلران، گیلان و امیرآباد در حاشیه‌ی رودخانه‌ی کنجان‌چم و بسیاری دیگر از آثار باستانی در محدوده‌ی دشت‌های هیژدانه، ... کلک، سرنی، شینو، گنجوان هر کدام موقعیت و جایگاه ارزشمند تاریخی و تمدنی خاص خود را دارند.

تاریخچه‌ی درخت سرو

درخت سرو را زیباترین و خوش قامت‌ترین درخت می‌شناسند. سرو در اسطوره‌های ایرانی نماد آزادگی است. این درخت همیشه سبز است و در برابر خشکسالی و توفان ها مقاومت می‌کند. این گونه جنگلی زینت بخش جنگل‌های کوهستانی البرزاست، هرچند به صورت پراکنده در نواحی مختلف کشور رویش دارد. سرو کهنسال ابرکوه (ابرقو) یزد یکی از درختان تاریخ طبیعی جهان محسوب می‌گردد. نقش سرو بر سنگ نگاره‌های تخت جمشید نشانگر نقش و اهمیت درخت سرو در فرهنگ باستانی ایرانیان است.



سنگ نگاره‌ای از تخت جمشید

وجه تسمیه اثر: نام روستا برگرفته از نام درختان سرو می‌باشد که در اصطلاح محلی (سول) گفته می‌شود. درختان سرو این منطقه درختان بومی کوهستان زاگرس نیست بلکه در دوران باستان توسط کاروانیان در این منطقه که در مسیر جاده‌ی باستانی نواحی غربی زاگرس با میان رودان واقع شده کاشته شده‌اند. راه باستانی

«هوله ره» در دشت ایوان از طریق ارتفاعات شره زول به (خیله ره) در روستای بان سرواست که پس از عبور از (شرفه ره) در بخش روستای حاج بختیار، در نهایت به سمت نواحی گرمسیری و غرب زاگرس به سمت بین النهرین امتداد می‌یابد. این نکته قابل ذکر است که واژه‌های: «هوله ره» و «خیله ره» به معنی راه‌های کوچ رو می‌باشند.

در ختان سرو کهن سال

موقعیت مکانی: محوطه‌ی تاریخی_طبیعی بان سول، در مسیر جاده‌ی آسفالته چوار به بان حاجی و برفراز بلندی‌های روستای بان سرو چوار قرار گرفته است. فاصله‌ی روستا تا این محوطه ۶۰ متر است. نام روستا برگرفته از نام درختان سرو می‌باشد که در اصطلاح محلی (سول) گفته می‌شود. روستای بان بلوط به فاصله‌ی ۱/۵ کیلومتر در بخش غربی و بقعه‌ی سیدعسی به فاصله‌ی سه کیلومتر در بخش شرقی اثر قرار گرفته است. غرب این محوطه مسیل فصلی قرار دارد. ارتفاع تپه تا دامنه‌ی جنوبی ۵۰ متر و دامنه غربی ۸۰ متر است. رودخانه‌ی دائمی حاجی بختیار در فاصله‌ی سه کیلومتری بخش غربی و جنوب غربی منطقه جریان دارد. مسیل و چشمه‌ی دائمی در حاشیه‌ی غربی و شمال غربی محدوده‌ی درختان کهن سال واقع شده است. درختان بلوط پوشش جنگلی منطقه را تشکیل می‌دهد. درختان کهن سال سرو در روستای بان سرو چوار ایلام از جمله آثار با ارزش تاریخ طبیعی ایران در این منطقه به حساب می‌آید. این گونه‌ی جنگلی از درختان غیر بومی این بخش از ناهمواری‌های زاگرس می‌باشد که در جریان بررسی و شناسایی آثار تاریخی فرهنگی حوزه‌ی چوار شهرستان ایلام شناسایی شده است (محمودیان، ۱۳۹۰: ۲۵).



گونه های سرو کهن سال بان سرو چوار





گونه های سرو کهن سال بان سرو چوار

توپوگرافی این منطقه از نظر توپوگرافی تپه ماهوری و کوهستانی است. زیر ساخت طبیعی آن سنگ های رسوبی و در دامنه ی کوهستانی سنگلاخی می باشد. ارتفاع زمین از شمال به سمت جنوب کاسته می شود. رودخانه ی دائمی حاجی بختیار در فاصله ی سه کیلومتری بخش غربی و جنوب غربی منطقه ی مورد مطالعه جریان دارد. مسیل و چشمه ی دائمی در حاشیه ی غربی و شمال غربی اثر واقع شده است. درختان بلوط پوشش جنگلی منطقه را تشکیل می دهد.



تصویر ناهمواری های منطقه مورد مطالعه

توصیف اثر

تعداد درختان سرو موجود در این محوطه ی تاریخ طبیعی، ۱۸ درخت کهنسال سرو می باشد که ازدوران باستان بر جای مانده است. زیر ساخت طبیعی محدوده ی رویشی درختان، سنگ های رسوبی است. تک درخت کهنسال دیگری در میان روستا وجود دارد. کارشناسان اداره کل منابع طبیعی استان ایلام عمر این درختان را سه هزار و ۳۰۰ سال گاه نگاری کرده اند. بر روی بعضی از درختان آثار آتش سوزی، تخریب و برش مشاهده می گردد. به دلیل فرسایش خاک، قسمت عمده ی ریشه ی اصلی درختان

نمایان شده است. عامل ماندگاری این گونه ی چنگلی طول ریشه آن‌ها می‌باشد که در لابلای سنگ‌های رسوبی ریشه دوانده است. طول ریشه‌ی برخی از درختان (که به دلیل فرسایش سطحی خاک قابل مشاهده است) حدود ۲۵ متر اندازه گیری شده است. درختان با وجود قطر حدود ۷/۵ متری ارتفاع چندانی ندارند. احتمالاً "شاخه های درختان در طول دوران طولانی حیات این گونه‌ی چنگلی آسیب دیده باشند. این روستا در مسیر راه های باستانی است. راه باستانی (هوله) در دشت ایوان از طریق ارتفاعات شره زول به "خیل راه" در روستای بان سرواست که پس از عبور از "شرفه راه" در بخش روستای حاج بختیار، سر انجام به سمت نواحی گرمسیری و غرب زاگرس (بین النهرین) امتداد می‌یابد. هیئت باستانشناسی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام این اثر طبیعی (درختان کهنسال سرو زرین) را در فهرست آثار ملی کشور ثبت نموده است (محمودیان، ۱۳۹۰: ۳۵).

گاهنگاری اثر

عمر این درختان ۳۳۰۰ سال گاهنگاری شده است. به دلیل فرسایش خاک قسمت عمده ی ریشه ی اصلی درختان نمایان شده است. عامل ماندگاری این گونه چنگلی طول ریشه ها می باشد که در لابلای سنگ های رسوبی ریشه دوانده است. طول ریشه ی برخی از درختان که به دلیل فرسایش سطحی خاک قابل مشاهده است حدود ۲۵ متر اندازه گیری شده است.

محوطه ی باستانی بان سرو

این محوطه در محدوده ی جنوبی روستای بان سول و رویشگاه درختان سرو کهنسال واقع شده است. محوطه به وسیله ی کشاورزان تسطیح اراضی شده است. باغات میوه

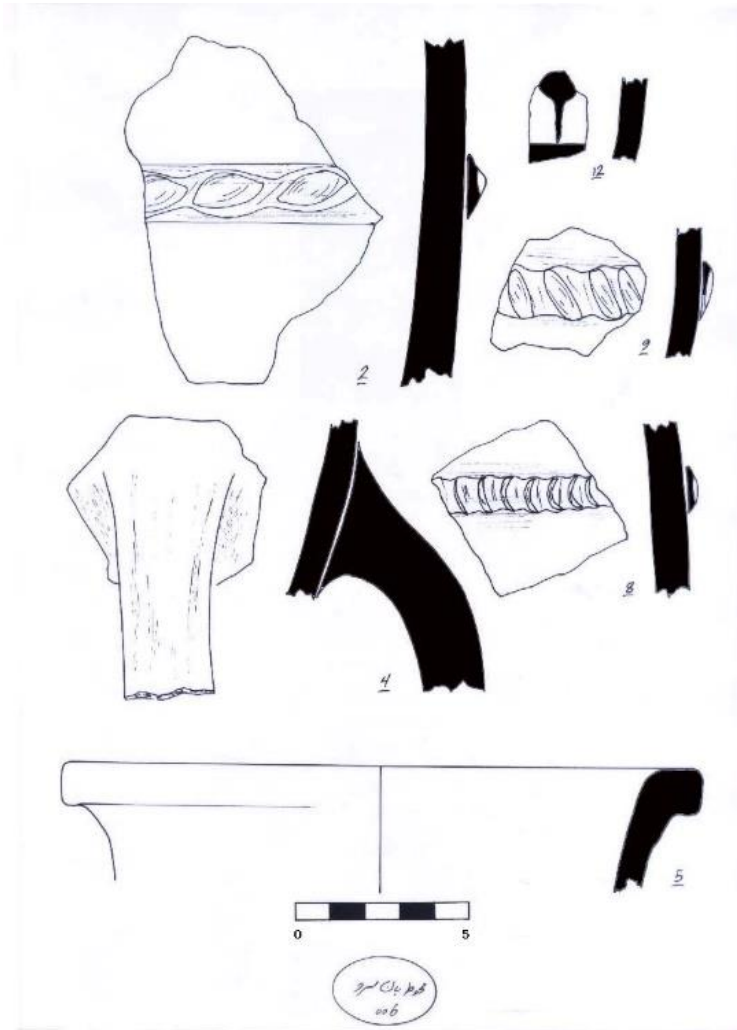
۲۱- راهی باستانی که کوچ رو بوده است و مردم ایلات و عشایر از طریق آن ییلاق و قشلاق کرده اند. خیل به معنای مردمی است که در یک منطقه زیست می کرده اند و اغلب از یک عشیره و تبار بوده اند.

و کشاورزی در سطح محوطه مشاهده می‌شود. ابعاد این محوطه از جهت طولی (شرقی غربی) ۱۰۰ متر و از جهت شمالی- جنوبی ۱۰۰ متر می‌باشد.

یافته‌های سطحی: با توجه به قرار گرفتن این محوطه در زمین‌های کشاورزی سطح خاک کاملاً مضطرب شده بود و قطعات سفالی تراکم زیادی دارند. نقوش روی سفال‌ها به صورت افزوده و برجسته مشاهده می‌گردد. تنوع رنگی سفال‌ها در رنگ‌های نارنجی و نخودی، بود و دسته‌های بزرگ و قطعات شکسته خمره‌های بزرگ در سطح این محوطه به وفور قابل رویت می‌باشد. در بررسی سطحی محوطه از مجموع سفالینه‌ی برداشت شده جمعا " نه قطعه سفال طراحی و مشخصات آن در جداول مربوطه ارائه شده است. یک مورد از نمونه برداشت شده دست ساز و بقیه چرخ ساز بودند. شاموت آن‌ها ماسه نرم بود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که پخت مواد برداشت شده بجز یک مورد بقیه از پخت کافی برخوردار بوده است. گاه نگاری اولیه نشانگر استقرار در دوره‌ی تاریخی است.



نمای کلی محوطه بای سول - دید به شمال



مسیر راه‌های باستانی

این محدوده در مسیر یکی از راه‌های کوچ رو تاریخی به نام خیل راه (کوچ رو) واقع شده که ارتباط دهنده ی مسیری از مناطق کوهستانی منطقه به سمت نواحی غربی زاگرس و میان رودان است. بخشی از این مسیر به نام کاروانه معروف است. این راه ارتباطی از معبر شره زول گذشته و در بخش غربی این کوه به خيله ره در روستای بان

سرو متصل شده و با عبور از مناطق غربی چوار به شرفه ره وصل شده و در نهایت به راه های بین النهرین مرتبط می گردد (محمودیان، ۱۳۹۴: ۱۳۵).

راولینسون در سفرنامه ی خود به راه کاروانه اشاره دارد و نوشته است: «این راه از ارتفاعات امتداد یافته و پس از گذشتن از گردنه ای سهل العبور به طرف دشت کارزان در امتداد رودخانه ای [احتمالاً سیروان] به سوی زنگوان سرازیر می شود. این جاده بدون تردید یک راه باستانی است...» (راولینسون، ۱۳۶۲: ۵۱).

بنابراین، وجود درختان تنومند و تاریخی سرو در این محدوده ی جغرافیایی به دلیل قدمت چند هزار ساله و ماندگاری طولانی دارای ارزش حفاظت است.

فشار ناشی از تورسیم

بازدید های عادی و مستمر اهالی و احتمالاً بی احتیاطی و روشن نمودن آتش و شکستن شاخ و برگ این گونه درختان از عوامل اثر گذار در نابودی تدریجی تعداد زیادی از درختان بوده است.

عوامل منفی تاثیر گذار : بلایای طبیعی (زمین لرزه، سیلاب، آتش سوزی و ...)

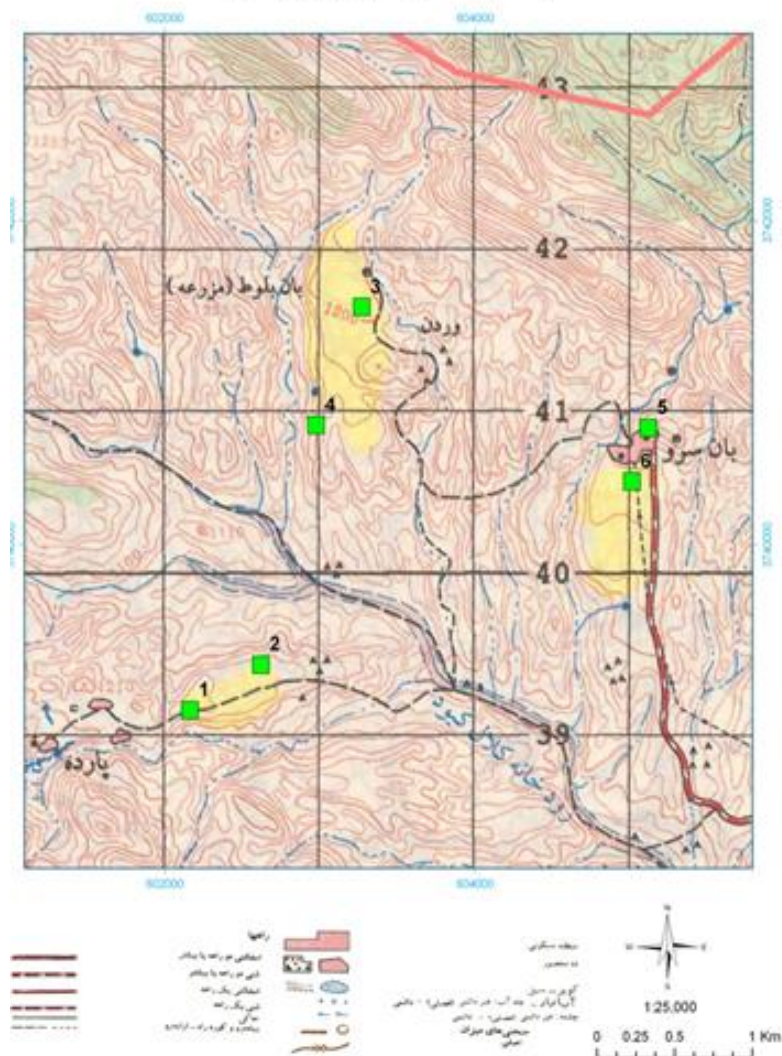
به علت فرسایش ناشی از بارش و شیب طبیعی محدوده ی رویشی درختان، سطح محوطه آسیب دیده به طوری که ریشه ی اصلی درختان کاملاً ملاحظه می شود. بر روی بعضی از درختان آثار آتش سوزی، تخریب و برش مشاهده می گردد. گرچه عملاً از سال ۱۹۰۰ میلادی تاکنون زلزله ای با بزرگی هفت ریشتر در استان مشاهده نشده است اما گسل های کوچک امکان ایجاد زلزله در منطقه ای را افزایش می دهند.



ارزش گذاری اثر از دیدگاه گردشگری

نماد سرو به عنوان یکی از نمادهای مهم در ایران باستان شناخته می شود. در نگاره ها و آثار باستانی مانند حجاری های دوره ی هخامنشی در تخت جمشید، نماد درخت و به طور خاص، سرو آورده شده است. وجود این اثر تاریخ طبیعی درروستای بان سرو، پوشش جنگلی متراکم و دیگر جلوه های زیبای طبیعت در این محدوده شرایط گردشگری آن را افزایش داده است. بنابراین با ایجاد پایگاه گردشگری و اقدامات زیر بنایی دیگر می توان این اثر را از جاذبه های گردشگری تاریخ طبیعی کشور قلمداد نمود.

آثار شناسایی شده ی حوزه ی چوار سال ۸۹



پیشهادات

- محصور نمودن محوطه به جهت حفاظت از عوامل مخرب انسانی و طبیعی و شماره گذاری درختان؛
- انجام مطالعات و پژوهش های مرتبط با منابع طبیعی، گونه شناسی ، آسیب شناسی، آسیب نگاری، طرح احیاء، ساماندهی و حفاظت ؛
- معرفی درختان کهن سال در قالب فیلم مستند، تصاویر و... در سطح رسانه ی ملی؛
- انجام اقدامات حفاظتی مشترک میراث فرهنگی و منابع طبیعی و آبخیز داری استان در راستای نجات بخشی و ساماندهی درختان ؛
- محوطه سازی، ایجاد راه دسترسی و ایجاد پایگاه گردشگری .
- فعالیت مشترک میراث فرهنگی، جهاد کشاورزی و سازمان حفاظت محیط زیست استان در بخش باستان پژوهی گونه های جنگلی و رویشگاه های کهن سال بومی و غیربومی به عنوان بخشی از تاریخ طبیعی منطقه.



تصاویر از درختان سرو

نقشه توپوگرافی رویشگاه سرو در منطقه ی چوار ایلام



منابع

- ۱- پیری، عبدالسلام (۱۳۹۰)، *سیمای منابع طبیعی و آبخیز داری استان ایلام*.
- ۲- محمودیان، حبیب اله و (۱۳۹۰)، *جغرافیای ایرانگردی*، مبنای خرد، تهران.
- ۳- (۱۳۹۰)، *گزارش بررسی و شناسایی باستان شناسی شهرستان ایلام*، حوزه ی چوار، میراث فرهنگی ایلام.
- ۴- (۱۳۸۷)، *بررسی و شناسایی سیروان*، میراث فرهنگی استان ایلام.
- ۵- (۱۳۹۵)، *جاده ها و ایل راه های باستانی ایلام*، نشر زاگرو.
- ۶- (۱۳۹۴)، *اطلس استان ایلام*، نشر زاگرو.
- ۷- (۱۳۹۵)، *میراث ماندگار*، نشر زاگرو، ایلام.
- ۸- ملک شه میرزادی، صادق (۱۳۷۳)، *مبانی باستان شناسی ایران*، بین النهرین، مصر، جهاد دانشگاهی.

- ۹- واندنبرگ، لویی (۱۳۴۸)، **باستان شناسی ایران باستان**، ترجمه‌ی عیسی بهنام، دانشگاه تهران.
- ۱۰- مورتسن، پدر (۱۹۷۴)، مقاله، **بررسی و تعمق در دره‌ی هلیلان**، ترجمه‌ی حبیب اله محمودیان،
- ۱۱- هول، فرانک (۱۳۸۱)، **باستان شناسی غرب ایران**، ترجمه‌ی زهرا باستی، سمت، تهران.
- ۱۲- راولینسون، سر هنری (۱۳۶۲)، **سفرنامه راولینسون**، ترجمه‌ی سکندر امان‌اللهی بهاروند، تهران: موسسه انتشارات آگاه.

گذری بر تاریخ چند هزار ساله ی ایلام

دکتر ناصر راد^۸

چکیده

سرزمین ایلام، صاحب فرهنگ و تمدنی اصیل و تاریخی چند هزار ساله است. وجود تپه های باستانی و کاوش های انجام گرفته در منطقه ایلام توسط باستان شناسان مانند دیو افولا، جورج کامرون، پرفسور والترهینس و... نقش منطقه ی ایلام (ایلام کنونی) را در ظهور و بنیان تمدن و شکل گیری امپراطوری ایلام باستان و پیوند آن با مناطق (خوزستان) تأیید نموده اند. برخورد فراز و نشیب های انسان اولیه در کوهها و غارهای زاگرس در مراحل غارنشینی و عصر شکارورزی نشانه هایی از این ادعا هستند.

کوه هایی مانند کبیرکوه، دینار کوه، سیاه کوه و... با وجود رودخانه های دائمی مانند سیمره، کرخه، دز و... داشتن منابع عظیم کانی و نباتی و گیاهی و چشمه سارها در دامنه های طبیعی و اقلیم آن و صعب العبور بودن منطقه، مکان امن و مناسب برای زیست انسان های نخستین در منطقه ایلام بوده است. این مهم را به عنوان یکی از عمده ترین دلایل استمرار زندگی برای مردم منطقه ایلام می توان پذیرفت. این منطقه یکی از قدیمی ترین مراکز سکونتگاهی به صورت های غارنشینی، کوچ نشینی و یکجا نشینی در فلات ایران می باشد. ایلام موجد یکی از کهن ترین سلسله های شاهی در تاریخ فلات ایران می باشد. ولی تحقیقات و پژوهش هایی که در تاریخ، فرهنگ و... این سرزمین انجام گرفته است کافی نیست. و علی رغم کاوش ها و بررسی های انجام شده هنوز گفتنی های زیادی در رابطه با مردمان این سرزمین وجود دارد که در پرده ای از ابهام باقی مانده است. مکان های زیادی در منطقه ایلام کنونی وجود دارد که کاوشی روی آن ها صورت نگرفته و متأسفانه حفاری هایی غیرمجاز خسارات جبران ناپذیری به فرهنگ و تمدن این منطقه وارد نموده است که قابل جبران نمی باشد. امید

^۸ - دانش آموخته رشته روابط بین الملل از دانشگاه ناپل ایتالیا.

است مسئولین ذیربط به این مهم توجه وافر داشته و در شناسایی و کاوش و تحقیق و حفاظت آثار تاریخی، موجود جدیت و برنامه ریزی بیشتری انجام دهند. در صورت عدم توجه و استمرار تخریب به مرور زمان این آثار با ارزش فرهنگی که میراث چندین هزار ساله ی این مرز و بوم می باشد از بین خواهند رفت. در این مقاله تلاش شده تا بخشی از یافته های پژوهشی مرتبط با تمدن و فرهنگ ایلام در محدوده ی جغرافیایی شمال غربی این سرزمین باستانی ارائه شود.

واژگان کلیدی: ایلام، دوران غار نشینی، کبیرکوه، سومر، موسیان.

مقدمه: وجود تپه های متعدد باستانی در استان ایلام در این منطقه ی جغرافیایی و تلاش های علمی (حفاری و کاوش و بررسی های باستان شناسی) توسط باستان شناسان مانند دیولافوا، جورج کامرون، پرفسور والترهینس و... نقش منطقه ی ایلام (پشتکوه) ایلام کنونی را در ظهور و بنیان تمدن و شکل گیری امپراطوری ایلام باستان و پیوند آن با مناطق (خوزستان) تأیید نموده اند. در این نوشتار تلاش شده تا بخشی از یافته های پژوهشی مرتبط با فرهنگ و تمدن ایلام ارائه شود. این مقاله با بهره گیری از اسناد و آثار مکتوب و نیز گزارش های باستان شناسی تدوین و ارائه شده است.

گذشته های تاریخ ایلام باستان

دمرگان گذشته ایلام را به دو قسمت تقسیم کرده است که عبارتند از:

۱- عصر قبل از تاریخ

۲- عصر تاریخی

اعصار قبل از تاریخ به دو قسمت تقسیم می گردد که هر دو از عهد حجر است. زیرا آثار آلات و ابزار فلزی در این دوره یافت نگردیده است.

اشیای به دست آمده از این دوره غالباً از سنگ و گل رس می باشند که روی آنها منقوش می باشد. دمرگان از مقایسه ی اشیای به دست آمده با اشیای مصر، معتقد است که این اشیا مربوط به ۸۰۰۰ هزار سال قبل از میلاد می باشد؛ ولی بعضی از محققان مانند کینگ، این نظریه را تأیید نمی کند و عقیده دارد که ساخت و شیوه ی آنها مانند ظروف و اشیایی است که در ماورای دریای خزر و استرآباد و دره گز یافت گردیده است. او معتقد است که تمدن این ناحیه تا سرزمین های دوردست انتشار یافته است و بین ساکنان این سرزمین و سومری ها و ساکنان ماورای دریای خزر رابطه ای وجود داشته است و از طبقه ی عهد حجر که بالاتر رفته اند چیزی تا شش پا نیافته اند. علت این مهم، مردمانی با تمدن برتر که احتمالاً از نواحی شمال آمده باشند، بر بومیان غلبه

یافته اند خانه های آنها را ویران کرده اند، بعد به قدر شش پا خاک ریزی کرده اند و روی آنها بناهای جدید احداث نموده اند.

بالتر از این، طبقه ی دیگری است که دمرگان آن را متعلق به عهد قدیم می داند اشیایی که پیدا گردیده، ظروف سفالین خیلی کم تر است. اشیای این عهد بیشتر از مرمر سفید ساخته شده اند که روی آنها را منقوش نموده اند. و نیز گلدان های لعاب دار و لوحه هایی که یافت گردیده از گل خام است روی آنها خطوطی نوشته اند. دمرگان این اشیا را متعلق به چهار هزار سال قبل از میلاد می داند.

تقسیم بندی عصر تاریخی

الف: دوره ای که تاریخ ایلام ارتباط کاملی با تاریخ سومریها و اکدیها دارد(از ازمه ی قدیم تا ۲۲۲۵ ق.م).

ب: دوره ای که به گذشته های ایلام با تاریخ بابل مربوط می شود (۲۲۶۵ تا ۷۴۵ ق.م).
ج: دوره ای که تحولات ایلام و دولت آشور جدید را نشان داده و به انقراض دولت ایلام منتهی گردیده است (۷۴۵ تا ۶۴۵ ق.م).

الف: در این دوره، تاریخ ایلام تقریباً تاریک است. با این وجود مشاهده می شود که پاتسیهای سومر و اکد با ایلامی ها جنگ تدافعی می کردند. و اگر گه گاهی نیز پیروز می شدند، تسلط آنان بر ایلام چندان دوامی نمی آورد. سرانجام، ایلام بر سومر و اکد دست یافت و دولت آنان را ساقط کرد. در این عصر ایلامی ها از همسایگان غربی مانند سومری ها و سامی ها از نظر تمدن پایین تر بوده اند، زیرا کشور آنان کوهستانی بود و راه های ارتباطی جهت تجارت وجود نداشت. این مهم باعث گردید که مردمان ایلام از مراکز عمران و تجارت دنیای متمدن آن روز به دور بمانند. از نظر سازمان کشوری چنین استنباط می شود که به استثنای مواقع اضطراری که دشمن خارجی استقلال ایلام را تهدید می کرد، هر یک از اقوام و طوایف ایلامی زندگانی سیاسی و اجتماعی جداگانه ای داشتند، و مردم منطقه ی کوهستانی ایلام استقلال خود را همیشه

حفظ می کردند. وقتی که اقوام خارجی بر ایلام تسلط می یافتند، مناطق کوهستانی ایلام به علت صعب العبور بودن آن و استحکامات دفاعی و پناهگاه های مطمئن طبیعی از تعرض دشمن مصون می ماند. رفتار ایلامی ها در مواقع غلبه بر دشمن افراطی بود و زمانی که بر سومری ها و سامی ها پیروز می شدند، با آنان رفتار بسیار خشنی کردند. ب: در این دوره، ایلامی ها با پادشاهان بابل در نبرد بودند. در زمان کاسوها خورباتیلا، پادشاه ایلام، با کوری گالزو، پادشاه بابل جنگید. بعد شوتروک ناخونته، بابل را گرفت و اشیای نفیس آن را غارت کرد و به شوش برد. عاقبت، تاخت و تاز ایلامی ها دولت کاسوها (کاسی ها) را از پای در آورد. از پادشاهان نامی ایلام در این دوره شیل خاکین شوشیناک را می توان نام برد.

این پادشاه که سیاستمدار و مدبر بزرگی بود، بناهای زیادی احداث نمود و تاریخ آنها را در کتیبه هایی به زبان سامی و انزانی می نوشت. در این دوره، ایلام از نظر صنعت و معماری به اوج ترقی خود رسید.

ج: جنگ های آشور با ایلام از وقایع عمده ی این دوره است. دولت ایلام در این دوره با کشور آشور همسایه نبوده، بلکه بین این دو مردمانی کوهستان نشین ساکن بودند که مانع از همسایگی این دو دولت شده بودند. در زمان تیکلا پالسر چهارم، آشوری ها با این مردمان کوهستان نشین جنگیدند و بعضی را کاملاً مطیع کردند و برخی نیز به صورت نیم مستقل ماندند. پس از آن ایلام با آشور هم جوار گردید و نتیجه ی این همسایگی رقابت های شدید طرفین جهت سیادت بر دیگری بود که منجر به وقوع جنگ هایی بین آنان شد. در سال ۶۴۵ ق.م آشور بانی پال به ایلام لشکر کشید و شوش پایتخت آن را به تصرف در آورد و خزانه ی پادشاهان ایلام به دست لشکریان آشور افتاد و تمام زر و سیم و اشیای گران بها را که در بابل در موقع اتحاد به ایلام داده بود، به یغما بردند و به نینوا منتقل نمودند. آشوریان در این تجاوز به کشتار و غارت اکتفا نکردند. آنها استخوان های پادشاهان ایلام و افراد مشهور آنان را از زیر خاک بیرون

آوردند و به نینوا فرستادند. خون بام کالداش، آخرین پادشاه ایلام، که فرار کرده بود پس از چندی توسط آشوریان اسیر شد. آشور بانی پال تام ماری تو و خون بام کالداش را به ارابه ی خود بست و مجبورشان کرده که ارابه ی سلطنتی را تا معبد آشوری ایشtar بکشند. سرانجام آشوریان توانستند دولت مقتدر ایلام را منقرض کنند.

از تاریخ ایلام تا قبل از حفاری های شوش اطلاعات چندانی در دست نبود. فقط در تورات و در بعضی کتب قدیمی به طور جسته و گریخته به آن اشاره ای رفته بود. از شواهد چنین برمی آید مناطق ایلامی مرتفع به خوبی شوش، شناخته نشده اند. در این زمینه ما تنها در آغاز راه می باشیم و فعالیت های گسترده کاوش گران و پژوهش گران عرصه ی تاریخ و باستان شناسی را می طلبد.

ایلامی ها از مراحل آغازین تاریخ خود مدرک کتبی به جای نگذاشته اند و یا تاکنون کشف نگردیده است. اما اکدی ها در چند سنگ نبشته ی صخره ای در سرزمین ها ی غیر ایلامی، اشاراتی به ایلام و ایلامی ها کرده اند. به عقیده ی برخی از مورخان، جنگ بین سومر و ایلام نوعی جنگ تدافعی بوده است. زیرا زمانی سومر به ایلام حمله کرده است و گاهی سومر در مقابل ایلام، به دفاع برمی خاسته است و پس از آن نوبت به اکد می رسد. سارگن مؤسس سلسله ی اکد جهت توسعه ی کشور خود با ایلام از در نزاع در آمد و توانست ایلام را وارد نماید تا به دولت اکد باج دهد. پس از سارگن مانیش توسو به پادشاهی اکد رسید و حکمران شوش گردید. در سال ۲۷۰۰ ق.م نارام سین پادشاه اکد توانست ایلام را فتح نماید. دمرگان طبق اسنادی که از شوش به دست آورده، عقیده دارد که سومر از نورونق گرفته و شهر لاگاش به عنوان پایتخت انتخاب گردیده است. در این دوره ایلام جزو حکومت سومر شد و مدت مدیدی تمدن ایلام با همسایگانش سومر و اکد در هم آمیخت و کمابیش هم سطح شد. پس از چندی سومر بار دیگر از نو روی کار آمد و او رونقی از نو یافت و زبان سومری معمول

گردید. دو نفر از پادشاهان این سلسله، دونگی و کی میل سین فتوحاتی در اطراف نمودند و ایلام و لولویی را تسخیر کردند.

سومری‌ها مدتی بر ایلام حکومت راندند. دونگی معبدی در شوش برای رب النوع ایلامی‌ها (شوشیناک) ساخت. زمانی که سومری‌ها بر ایلام حکومت می‌کردند رفتار خشن آنان سبب ناخشنودی مردم ایلام و شورش بر ضد آنان شد و روز به روز دامنه ی شورش قوی‌تر گردید تا این که در سال ۲۲۸۰ ق.م، کودور ناخوندی، شهر اور را گرفت و غارت نمود و مجسمه ی الهه نانا، را به ایلام برد.

از بین شاهزاده‌هایی که بیشتر از همه کوشش نمود، می‌توان از کوک کیرپاس آتاپاک شو نام برد که خودشان را شبان شوش می‌دانستند. شوش با توجه به موقعیتی که داشت از شر مردمان مجاور و قتل و غارت همسایگان مصون نماند و در سال ۲۱۰۰ ق.م حمورابی پادشاه بزرگ و ششمین پادشاه سلسله ی آموری بابل (۲۱۳۸-۲۰۸۰) ق.م، به شوش حمله کرد و مدت مدیدی در کشور ایلام حکمرانی داشت.

و در این بین، قوم کاسی که در کوه‌های زاگرس نزدیک کرمانشاه و در اطراف شمال می‌زیستند، به ایلام حمله کردند و مدتی بر ایلام حکومت کردند. تا اینکه ایلامی‌ها در سال ۱۱۷۱ ق.م به سلطه ی آنان خاتمه دادند. در حدود هزاره ی سوم ق.م، سلسله ای جدید در ایلام مستقر گردید. حکمرانانی مقتدر مانند شوتروک ناخونته، کوتیر ناخونته و شیلهاک، دوران عصر طلایی ایلام را به وجود آوردند.

در این دوره طلایی، ایلام به دلیل حکمرانانی مقتدر و کاردان روز به روز قوی‌تر گردید. با سرکوبی و انقراض کاسیان بابل هم دیگر تهدیدی به شمار نمی‌آمد، و تنها تهدید و رقیب خطرناک برای ایلام، دولت آشور محسوب می‌شد که دست دوستی به بابل داده بود. در این زمان جنگی سخت در گرفت و در نتیجه دولت ایلام به نخستین موفقیت‌های خود نایل گشت. اونتاش گال، در این نبرد سخت بر بابل پیروز گردید و غنائم زیادی به چنگ آورد.

جانشینان وی نیز نفوذ و قدرت خود را بر امپراطوری بابل حفظ کردند و توانستند تا شهر نیپور پیش روند. ایلام در زمان شیلهاک (۱۱۶۵ تا ۱۱۵۱) ق.م، فتوحات خود را به نقاط دور دست کشانید و تا ناحیه ی دیاله پیش رفتند. و به محوطه ی کرکوک رسیدند، آشور را به عقب راندند و بابل را به محاصره ی خود در آوردند. قسمت اعظم دره ی دجله و ساحل خلیج فارس و سلسله جبال زاگرس، تحت سیطره ی بابلیان در آمد و قسمت غربی ایران که با الحاق سرزمین هایی در مغرب و جنوب جبال وسعت یافته بود، با هم متحد شدند و نخستین امپراطوری را در فلات ایران تحت حاکمیت ایلام به وجود آوردند. هم زمان با این فتوحات بزرگ تجدید حیات ملی صورت گرفت و واکنش ضد فرهنگ و تمدن بیگانه شدیدتر گردید. کتیبه ها غالباً به خط ایلامی نوشته می شد، شیلهاک اینشوشیناک خدای ملی گردید. سلاطین و خاندان آنان در طول حیات خود، خدا محسوب می شدند.

تجدید در هنر و معماری به وقوع پیوست، و شوش یکی از مراکز عمده ی هنر گردید. این فتوحات در زمان خود به قدری مهم و با اهمیت جلوه گر شد و امپراطوری ایلام به حدی عظمت و اقتدار یافت که تورات نیز درباره ی فتوحات ایلام، مبحثی دارد که شاه ایلام، به نام کودر عمر، ذکر می کند که با متحدان خود به فلسطین حمله برده اند. در داستان گیلگمش، که با نمرود در تورات تطبیق می کند، نیز درباره ی ایلام و فتوحاتش بر بابل گفت و گو به میان آمده است و چنین بوده که خوم بابا، شاه ایلام، به بابل حمله ور شده معابد را خراب، و پرستش خدایان بابلی را به خدایان ایلامی مبدل کرده است.

پادشاه ایلام که در تورات آمده کودور کرکومل می باشد، که بر خلاف خوم بابا، بابلیها را شکست داد و کشور ایشان را غارت کرد. سرنوشت ایلام، در اواخر هزاره ی دوم ق.م، چنین بود، متعاقب عهده ی که ایشان را به اوج رساند، انحطاطی سریع پیش آمد. سرانجام ایلام که بیهوده می کوشید قدرت خود را هم چنان حفظ کند، به دست

یکی از شاهان سلسله ی چهارم به نام نبوکدنصر (بخت نصر) اول طی جنگ های سختی شکست خورد و شوش به تصرف آنان در آمد و مجسمه ی مردوک را فاتحانه به معبد خود در بابل باز گردانید. استیلای بابل تا دریای مدیترانه توسعه یافت.

در این دوره ایلام مستقل باقی ماند و در صفحات دریایی سلسله ی بازیها روی کار آمدند و مدت بیست سال حکومت کردند. در آن موقع باز ایلامی ها در بابل ظاهر می شوند و سلطانی از ایلامی ها را بر تخت می بینم، اما او حدود شش سال بیشتر حکومت نکرد. (۱۰۰۶ تا ۱۰۱۱) ق.م، بابل در آن زمان دچار ضعف و ناتوانی گردید. علت تاخت و تاز طوایف بدوی گوشیم در زمان سلطنت غاصب موسوم به اددپلواید نیا، یکی از جانشین های نبوکدنصر اول بوده است. طوایف مزبور سومر و اکد را خراب کردند و غنائم آنها را به یغما بردند. سرانجام دولت را متزلزل ساختند.

اددپلوایدنیا، درصدد برآمد که از آشور یاری بگیرد و برای این مقصود دختر خود را به همسری پادشاه آشور در آورد. طبیعی است که ایلام می کوشید در چنین موقعیتی از اوضاع مساعد استفاده نماید اما نتوانست بر آن کشور تسلطی پایدار پیدا کند و تنها پادشاه ایلامی که بر تخت شاهی بابل جلوس کرد، ظاهراً اسم ااپلو اوتو را اختیار نمود. وی موفق به تأسیس سلسله ای نگردید. با این که بابل در آن زمان توسط دولت آشور و ایلام به شدت ضعیف و بی قدرت گردیده بود، اما توانست نیم استقلال خود را حفظ نماید. در این موقع که ایلام به تاخت و تاز و غارت در بابل مشغول بود، دولت آشور هم بابل را طعمه ای خوبی برای آینده ی خود می دید. قبایلی از مهاجرین سامی نژاد، که تاریخ آنها را کلدانی می خوانند، به آن جا هجوم بردند. و ظهور ایشان آغاز دوره ی جدید بود. جنگ های زیادی در این دوره به وقوع پیوست. نیکلر می گوید سلاطین کلدانی می خواستند با مساعدت ایلام، تاج و تحت بابل و سیادت بر آشوری ها را به دست آورند. ولی آشور مانع شد و به توسعه و تجاوز آنها خاتمه داد و بابل نیز جزو دولت آشور جدید گردید.

دولت ایلام از راه مال اندیشی با بابل، که از تسلط آشوری‌ها در رنج و عذاب بود، وارد مذاکره شد و اتحادی بین دو کشور جهت مقابله با تجاوزهای آشور منعقد گردید. اما سارگن، همین که توسط جاسوسان خود از این اتحاد آگاه شد. جهت متلاشی کردن این اتحاد مصمم گردید که جداگانه دو دولت بابل و ایلام را مضمحل کند. زمانی که ایلام قصد حمله به آشور داشت و از مرز عبور کرد، به انتظار پیوستن قشون بابلی نشست ولی لشکر آشور قبل از رسیدن بابلی‌ها به سپاه ایلام حمله کرد. سپاهیان ایلام که بیشتر از طوایف مستقل و نیمه مستقل کوهستان و اطراف جلگه‌ی شوش بودند، با این وصف در برابر لشکریان آشوری که از نظر اسلحه و ساز و برگ جنگی بر ایلامی‌ها تفوق و برتری داشتند، دلیرانه مقاومت کردند و با سپاه آشوری جنگیدند و آشوری‌ها نتوانستند به هیچ وجه کوچترین پیشرفتی حاصل نمایند و ناچار با دادن تلفات سنگین عقب نشینی کردند.

گرچه سپاه آشور در این جنگ شکست فاحشی خورد، ولی در آن زمان برای مدتی منازعه و کشمکش متوقف ماند. بعد از سارگن پسرش سناخریب (۷۰۵ تا ۶۸۲ ق.م) به سلطنت رسید او به سواحل ایلام دست اندازی کرد و زمانی که مشغول تاراج سواحل دریایی ایلام بود، ایلامی‌ها تحت فرماندهی کالدوش، شمال بابل را عرصه تاخت و تاز خود قرار دادند و حتی پسر پادشاه را نیز اسیر کردند.

سناخریب، پادشاه آشور، موقع را غنیمت شمرد و در حالی که ایلام در حالت هرج و مرج بود از طرف جنوب ایلام (سواحل خلیج فارس) داخل جلگه شوش گردید و توانست اهالی آنها را به اسارت بگیرد و به آشور ببرد.

مردم ایلام کودور ناخوتنا را به پادشاهی برگزیدند ولی او هیچگونه مقاومتی برای جلوگیری از تجاوز آشوری‌ها به عمل نیاورد و خود به کوهستان گریخت. آشوری‌ها چون اوضاع را به نفع خود مساعد دیدند و هیچ گونه مانعی در سر راه خود مشاهده نکردند، به ماداکتو که در نواحی کوهستان واقع بود حمله کردند ولی چون به سبب

ریزش برف و باران، دره‌ها و کوه‌های ماداکتو برای عبور سپاه آشور نامناسب شده بودند، آشوری‌ها ناچار به عقب‌نشینی شدند. مردم ایلام ناخوتنا را به جهت بی‌قیدی و عدم مقاومت در برابر سپاه آشور و فرار در برابر دشمن دستگیر کردند به قتل رساندند (۶۹۲ ق.م) و به جای وی برادر کوچک‌ترش به نام اوم مان مینانو را به سلطنت برگزیدند. این پادشاه به محض قدرت رسیدن سر و سامانی به قشون ایلام داد که بابل برای اتحاد با ایلام بر ضد آشور پیش قدم گردید و از خزاین خود وجوهی جهت تجهیزات به ایلام داد و جنگ سختی بین طرفین در گرفت که به علت مقاومت هر دو طرف نتیجه‌ای عاید نشد و هر کدام به مقر اصلی خود مراجعت نمودند.

سناخریب در سال ۶۸۹ ق.م بار دیگر به طرف بابل رفت ولی ایلام در این موقع با متحد خویش بابل همراهی نکرد. چون پادشاه بابل به مرض فلج مبتلا گردید در برابر دشمن مقاومت نکرد و همین که کشور مسخر شد، دولت آشور مانند گذشته با رأفت و قهرمانی با آنها رفتار نکرد و دستور قتل و غارت توسط بی‌رحم‌ترین لشکریان آشور داده شد. بابل را به ویرانه تبدیل کردند و سرانجام پس از این همه کشتار و غارت به جای سناخریب، اسرهدون به تخت آشور نشست. اسرهدون توانست اقدام مؤثری در مورد مرمت خرابی‌ها انجام دهد.

در سال ۶۷۴ ق.م خومبان کالداش دوم به طور ناگهانی به ایلام حمله کرد و تاسیپ بار پیش رفت. درحالی که پادشاه آشور در نواحی دیگر سرگرم بود و پادگان‌های آشوری قدرت مقابله با ایلامی‌ها را در میدان جنگ نداشتند. مهاجمین مظفر و پیروز با غنایم سرشاری به شوش برگشتند.

پس از گذشت چند روز از این پیروزی پادشاه ایلام در گذشت و برادرش اورتاکو، به جای او نشست. در این زمان وی با دولت آشور ارتباط برقرار کرد و مجسمه‌ی رب النوع سیپ پار را که به غنیمت آورده بودند به دولت آشور مسترد گردانید. و در ازای مهربانی و گذشت چون ایلام در آن موقع گرفتار کمی غلات گردید اسرهدون از

هیچ گونه مساعدتی دریغ ننمود و به ایلام کمک کرد. اسرهدون در آن زمان به اوج قدرت رسید و مصر را فتح نمود. در این عصر، دولت آشور نیز به چنان قدرتی رسیده بود که غیر از ایلام در آسیای غربی دولتی نمانده بود که تابع و مطیع آشور نشده باشد. پس از این فتوحات بزرگ، اسرهدون در گذشت و به جای او آشور بانی پال به قدرت رسید (۶۶۹ تا ۶۲۶ ق.م) و برادرش شمش شومو کین پادشاه بابل گردید.

در سال ۶۶۵ ق.م در حالی که لشکریان آشور، هنوز در مصر بودند ایلامی ها موقع را مساعد و مغتنم شمردند و تحت رهبری اورتاکو از رودخانه دجله عبور کردند و بنای تاخت و تاز در آن کشور را گذاشتند. چون استحکامات بابل بیش از آن بود که بتوانند به زودی آن را مسخر نمایند به عادت دیرینه ی خود، غنایم زیادی جمع کردند و به شوش فرستادند. در این زمان اورتاکو در گذشت و مقارن آن بعضی از بزرگان ایلام از بین رفتند و ایلام دچار هرج و مرج و بحران گردید. پس از مرگ اورتاکو برادرش توم مان به جای وی نشست این تغییر برای ایلام شوم بود زیرا وی از ترس از دست دادن قدرت تصمیم به نابود کردن اقوام نزدیک خویش گرفت. و در اولین فرصت تمام برادر زاده های خود را به قتل رسانید. این اقدام شنیع باعث گردید که حدود شصت نفر از شاهزاده های ایلام از ترس فرار کنند و به دربار آشور بنی پال پناهنده شوند. پادشاه آشور از این امر استقبال کرد و آنان را با آغوش باز پذیرفت تا با جنگهای خانگی و اختلاف های داخلی دولت ایلام را ضعیف و ناتوان نماید و در فرصت مناسب آن را در هم شکند. این پیش بینی و تدبیر مفید افتاد و همین اختلاف های خانوادگی اسباب انحطاط ایلام را فراهم آورد.

توم مان، پادشاه ایلام، همین که به قدرت رسید با گمبول، که گذرگاه های دجله را در اختیار داشت متحد گردید. بدین وسیله راه بابل برای او باز شد. او پیش از اینکه از سرحد عبور کند آشوربانی پال را بین جنگ و استرداد فراریان معیر گردانید. آشوربانی پال چون استرداد فراریان را به دولت ایلام به منزله ضعف و ننگ خود می

دانست، از تسلیم آنان خودداری کرد و اعلان جنگ کرد. جنگ بین طرفین در گرفت. اما آشور بانی پال چندان رغبتی به جنگ نداشت، ولی با مشورت بزرگان لشکریانش را به طرف ایلام روانه کرد این سرعت حرکت توم مان را سراسیمه کرد و قوای خود را جمع آوری و مهیای جنگ سرنوشت ساز شد. از آن گذشته چون لشکریانش کامل نرسیده بودند با تدبیر یکی از سرکردگان را که اتیونی نام داشت نزد دشمن برای مذاکره صلح روانه کرد. تا شاید بتواند از این فرصت و مجال جهت مقابله پیدا کند. پادشاه آشور دریافت که حيله ای در کار است. دستور داد که فرستاده پادشاه ایلام را دستگیر و سر او را از تنش جدا کردند.

با رسیدن این خبر به پادشاه ایلام، جنگ در گرفت ولی بدون نتیجه بود. عاقبت آشوریان میسر ی ایلامیان را به کارون راندند و بقیه سپاه شکست خورده ایلامیان در پناه بیشه ها به کوهستان گریختند. توم مان پادشاه ایلام در این جنگ شرکت داشت و مجروح گردید و قصد فرار از صحنه جنگ داشت و یکی از شاهزاده های ایلامی تبعید شده در عالم کینه جویی که بر لشکر آشوری فرماندهی می کرد بر توم مان تاخت و دوباره او را مجروح کرد. پادشاه ایلامی از این که دشمن را تحت فرماندهی یک ایلامی می دید که بر ضد مردم ایلام می جنگید سخت هراسان گشت و به پسر خود دستور داد که با تیر آن شاهزاده ی ایلامی را از پای در آورد. پسر به طرف او تیری پرتاب کرد ولی تیر او خطا رفت و خود نیز مجروح گردید. شاهزاده ی ایلامی از این فرصت استفاده کرد و به وسیله دَبوس او را از پای در آورد. توم مان پادشاه ایلام نیز دستگیر شد و سرش را بریدند و به نینوا فرستادند. وقایع مزبور به تصویر کشیده شده و در موزه ی لندن موجود است.

آشوریان در این نبرد لشکریان ایلام را از دم شمشیر گذراندند و خبر این شکست به شوش رسید و منجر به تحولی بزرگ شد. طرفداران شاهزاده های فراری مخالفان خود را دستگیر و به زندان انداختند و با تشریفات و ازدحام به استقبال فاتحان آشوری رفتند.

در این موقع خواجگان مقدم پیش گام بودند و طبق دستور آشور بانی پال پسر بزرگ او اورتاکو که خوم بان ایکاش نام داشت به سلطنت برگزیده شد و لشکریان آشور بعد از گرفتن خراج به نینوا مراجعت کردند.

اگر چه ایلامی ها هیچ وقت آشور را در میدان جنگ مغلوب نکردند اما با اسرهدون همسویی کردند و در بابل مکرر تاخت و تاز نمودند. پس از این شکست سخت که بر ایلام وارد آمد و دست نشاندۀ آشور بانی پال به سلطنت رسید. از این تاریخ تا چندین سال اتفاق مهمی بین این دو به وقوع نپیوست. آشور بانی پال پس از این پیروزی با برادرش که نایب السلطنه بابل بود بدرفتاری نمود و برادرش از او رنجیده شد. وی در سال ۶۲۵ تشکیل اتحادیه ای داد و کشورهای تابعه را در این اتحادیه عضو نمود. پادشاه ایلام خوم بان ایکاش که مخالف آشوربانی پال نبود مجبور شد وارد این اتحادیه شود. آشوربانی پال از او تقاضای مجسمه ی نا نا را مطرح نمود درحالی که اطاعت از این امر با حفظ تاج و تخت منافات داشت و مردم ایلام علاقه ی وافر ی به این مجسمه داشتند و به دیده ی احترام به او می نگریستند.

در چنین شرایطی، آشوری ها به اغتشاش های داخلی ایلام دامن زدند. بر اثر این اغتشاش ها تام ماریتو برادر پادشاه ایلام بر ضد او دسیسه چینی نمود و او را به قتل رساند و خود به جای وی نشست. سلطنت وی دوام چندانی نیاورد و یکی از مردان جنگی به نام ایندیغاش به واسطه اوضاع بحرانی ایلام، بر وی عصیان نمود و تام ماریتو ناچار به باتلاق های کناره ی خلیج فارس گریخت و طوفان کشتی وی را به ساحل برد و گرفتار شد و او را به نینوا فرستادند. آشوربانی پال با او مهربانی کرد که بعد از او در شرایط مساعد استفاده کند و ایندیغاش لشکر ایلام را از میدان جنگ خارج و متحد و هم پیمان ایلام بابل، را تنها گذاشت و بعد آشوربانی که بابل را محاصره کرد او را فتح و هزاران نفر از سکنه ی آن را در پیش گاه های بال دار به قتل رساند.

پادشاه آشور پس از فتح بابل، مصمم شد که کار ایلام را یکسره کند و خیال خود را از هر جهت از این دشمن دیرینه راحت کند. او برای پادشاه ایلام پیغام داد اگر کلدانی‌ها را تسلیم نکند به ایلام حمله کرده و همه ساکنان آن را از بین خواهد برد و دیگری را به جای تو خواهم گذاشت. در این میان بزرگان ایلام ایندیغاش را به قتل رسانیدند. و خوم بان کالداش را به جای او گذاشتند. آشوربانی پال که از نتایج جنگ‌های قبل ناراضی بود، بار دیگر به دنبال بهانه‌ای جهت حمله به ایلام می‌گشت. با این مقصود تام ماریتو را اسیر به ایلام فرستاد و از خون بان کالداش کلدانی‌ها و مجسمه‌ی نانا را خواستار گردید. برای پادشاه ایلام پذیرفتن این تقاضا، با مرگ وی مساوی بود بنابراین تصمیم گرفت در برابر آشوریان مقاومت کند. آشوریان دوباره به ایلام حمله کردند. ابتدا شهر ماداکتو را تصرف و با این فتح، معابر کرخه بر روی سپاهیان دشمن گشوده شد. آشوریان پس از تصرف و آتش زدن چهارده شهر، شوش را نیز تصرف کردند. خزانه‌ی پادشاه ایلام را با اشیای قیمتی به نینوا فرستادند و حتی استخوان‌های پادشاهان ایلام و اشخاص نامی را از قبر بیرون آورده و به نینوا فرستادند. به اعتقاد آنان چون ارواح اشخاص به استخوان‌های پوسیده معلق است بدین وسیله مذلت و خواری این اوضاع را بهتر درک خواهند کرد. مجسمه‌ی نانا برای شهر ارخ فرستادند و اسرای زیادی از شهرهای ایلام به آشور منتقل گردید. خوم بان گالداش آخرین پادشاه ایلام که فرار کرده بود پس از چندی گرفتار شد و آشوری بانی پال او و تام ماریتو پادشاه سابق ایلام را به جای اسب به ارابه خود بست و مجبورشان کرد که ارابه‌ی سلطنتی را تا معبد آشور و ایشتار، بکشند. بدین ترتیب استقلال دولت ایلام به دست آشور بانی پال از بین رفت. گرچه دولت ایلام منقرض گردید ولی قبایل کوهستانی نشین (که به باور ایلام کنونی می‌باشد)، استقلال خود را حفظ کردند. پس از انقراض دولت ایلام آن سرزمین به دو بخش تقسیم گردید ۱- منطقه‌ی شمالی ۲- منطقه‌ی جنوبی

منطقه شمالی یعنی انزان به دست پارسی‌ها افتاد که مدت‌ها پیش در آن ایالت سکونت گردیده بودند و حتی برای خود قایل بودند و منطقه جنوبی یعنی شوش و سایر نواحی به تصرف آشوریان درآمد و آثار و تمدن آن توسط سپاهیان دشمن با خاک یکسان شد و مردم قتل عام شده و اموالشان به یغما رفت.

نتیجه‌گیری

هنگامی که تمدن ایلام را با سومر و سپس بابل مقایسه می‌کنیم می‌بینیم که شاید از نظر مسائل روحی و فکری، تمدن ایلام پایین‌تر و کوچک‌تر از آن دو مملکت دیگر است. اگر در اغلب موارد این مملکت در تاریکی غوطه‌ور است. به این جهت است که وقایع در آن دوران به ندرت یادداشت می‌شده است. و حتی اعتقادات مذهبی، اساطیری و آیین و تشریفات معابد نیز در سینه به سینه توسط روحانیون حفظ می‌گردیده و همان‌طور به نسل‌های بعد منتقل شده است. چنین به نظر می‌رسد که ایلامی‌ها دارای هوش و ذکاوتی به خصوص بوده‌اند. به این معنی که آنان اختراعات دیگران را که مغشوش و مخلوط بوده، گرفته و به پیروی از همین ذکاوت فطری، روشن و ساده ساخته‌اند. و برای کشف راه حل‌های مهم در مورد مسائل خوگیری به شرایط جدید، شایستگی فراوان به خرج داده‌اند. ایجاد برج طبقه دار دور اونتاش را می‌توان مظهر این خاصیت و خصلت دانست. ایلامی‌ها در دوره‌ی شهرنشینی، نشان داده‌اند که مخترعین ارزنده و قابل‌هستند و با همسایگان خود مانند سومری‌ها برابرند. چنین استنباط می‌شود که ایلام باستانی سوزیان هیچ‌گاه به طور کامل شهرنشین نشده بود. و قسمت شرقی این دشت که حداقل قسمتی از آن ایالت آنتاش را تشکیل می‌داده، نوعی زندگی قدیمی‌تر را، با اقوامی متحرک‌تر جنگ‌جو تر و در مجموع با اقوام نجد شبیه‌تر، حفظ کرده بوده است. ایلام گرچه گاه‌گاه از نظر سیاسی و معنوی و فرهنگی تحت نفوذ همسایگان خود مانند سومر-اکد-بابل و آشور قرار گرفته بود ولی از جنبه‌ی فرهنگی و تمدنی به خصوص شهر شوش یکی از مراکز عمده تجاری

و اقتصادی زمان محسوب می‌شد. ایلام در دوران اقتدارش کشوری ثروتمند و آباد بود و شوش یکی از چهار راه‌های تجاری دنیا محسوب می‌شد. تمدن و هنر ایلامی نیز تا مدت‌مدیدی، حتی تا دوره‌ی ساسانیان در بعضی موارد الهام‌دهنده هنرمندان ایرانی بود. ایلامی‌ها با وجود آن‌که دولت آنها به وسیله‌ی دولت آشور منقرض گشت از عرصه‌ی تاریخ خارج نشدند. بلکه مکرر در طول تاریخ فراز و نشیب‌های زیادی داشتند و همواره از اوج به حضيض و از حضيض به اوج رفتند و برخاستند، باز افتادند و برخاستند و هم‌چنان در صحنه‌ی تاریخ ایران ماندند و حضور آنان در سلسله‌ی بعدی مشهود است و این مهم یکی از ارزش‌های بزرگ مردمان ایلام است که رسم آنها بر جریده‌ی عالم و تاریخ ثبت مانده است.

منابع

- ۱- پیرنیا، حسن، **ایران باستان**: ۱۳۶۲، جلد اول ۱۳۲.
- ۲- مشیرالدوله، **تاریخ باستانی ایران**.
- ۳- سایکس، سرپرسی، ۱۳۶۳، **تاریخ ایران**، ترجمه‌ی سیدمحمدتقی فخرداعی گیلانی، جلد اول، چاپ دوم.
- ۴- مشیرالدوله، **ایران باستان**.
- ۵- مشکور، جواد، **ایران در عهد باستان**.
- ۶- آمیه، پیر ۱۳۴۹، **تاریخ ایلام**، ترجمه شیرین بیانی.
- ۷- گیرشمس، رومن، **ایران از آغاز تا اسلام**، ترجمه محمد معین.
- ۸- راد، ناصر، ۱۳۷۴، **تاریخ سرزمین ایلام از روزگار باستان تا انقراض والیان لرستان و ایلام**، چاپ اول.

بررسی نقوش تزیینات آینه کاری کاخ والی ایلام در راستای مرمت و بازسازی آن معصومه صفایی نیا^۹

چکیده

کاخ والی، یکی از بناهای دوره ی قاجاریه در شهر ایلام است که به دستور والی پشتکوه بر روی تپه باستانی معروف به «تپه میرگ» ساخته شده است. این اثر تاریخی در دوره ی حکومت والیان به عنوان مرکز حکومتی مورد استفاده قرار می گرفته است. مصالح به کار رفته در نمای ساختمان، آجر، گچ و پی بنا از سنگ و در نمای داخلی کاخ از تزیینات مرسوم در بناهای عصر قاجاریه از جمله گچبری ها و آینه کاری استفاده شده است. متأسفانه بخش اعظم تزیین آینه کاری بنا در دوران جنگ تحمیلی بر اثر بمباران های هوایی از بین رفته و تنها بخشی از تزیینات آینه کاری آن، در یکی از اتاق های زیرزمین باقی مانده است. با توجه به اینکه اسناد مکتوبی از سبک تزیین نمای داخلی بنا به دست نیامد لذا با مراجعه به محل و بررسی میدانی و نیز از طریق مصاحبه با یکی از باستان شناسان محلی اطلاعات لازم جمع آوری شد. با مطالعه ی تطبیقی که بر روی بناهای مشابه در سایر مناطق و متعلق به دوران قاجاریه انجام گرفت طرح بازسازی آینه کاری و نقوش به کار رفته در تزیینات کاخ به عنوان طرح پیشنهادی تهیه شد. بنابراین، در این مقاله تلاش شده تا ضمن بررسی پیشینه بنا و نمونه باقی مانده از تزیینات آینه کاری ساختمان اطلاعات لازم تهیه و تدوین گردد. به نظر می رسد نتایج حاصله از این تحقیق بتواند در ارائه طرح بازسازی و مرمت تزیینات آینه کاری فضای داخلی این بنای تاریخی مفید واقع شود. با بررسی گچبری های موجود و قرینه بودن فضاهای داخلی، به نظر می رسد استفاده و بهره گیری از تزیینات آینه کاری قرینه در بخش های مختلف امکان پذیر باشد.

واژگان کلیدی: کاخ والی ایلام- آینه کاری- نقوش هندسی- گچ بری- تزیینات

^۹. دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش هنر- دانشگاه غیرانتفاعی هنر و اندیشه ی اسلامی قم

مقدمه: در بناهای دوران صفویه و قاجاریه تزیینات گچ بری و آینه کاری در اکثر بناها به خصوص امارت های شاهانه و اماکن متبرکه مورد استفاده قرار گرفته است. این شرایط موجب شده تا هنر آینه کاری و گچ بری به خصوص در دوران قاجار رونق یابد و آثار شاخصی از این الگوی هنری ساخته شود. در دوران قاجار آینه کاری روز به روز رونق گرفت و آثار شگرفی از متن بندی ها، رسم بندی ها، آونگ های آویز (مقرنس ها)، انواع کارهای گره اسلیمی سازی و هم چنین نقاشی و خطاطی بر پشت آینه به وجود آمد. (علی آبادی و همکاران، ۱۳۹۱)

یکی از بناهای دوران قاجاریه در ایلام قلعه والی واقع در ضلع شمالی خیابان پاسداران است که همچون سایر بناهای هم دوره از تزیینات بسیار زیبایی از جمله گچبری ها، شیشه های رنگی، گره ها و آجرچینی خاص آن دوران استفاده شده است. قلعه والی ایلام متعلق به عهد قاجار در دشت میان کوهی ایلام و در بر روی تپه ی باستانی چگا میرگ در سال ۱۳۲۶ هجری قمری ساخته شده و در سال های اخیر مورد مرمت و بازسازی قرار گرفته است (محمودیان، ۱۳۸۳: ۸).

مسئله اصلی مقاله حاضر ارایه ی طرحی برای بازسازی و مرمت تزیینات آینه کاری کاخ والی ایلام است. با توجه به اینکه تزیینات آینه کاری این بنا در دوران جنگ تحمیلی از بین رفته و تنها در یکی از طاق های اتاق زیرزمین، آثاری از آن برجای مانده است. بنابراین در راستای اهمیت حفظ آثار باستانی به عنوان بخشی از شناسنامه و هویت ملی، ارائه ی طرح مرمت و بازسازی این بخش از کاخ برای حفظ و نگهداری این اثر تاریخی در این مقاله مورد توجه قرار گرفته است. پرداختن به این مسئله می تواند راه حل مناسبی برای حفظ آثار تاریخی در عصر معاصر باشد. از طرفی عدم پرداختن به موضوع و بی توجهی به بازسازی تزیینات ذکر شده در بنا، باعث از بین رفتن بخشی از معماری این اثر تاریخی خواهد شد.

باتوجه به سابقه ی تاریخی بنا، می توان آن را عامل موثری در جهت انتخاب موضوع برای ارائه ی طراحی در جهت احیاء و بازسازی نقوش آینه کاری کاخ دانست. هدف اصلی این نوشتار، به دست آمدن نقوش به کار برده شده در آینه کاری کاخ والی ایلام از روی تنها تکه ی باقیمانده ی این بخش از تزیینات، در جهت ارائه طرحی برای بازسازی و مرمت آینه کاری بنا می باشد. چنین به نظر می رسد از فواید این تحقیق به دست آوردن طرحی جهت مرمت و بازسازی نقوش به کار برده شده در آینه کاری کاخ، برای ماندگاری این اثر تاریخی و استفاده از نقش بندی های به کار برده شده، در تزیینات معماری معاصر می باشد.

ادبیات و پیشینه ی نظری پژوهش

بررسی های انجام شده نشان می دهد که مطالعات در زمینه ی آینه کاری بیشتر متوجه پیشینه و خاستگاه این هنر بوده است. قاسم غلامرضا فلاح (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان «اهمیت آینه کاری در دوره های صفویه و قاجاریه» با اشاره به تاریخچه آینه کاری در ایران، به اهمیت تزیینات در بناهای دوران صفویه و قاجاریه می پردازد و با بررسی نقوش و اشکال به کار رفته در این تزیینات به این نتیجه می رسد که تکنیک آینه کاری در بناهای این دوران به صورت گره و اسلیمی و در باغ ها به همراه نقاشی و تزیینات چوبی به کار رفته است.

تورج جلیلی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله ای با عنوان «بررسی کالبدی تزیینات آینه کاری اماکن مذهبی از منظر، نقش، ترکیب و مفاهیم (نمونه موردی؛ حرم مطهر حضرت شاهچراغ)» می نویسند «هنر آینه کاری همچون پلی ساحت قدسی و قلمرو انسانی را به یکدیگر پیوند می دهد». حاصل بررسی در این پژوهش نشان می دهد که در خانه های سنتی قاجار این هنر به صورت آینه کاری روی گچ بر دیوار است، و در مکان های زیارتی آینه کاری به صورت پوشاننده کل سطح روی دیوار و سقف، و در باغ

ها نیز آینه کاری به صورت پوشاننده کل سطح و دیوار و قسمتی از سقف کار شده است .

دکتر محمد علی آبادی (۱۳۹۱) در مقاله ی «بازشناسی الگوهای آینه کاری در بناهای قاجاری شیراز» می نویسد « آینه کاری هنری کاملاً اسلامی است و حاوی اشکال هندسی اسلامی چنان که می توان آن را هنری دینی و سنتی تلقی کرد» دکتر علی آبادی پس از بررسی نقوش و اشکال به کار رفته در چند بنای دوران قاجاریه در شیراز به این نتیجه می رسد که در این مکان ها آثار شگرفی از متن بندی ها، رسمی بندی ها، آونگ های آویز (مقرنس ها) و انواع کارهای گره و اسلیمی و همچنین نقاشی و خطاطی در تزیینات آینه کاری دیده می شود.

سوالات تحقیق

سوالاتی که برای پیشبرد اهداف این پژوهش مطرح است عبارتند از:

۱. آیا بازسازی تکه ی باقی مانده آینه کاری قلعه والی می تواند به تمام بخش های قلعه تعمیر داده شود؟

۲. آیا میان تکه آینه کاری کاخ والی و گچبری بنا پیوند ارگانیکی وجود دارد؟

۳. با بررسی نمونه های هم عصر بنا چگونه می توان نسبت به بازسازی تزیینات آینه کاری کاخ والی ایلام اقدام کرد؟

۴. چگونه می توان از طریق نقش های گچبری کاخ به آینه کاری رسید؟

فرضیات: فرضیاتی که در مراحل انجام تحقیق برای نگارنده مطرح بوده:

۱. به نظر می رسد بنای کاخ ولی ایلام به صورت قرینه ساخته شده است.

۲. به نظر می رسد مرمت و بازسازی قلعه والی با بهره گیری از مدل و نمونه ی موجود امکان پذیر باشد.

۳ به نظر می رسد با استفاده از نقوش تکه باقی مانده آینه کاری بنا بتوان کل آینه کاری بنا را برای بازسازی طراحی کرد.

۴. به نظر می رسد قرار گرفتن موتیف ها کنار هم یک واحد را تشکیل می دهند.
روش تحقیق: این مقاله به روش توصیفی تحلیلی نوشته شده است.



نمایی از تنها بخش باقی مانده تزئین آینه کاری کاخ والی

تزئینات کاخ والی

در اوایل دوران قاجار استفاده از گچ بری و کاشی کاری در نماهای داخلی بناها مشهود بوده است، اما با عبور از این دوره به ویژه با ورود به دوران پهلوی، استفاده از تزئینات پیچیده در فضا سازی داخلی کاهش پیدا می کند. تغییر در میزان به کار بردن تزئینات داخلی بنا، با توجه به افزایش سرعت ساخت و ساز و استفاده از مواد و مصالح جدید در احداث بناها، به وجود آمد. نمای داخلی قلعه ی اصلی والی، آینه کاری و کاشی کاری بوده است که در بازسازی بنا، به دلیل در دسترس نبودن اسناد و عدم امکان بازسازی، این بخش از تزئینات صورت نگرفت. سادگی تزئینات و گچبری ها از جمله نکات قابل توجه این مجموعه است.



بخشی از نمای بیرونی کاخ والی

از دیگر تزیینات به کار رفته در بنا استفاده از شیشه های رنگی، آینه کاری دیواری و گچبری می باشد.

تصاویری از تزیینات کاخ والی









هنر آینه کاری

در جهان باستان، عقاید مذهبی مایه ی اصلی و عنصر اساسی هنرها به شمار می رفت. در آن دوران، هنر در خدمت مذهب بود و همواره برای بیان مجرد و توضیح امور معنوی و مذهبی از هنرهای گوناگون و از رموز و اشارات و نمادهای مختلف استعانت

می‌جستند و از این طرز بیان نمادین به شدت و وسعت و قدرت فراوان استفاده می‌کردند. (موسوی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۸)

درباره استفاده از آینه ی کاری در بناهای ایرانی، با توجه به بررسی های انجام شده چنین به نظر می‌رسد که آینه های شیشه ای که از سده ی دهم هجری از اروپا، به ایران وارد می‌شد هنگام حمل و نقل در راه می‌شکست. هنرمندان ایرانی برای بهره‌گیری از این قطعه های شکسته راهی ابتکاری یافتند و از آن‌ها به صورت آینه کاری استفاده کردند. (سمسار و همکاران، ۱۳۷۴)

در دوران قاجار استفاده از آینه کاری به عنوان ترین بنا بسیار مرسوم بوده و معمار هنرمند سعی می‌کرده با استفاده از نقوش هندسی و اسلیمی مرسوم در آن دوران نقش‌ها و طرح‌های زیبایی را خلق کند. در این راستا معمار، با دقت و ظرافت خاصی آینه‌ها را به قطعات کوچک به صورت اشکال هندسی مانند لوزی، مثلث، مربع و ... برش داده و با کنار هم قراردادن آنها نقش‌های زیبا و هنرمندانه‌ای را خلق می‌کرد.

در بسیاری از بناهای دوران قاجاریه، با دقت در آینه کاری‌های ایجاد شده در بنا می‌توان نقوشی را ملاحظه کرد که از مجموعه نقش‌های متفاوت ساخته شده و در یک نقش ممکن است ده‌ها نقش جداگانه به کار رفته باشد. نقش‌ها در دل نقش‌ها پیکره‌ای را به وجود آورده که توجه هر بیننده‌ای را به سوی خود جلب می‌کند.

در برخی بناهای آن دوران این نقش‌بندی‌ها چنان با ظرافت ایجاد شده‌اند که بیننده را محو تماشای خود می‌کند. گویی هنرمند معمار با تمام وجود خویش نقش‌ها را حس کرده و بخشی از وجود خویش را در دل آن نقش‌ها برجای گذاشته است.

آینه کاری کاخ والی

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد هنر به کارگیری آینه در بنای معروف به کاخ والی ایلام، متعلق به اواخر دوره ی قاجاریه می‌باشد. به نظر می‌رسد که در نماهای

داخلی کاخ والی، در سقف ها و بخشی از دیواره ی آن تزیینات آینه کاری به کار رفته است.

اما از آنجا که تنها در یکی از اتاق ها، آن هم به مساحت کمتر از دو متر مربع به صورت ناقص تکه ای از این تزیین برجای مانده بود، بنابراین به دست آوردن نقوش و طرح کلی آینه کاری به روش معمول می تواند از دقت کمتری برخوردار باشد.

در مرحله اول سعی شد، تا نقوش به کار رفته در تکه ی باقیمانده این بخش از تزیینات، در کاخ والی به دست آید. بنابراین با استفاده از نرم افزار گرافیکی برداری corel draw طرح ها و نقش های آینه کاری از روی نمونه ی باقیمانده به دست آورده شد. برای به دست آوردن نقوش، سعی شد که اشکال و نقش های به دست آمده عیناً شبیه به نمونه ی اصلی آینه کاری کاخ باشد. مثلاً اگر لوزی ها یا سایر اشکال به صورت نامنظم طراحی شده و در نگاه خواننده کج و نامتقارن دیده می شوند دلیل آن به دست آمدن نقوش به صورت کاملاً مشابه در مقایسه با آینه کاری بنا می باشد.

به دلیل تخریب زیاد این بخش از تزیینات، به دست آوردن نقوش تا حدودی مشکل به نظر می رسید اما خوشبختانه با به دلیل اینکه این بخش بر روی سقفی طاق مانند به جای مانده و طرح تزیین به صورت قرینه اجرا شده بود پس این امکان را ایجاد کرد که با تقسیم بندی آن به چهار قسمت، نقوش بخش های تخریب شده از روی بخش های سالم تر را به دست آورد.



نمایی از تزیینات آینه کاری کاخ والی

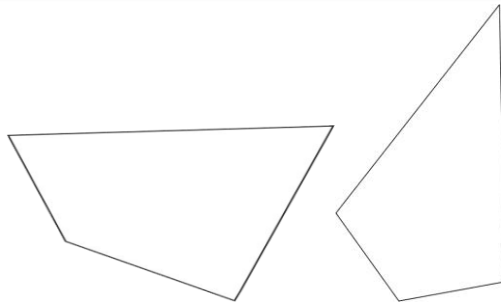
اشکال و نقوش به کار رفته در آینه کاری بنا

پس از تقسیم بندی و کار بر روی این بخش از تزیینات کاخ، اشکال و نقوش زیر به دست آمد:

الف: اشکال هندسی

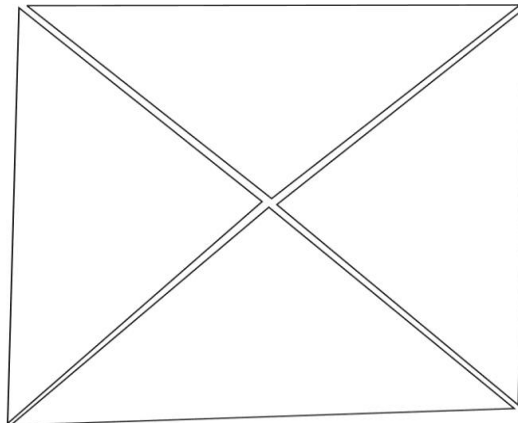
باتوجه به اینکه نقوش به کار رفته در تزیینات آینه کاری از کنار هم قراردادن تکه های کوچک آینه در اشکال مختلف ساخته شده است بنابراین با تقسیم کردن این نقوش به اجزای کوچکتر، اشکال به کار رفته در آینه کاری کاخ والی به دست آمد که شامل مربع، مثلث، لوزی و چند ضلعی است.

هنرمند آینه کار، این اشکال را با ظرافت و ذوق هنری خود در کنار هم قرارداده و نقوش زیبایی را به دست آورده است که با نقوش به کار رفته در تزیینات آینه کاری بناهای هم دوره ی خویش در سایر نقاط ایران هماهنگ و قابل مقایسه می باشد.

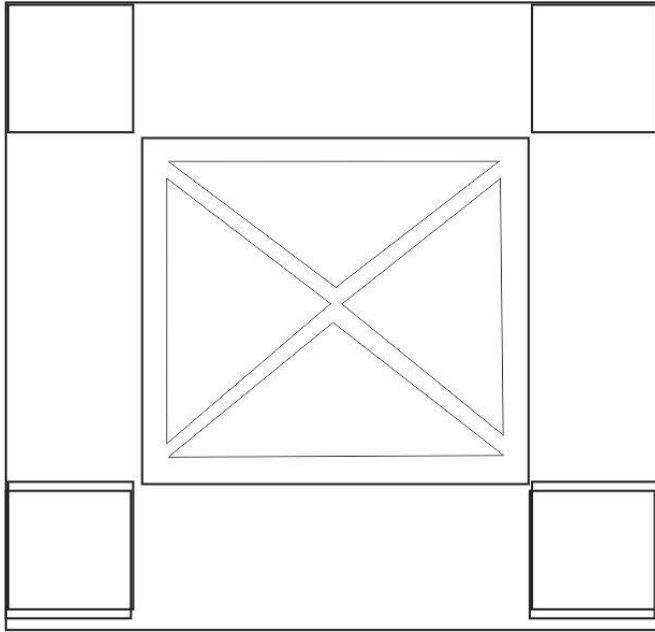


شکل شماره ۲: چندضلعی

شکل شماره ۱: لوزی



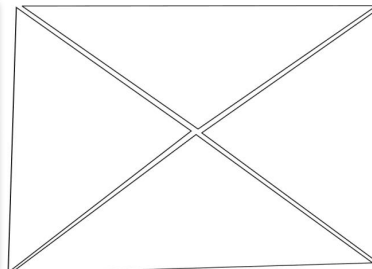
شکل شماره ۳: مثلث



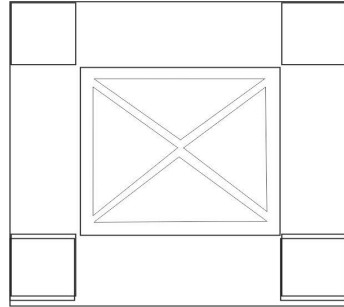
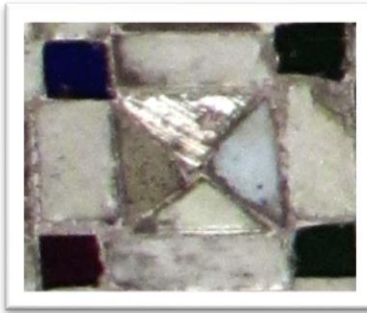
شکل شماره ۴: مربع

ب: نقوش

هنرمند معمار این بنا، با ترکیب اشکال هندسی و در کنار هم قراردادن ماهرانه ی آن ها در کنار هم، نقش های زیبایی را به دست آورده که به نظر می رسد در زمان قبل از تخریب زیبایی شگرفی را در بنا منعکس می کرده است. نقوش به کار رفته در این بخش از تزیینات شامل شش پر، هشت پر، ده پر، چهارلنگه، شمشه و مربع های قناس می باشد.

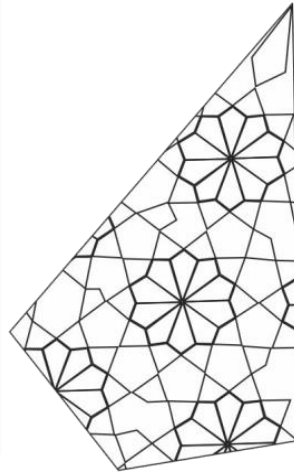


شکل شماره ۳: چهارلنگه



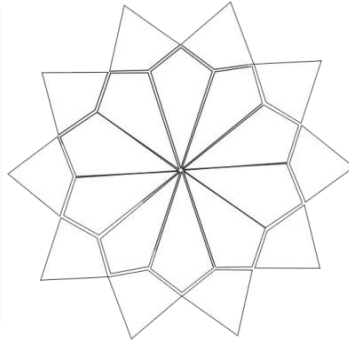
شکل شماره ۴: حاشیه ها مربع ساده

داخل کار چهارلنگه

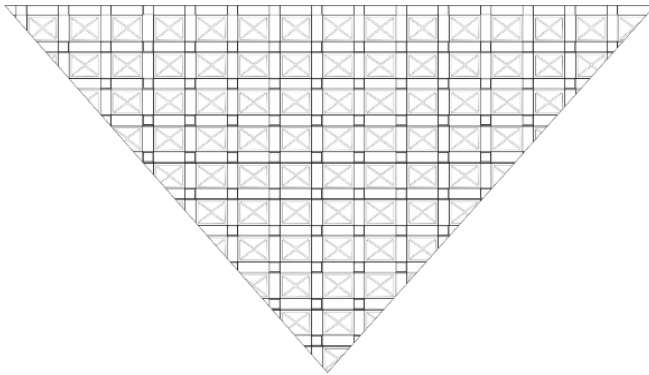


تصویر شماره ۵

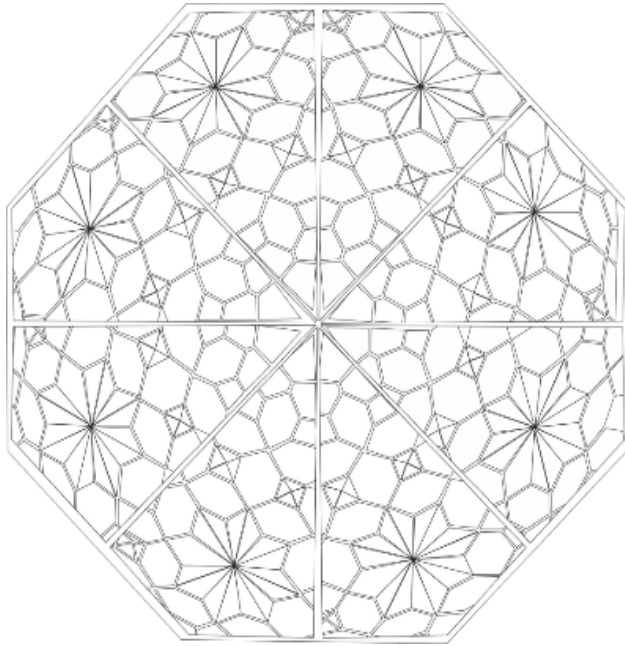
شکل کلی لوزی- داخل کار ده پر- ده ضلعی



تصویر شماره (۶): نقش ده پر



تصویر شماره ۷ شکل کلی: مثلث - داخل کار: مربع - چهارلنگه

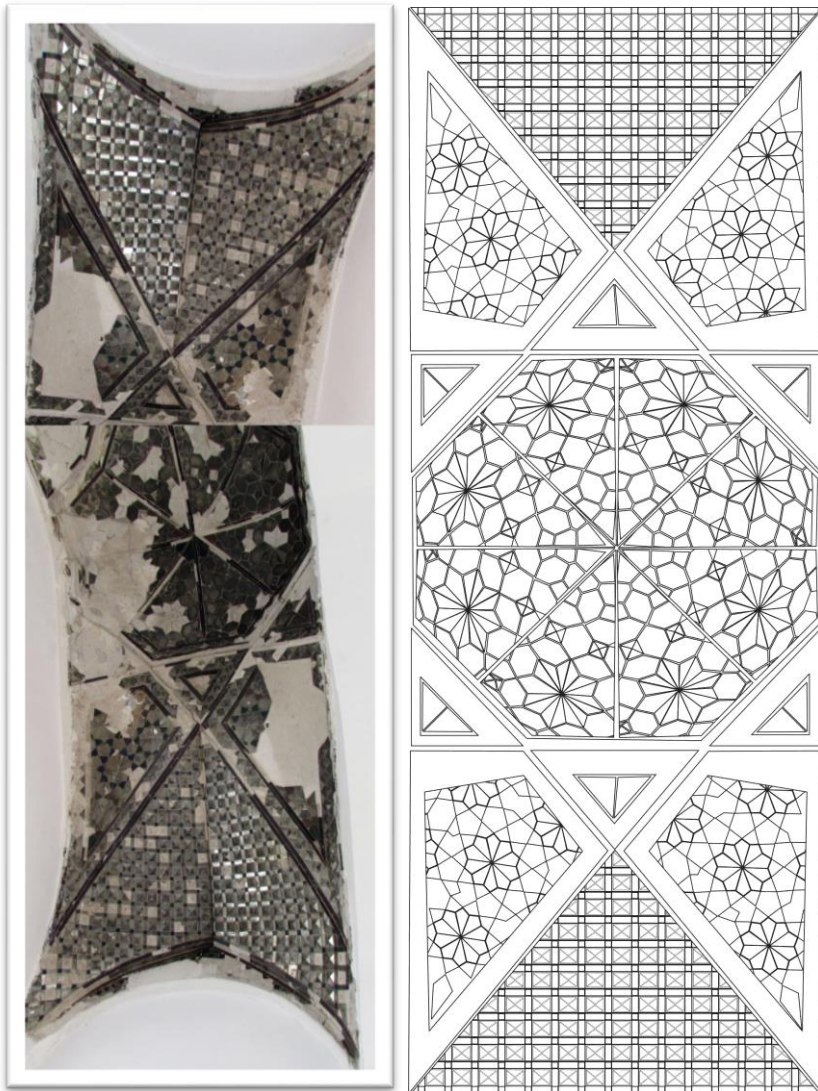


طرح شماره ۸: نمای کلی هشت ضلعی داخل کار: چهار لنگه - شش ضلعی - چهار پر
هشت پر - مربع - شش شل و شمشه

با دقت در طرح شماره ۸ می توان ترکیب های زیادی از نقش های مختلف را به خوبی مشاهده کرد. در این طرح نقش در نقش، نقش بسته و نقوشی زیبا را پدید آورده است که ظرافت، دقت و مهارت معمار هنرمند بنا را به خوبی نشان می دهد.

ج: طرح کلی تزیین آینه کاری بنا

طرح کلی نمای آینه کاری را در تصویر شماره ۹ می توان دید. با توجه به اینکه معماری این قلعه به صورت قرینه می باشد به نظر می رسد آینه کاری در دیوارها و سقف های بنا نیز به صورت قرینه و با ترکیب همبن طرح و نقش بوده است. این طرح از ترکیب نقوش چهار لنگه، چهارپر، شش ضلعی، هشت پر و شش شل ساخته شده است.



طرح شماره ۹ نمای کلی آینه کاری در سقف گنبدی اتاق زیرزمین

نتیجه‌گیری

آینه کاری از تزیینات مرسوم دوره ی قاجار به خصوص در بناهای حکومتی و عمارت های شاهانه بود. کاخ والی واقع در ایلام یکی از این بناهای حکومتی متعلق به والی بوده که در آن از تزیینات مختلف از جمله آینه کاری در سراسر بنا استفاده شده، اما در طول دوران جنگ تحمیلی بخش اعظم این بخش از تزیینات بر اثر اصابت راکت بمباران های هوایی از بین رفته و در جریان بازسازی به این امر پرداخته نشده است.

در بررسی های انجام شده درباره تزیینات آینه کاری این بنا متأسفانه هیچ سند و مدرکی به دست نیامد و با انجام مصاحبه ها و تحقیقات میدانی صورت گرفته از منابع ذیربط، مشخص شد که تاکنون در این زمینه پژوهشی انجام نشده است.

در کاخ والی، تزیینات مختلفی از قبیل گچبری ها، شیشه های رنگی و آجرکاری بر روی سقف ها، ستون ها و دیوارها در نمای درونی و بیرونی به کار رفته است. نکته قابل توجه استفاده از اشکال و نقوش هندسی در همه ی تزیینات بنا از جمله بخش آینه کاری می باشد

نکته ی دیگری که می توان به آن اشاره کرد این است که معماری بنا به صورت کاملاً قرینه اجرا شده و می توان به آن را به دو بخش کاملاً مشابه تقسیم نمود و در این راستا تزیینات بنا و استفاده از نقوش نیز به صورت قرینه و مشابه در دو بخش به کار رفته است. بنابراین به نظر می رسد با توجه به ساختار طراحی هندسی در بخش تزیینات، می توان طرح زمینه و گچبری موردنظر را با کمک کارشناس طراح یا معمار هنرمند مدنظر قرارداده و با تعمیم دادن این ساختار هندسی به کاربرده شده و استفاده از ظرفیت قرینه بودن معماری در کاخ، امکان مرمت و بازسازی این بخش وجود داشته باشد.

در بحث تعمیم تزیینات آینه کاری باقی مانده به سایر بخش های بنا، به نظر می رسد می توان به طور مثال گچبری های اتاق بخش سمت راست قلعه را با همان اتاق در بخش چپ بنا مشابهت داده بنابراین احتمالاً تزیینات ینه کاری نیز به همان صورت در

اتاق‌ها و سقف‌های مشابه به کار برده شده است. به دلیل عدم وجود بنای هم‌دوره با کاخ والی که در آن تزیینات آینه کاری به کار برده شده باشد به نظر می‌رسد در حال حاضر از طریق مقایسه‌ی تطبیقی نمی‌توان طرح کامل و جامعی را برای بازسازی این بخش از تزیینات ارائه داد. در پایان باید گفت که به نظر می‌رسد تزیینات آینه کاری بنا به نوعی طرح ابتکاری معمار هنرمند کاخ بوده و برای ارایه‌ی طرح بازسازی نظر معمار هنرمند حائز اهمیت است.

منابع

۱. سمسار، محمدحسن و ذکاء، یحیی (۱۳۷۴). «آینه کاری»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
۲. موسوی، بی‌بی زهرا و آیت‌اللهی، حبیب‌الله (۱۳۹۰). «بررسی نقوش منسوجات در دوران هخامنشی، اشکانی و ساسانی»، نگره، ۱۷.
۳. غلامرضانیا فلاح، قاسم؛ روح‌اله عزیز نژاد و علی وعظی (۱۳۹۴)، «اهمیت آینه کاری در دوره‌های صفویه و قاجار»، کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و زیرساخت‌های شهری، تبریز، دبیرخانه دائمی کنفرانس.
۴. محمودیان، حبیب‌الله (۱۳۸۳). «معرفی اجمالی قلعه‌های باستانی استان ایلام»، بخش دوم، انتشارات گویش.
۵. علی‌آبادی، محمد و جمالیان، سمیه (۱۳۹۱). «بازشناسی الگوهای آینه‌کاری در بناهای قاجاری شیراز»، نگره، ۲۳.

گمانه زنی برای تعیین عرصه و حریم در تپه علی کش دهلران

بیان پیرانی - عبدالمالک شنبه زاده ^{۱۰}

چکیده

بی گمان اهمیت حفظ موارث کهن که هویت یک ملت را اثبات می نمایند بر کسی پوشیده نیست. تپه ی علی کش دهلران، مکانی فرهنگی است که در دوران نوسنگی ابتدائی ترین اجتماع انسانی را به وجود آورد و با ابداعات و نوآوری هایی در صنایع، کشاورزی، دامداری و معماری در طول سه دوره ی فرهنگی، بشر را به سوی تشکیل تمدن های مقتدر سوق داد. علی کش یکی از محوطه های شاخص دوره ی روستانشینی اولیه (نوسنگی) در دشت دهلران است که جزء اولین دهکده های دائمی در منطقه و یکی از اولین روستاهای تشکیل شده در ایران در هزاره ی هشتم ق.م می باشد. پس از گذشت بیش از چهاردهه از فعالیت های باستان شناختی صورت گرفته در این محوطه، تیم باستان شناسی میراث فرهنگی استان ایلام جهت حفظ و حراست از این اثر بین المللی در مدت ۲۰ روز با بهره گیری از روش های علمی باستان شناسی، عملیات میدانی طرح تعیین عرصه و حریم آن را اجرا نمودند. نتایج به دست آمده از این گمانه زنی نشان داد که نظریه فرانک هول و همکارانش مبنی بر وسعت یک هکتاری علی کش نادرست بوده و عرصه اثر با احتساب محیط داخلی آن و باشکل هندسی هشت ضلعی طراحی شده، بیش از سه هکتار وسعت دارد.

تراکم آثار در دور اول گمانه زنی که تقریباً به داخل اراضی کشاورزی کشانده شده ختم گردید، اما پراکندگی آثار در اطراف تپه نیز در دویخش شرقی و غربی چشمگیر بود که به استناد آن در گمانه های ۱۹ و ۲۳ حجم آثار بدست آمده، نسبت به دیگر گمانه بیشتر بوده و هیئت به همین علت با بررسی و مطالعه ی یافته ها، بیضی بودن شکل تپه را اعلام نمود. در بخش جنوبی و شمالی در سطح گمانه ها ابزارهایی از جنس

^{۱۰} - کارشناسان باستان‌شناسی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

آبسیدین بدست نیامد، دلیل عدم بدست نیامدن این ابزارها در این بخشها، آنست که در دوره های فرهنگی علی کش و بزمردی استقرار در در سطح تپه بیشتر بوده و گسترش تپه در این زمان بدین سو نبوده است.

واژگان کلیدی: علی کش، گمانه، نوسنگی، باستان شناسی، روستا نشینی، دهلران

مقدمه: اهمیت ویژه و بین المللی تپه علی کش از یک سو و تشدید فعالیت های اجرایی عمرانی در دشت دهلران از سوی دیگر مشکلات حقوقی پیش آمده برای سازمان میراث فرهنگی طی سالیان گذشته در رابطه با تهیه مدارک کلی برای نجات آثار باستانی و فرهنگی استان بخصوص حوزه دهلران و دشت موسیان، طرح گمانه زنی جهت تعیین عرصه و حریم تپه علی کش در قالب برنامه ای مدون واضطراری بصورت ضروری ترین کار پژوهشی در استان پی گیری و به مرحله اجرا در آمد.

ضرورت و اهمیت اجرای کار در زمان مراجعه هیئت به محل، نمود بیشتری یافت چراکه به دلیل تقسیم اراضی، مالکین تپه علی کش را بین خود تقسیم کرده و متاسفانه بخشی از غرب تپه را جهت گسترش اراضی تسطیح نموده که به دلیل شیب آن نیمه کاره رها گردیده است. گسترش اراضی کشاورزی در جهات مختلف تپه و از همه مهمتر احداث سد دویرج در شمال علی کش و کانال های آبرسانی آبیاری از دیگر عواملی بود که نه تنها تپه علی کش، بلکه دیگر تپه های واقع در دشت را با خطر تخریب، رو به رو کرده است. با اجرای تعیین عرصه و حریم آن و نصب بلوک های عرصه در این زمان، باعث نجات علی کش گردید و این اثر مهم تمدن و فرهنگ دیرینه ی این سرزمین بار دیگر به حیات خود ادامه خواهد داد.

تپه ی علی کش

در موقعیت جغرافیایی "N:47/19/19" و "E: 32/33/91" و ارتفاع ۱۴۲ متر از سطح دریا در میان دشت موسیان و در مناطق علی کش و مرزدار، حدفاصل بین ارتفاعات جبل الحمیرین در جنوب و ارتفاعات سیاه کوه در شمال تپه علی کش واقع شده است. رود

خانه ی دویرج در شرق آن و رود خانه میمه در بخش غربی تپه عامل آبادانی این محوطه ی باستانی دردوران مخلف شده است. تپه علی کش در جنوب شرقی شهردهلران با فاصله ۱۴۰۷۱ متر به خط مستقیم و در شمال غربی بخش موسیان با فاصله ۵۷۰۷ متر به خط مستقیم در میان اراضی کشاورزی واقع شده است. تپه علی کش تپه ای نسبتا مدور و کم ارتفاع بوده که ارتفاع آن از سطح زمین های اطراف ۴ متر اعلام گردیده است.



پیشینه ی مطالعات علمی انجام شده

تپه علی کش یکی از سیزده محل های پیش از تاریخ حوزه ی رودخانه های میمه و دویرج بوده که مربوط به هزاره هشتم پیش از میلاد است و در منطقه ی بیات ،در فاصله ی هشت کیلومتری شهرستان دهلران واقع شده است. این اثر در سال ۱۳۷۹ با شماره ی ۲۹۷۶ به عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.

تپه علی کش بین سالهای ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۳ توسط فرانک هول و هیئت همراه کاوش گردید و نتیجه کاوش و حفاری ها در کتابها و مقالات گوناگون ارائه گردیده است.



حفاری در تپه ی علی کش (۱۹۶۱)

یکی از محدودیت تعدد محل های باستانی در دهلران انباشته شدن منطقه از رسوبات باران شسته ارتفاعات جانبی دهلران است. طبق مطالعات کرکبای (۱۹۷۷م) ضخامت رسوبات در بعضی قسمت ها به بیش از ۳ متر می رسد.

دکتر رفیع فربه نقل از فرانک هول در مقاله ی خود با عنوان: " تأملی دوباره در صنایع دهلران " در این خصوص اظهار نوشته است : (... از حدود ۹۰۰۰ سال پیش تا امروز دشت دهلران را حدود ۳ متر رسوبات مختلف پوشانده است. بنابراین باز میتوان در نظر گرفت که آثار باقیمانده از تعداد روستاهای کوچک مسکونی از گذشته در زیر این رسوبات مدفون شده اند که هرگز قابل شناسایی نیستند... (رفیع فر ، ۱۳۷۲) : تپه علی کش یکی از محل های شاخص روستانشینی در دوره ی نوسنگی در دهلران است.

اسامی و وجه تسمیه اثر

تپه علی کش نزد اهالی محل با نام تپه بزمرد خوانده می‌شود، بدین معنی که عام مردم بزمرد را تپه ای نسبتاً کوچک و کم ارتفاع، که در دشت موسیان و میان اراضی کشاورزی واقع شده است معرفی می‌نمایند. نام دیگر این اثر، علی کش می‌باشد که به دلیل واقع شدن تپه در منطقه ای با نام دشت علی کشته با نام علی کش معرفی گردیده که در متون و نزد باستانشناسان با این نام خوانده می‌شود. از اسامی دیگر این محل که کمتر بدان اشاره می‌گردد تپه محمد جعفر می‌باشد. بر اساس اسامی مذکور سه دوره ی فرهنگی این اثر با نام دوره های فرهنگی بزمرد، علی کش و محمد جعفر معرفی شده است.

اهداف طرح

- ۱- مستند نگاری و مستند سازی اثر ضمن مطالعه میدانی اثر و اجرای طرح پژوهشی تعیین عرصه و حریم آن با ضوابطی خاص به جهت تهیه مدارک فنی جدید.
- ۲- تهیه و تدوین گزارش مطالعات انجام گرفته به صورت کلی، مدارک فنی تهیه شده، مدارک مستند سازی شده، آسیب شناسی اثر و نگهداری آن جهت مطالعات آتی.
- ۳- بررسی منطقه و اثر به جهت قدم برداشتن در رابطه با حفاظت کلی اثر بخصوص از نظر غارت ابزارهای سنگی سطحی.
- ۴- تهیه مدارک و مستندات علمی جهت طرح ثبت جهانی اثر.
- ۵- تهیه آرشیو مواد فرهنگی بدست آمده در حین گمانه زنی و مستند سازی آن و طراحی فنی اشیاء جهت استفاده پژوهشگران و دانشجویان رشته های مرتبط.

پرسش ها

- ۱- با توجه به مطالعات و کاوش های انجام گرفته در عرصه، آیا حدود عرصه اثر با وسعت اعلام شده در متون همخوانی دارد؟

۲- آیا در در حریم درجه یک و منظری اثر، تراکم و یا پراگندگی مواد فرهنگی موجود می باشد تا برای آن ضوابطی خاص در نظر گرفت؟

۳- پس از گذشت پنج دهه از آخرین مطالعات تکمیلی اثر با توجه به شواهد موجود، آیا تخریب های حاصله بخصوص تسطیح و گسترش اراضی کشاورزی و زراعت در آن به بنیان اثر آسیب وارد نموده است؟ اگر چنین است در چه بخشهایی از تپه بیشترین آسیب وارد شده است؟ هیئت باستان شناسی معجری طرح با ارائه پرسش های فوق و تدوین فرضیه ها، عملیات اجرای طرح را با حفر گمانه ها و تطبیق یافته ها با متون و گزارش هیئت های قبلی به اطلاعات و یافته های جدیدی دست یافت که بخشی از این اطلاعات در این مقاله منعکس شده است.

تعداد و محل اجرای گمانه ها

نظر به وسعت تپه، نوع کار، پراکندگی آثار و ابزارهای فرهنگی در سطح تپه، شاخص بودن و ارزش بین المللی اثر به جهت عدم تخریب و ایجاد حفره هایی چند در اطراف تپه، به جهت عدم ایجاد خلل در مطالعات و کاوش های آینده، گمانه ها در سرتاسر تپه در نهایی ترین بخشی که بر اساس شواهد موجود سطحی بود در ابعاد ۱×۱ با جهت شمالی - جنوبی اندازه گیری حفاری و اجرا گردید. بر اساس دستور العمل پژوهشگاه باستان شناسی کشور، در حین گمانه زنی به محض رسیدن به آثار، کار را متوقف و گمانه بعدی اجرا می شد. در دور اول گمانه زنی تعداد ۱۵ گمانه ۱×۱ با جهت شمالی - جنوبی اجرا شد. با تصمیم گیری در خصوص نحوه تعیین عرصه در دو جهت شرقی و غربی و ادامه مطالعه در این دوبخش، کار گمانه زنی در این اثر با ۲۴ گمانه در دو دور، با فواصل کاملاً کارشناسی شده به پایان رسید.

نتیجه گیری

بی گمان حفظ موارث کهن که هویت یک ملت را اثبات می نمایند بر کسی پوشیده نیست. تپه علی کش، مکانی فرهنگی است که در دوران نوسنگی ابتدائی ترین اجتماع

انسانی را به وجود آورد و در این بین با اختراعات، ابداعات و نوآوری در صنایع، کشاورزی و دامداری در طول سه دوره فرهنگی خود بشر را به سوی تشکیل تمدن‌های مقتدر سوق داد. هنوز هم بسیاری از اعمال و رفتار نیاکانمان که هزاران سال پیش در این مکان زندگی کرده‌اند بر ما آشکار نگردیده و بر این باوریم که اینان جوامع ابتدایی بوده‌اند که ... اما هنوز با این همه پیشرفت در علم از چگونگی دست‌یابی آنان به منابع سنگی و یا تکنیک‌های بهره‌برداری از آن و یا نحوه نگرش آنان عاجز مانده‌ایم. تپه علی‌کش را همه از یاد برده‌ایم و فقط به تاریخ آن افتخار کرده‌ایم و...

تپه علی‌کش که یکی از محل‌های شاخص روستائینی در دوره ی نوسنگی در دهلران است، به استناد آثار به دست آمده می‌توان گفت که این منطقه باقیمانده قدیمی‌ترین و شاید جزء اولین دهکده‌های دائمی و پر سابقه‌ترین مناطق روستایی در تاریخ بشر و قطعاً یکی از اولین روستاهای تشکیل شده در ایران در هزاره ی هشتم ق.م می‌باشد. این هیئت پس از سالیان متمادی از کاوش‌ها و مطالعات اولیه توسط هیئت‌های خارجی، به جهت حفظ و حراست از این اثر بین‌المللی کار تعیین عرصه و حریم آن را به پایان رسانده و ضمن جمع‌آوری مدارک و مستندسازی اثر و ارائه گزارش کار و نصب بلوک‌ها و نشانه‌های عرصه، ضوابطی را بر اساس مشکلات و خطراتی که در حال و آینده آنرا تهدید می‌کنند تعریف کرده و بر مصوب کردن آن همت گمارده‌اند. همه می‌دانیم که گسترش اراضی کشاورزی و تسطیح اراضی از مهمترین عوامل تخریب در تپه علی‌کش بوده که در این میان تسطیح اراضی بخصوص در بخش غربی که کاملاً مستندسازی گردیده سهم بیشتری را در تخریب آن به خود اختصاص داده است. احداث جوی‌های آب جهت آبیاری در چهار فصل در در دورتا دور تپه و نفوذ آب در لایه‌های فرهنگی آن به صورت مستمر آسیب‌های زیادی را به این اثر وارد نموده بود. که با تعیین عرصه و حریم آن این مشکل برای همیشه رفع گردید.

به غیر از مدار کی جزئی هیچگونه مدار ک فنی و مستندی قابل استناد در سازمان ایلام و سازمان مرکزی وجود نداشت و تنها منابع گزارشات کاوشگران دهه ۶۰ میلادی بود که پس از گذشت سالیان متمادی تغییراتی در آن به وجود آمده که علاوه بر این دسترسی به همه مدارک به راحتی انجام نمی گرفت که با انجام این مورد توسط هیئت این مشکل مرتفع گردید.

در کلیه گزارشات ارائه شده نظریه هول و همکارانش مبنی بر وسعت یک هکتاری علی کش اعلام گردیده در صورتی که عرصه اثر با احتساب محیط داخلی آن و باشکل هندسی هشت ضلعی طراحی شده دارای $30152/70$ متر مربع مساحت بوده که در یک نظر کلی بیش از سه هکتار وسعت را دارا بوده که دو هکتار از وسعت اعلام شده بزرگتر می باشد. علاوه بر این با احتساب چهار نقطه حریم، کل مساحت حریم درجه یک و منظری اثر $121081/51$ متر مربع بوده که در کل وسعت حریم درجه یک تپه علی کش بیش از دوازده هکتار میباشد.

تراکم آثار در دور اول گمانه زنی که تقریباً به داخل اراضی کشاورزی کشانده شده ختم گردید، اما پراکندگی آثار در اطراف تپه نیز در دوی بخش شرقی و غربی چشمگیر بود که به استناد آن در گمانه های ۱۹ و ۲۳ حجم آثار بدست آمده در این گمانه ها نسبت به دیگر گمانه بیشتر بوده و هیئت به همین علت با بررسی بیشتر، بیضی بودن شکل تپه، با مدارک کافی و مستدل آن را اعلام نمود. در بخش جنوبی و شمالی در سطح گمانه ها ابزارهایی از جنس آبسیدین بدست نیامد، دلیل عدم بدست نیامدن این ابزارها در این بخشها، آنست که در دوره های فرهنگی علی کش و بزمرد استقرار در سطح تپه بیشتر بوده و گسترش تپه در این زمان بدین سو نبوده است.

بیشترین آسیب وارده به این اثر سوا از همه موارد طرح شده رها شدن محل کاوش در طی سالیان متمادی بوده که با تخریب دیواره های ترانشه ها بر اثر نفوذ مداوم آب در

آن و سنگین شدن لایه‌ها و ریزش آن که حاوی اطلاعاتی ذیقیمت بوده و قاعدتا این اطلاعات راز دست داده ایم.

تعیین عرصه و حریم اثر با شرحی که گذشت و ارائه ضوابطی چند برای حفظ فیزیکی اثر بسیار مؤثر می باشد. از جهتی دیگر تلاش در جهت کنترل عوامل طبیعی مخرب مورد انتظار است.

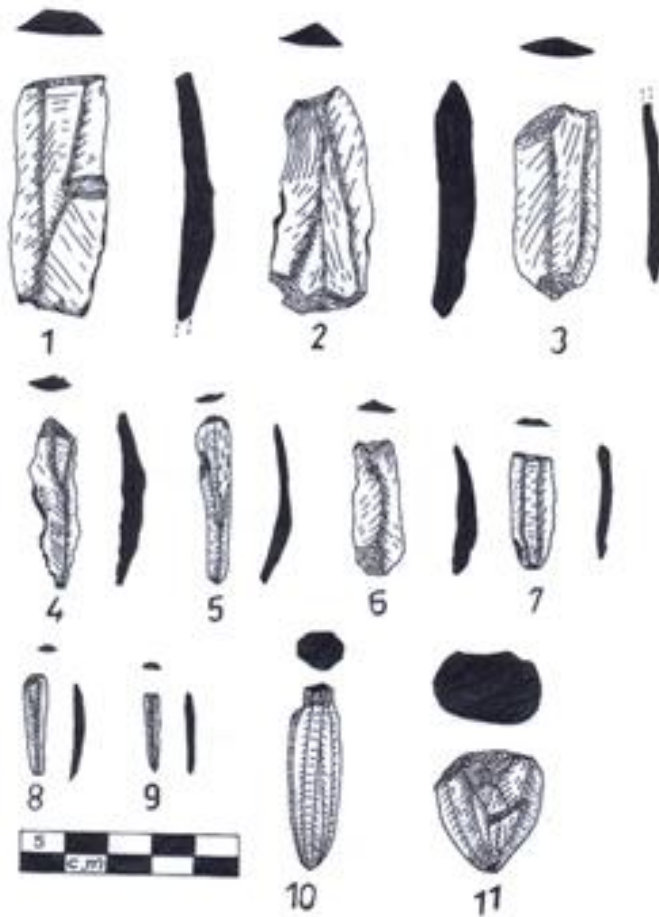
پیشنهادات

- ۱- خرید اراضی عرصه و خلع ید مالکین؛
- ۲- نگرشی تازه در نوع حفاظت از تپه و تشدید آن؛
- ۳- ایجاد پایگاه پژوهشی دائمی در دهلران با محوریت تپه‌های پیش از تاریخ؛
- ۴- تخصیص اعتبار برای محصور کردن عرصه تپه با فنس جهت کنترل تردد در سطح آن؛
- ۵- ایجاد سقفی بر روی محل ترانسه‌های هیئت کاوش به جهت جلوگیری از ریزش نزولات جوی و تجمع آب در چاله‌ها و ریزش دیواره‌های آن.



گمانه شماره ۲۳، شرق تپه بعد از خاکبرداری، دید از جنوب (آرشیو میراث فرهنگی)





نمونه طراحی های ابزارهای یافت شده در کمانه های تپه علی کش

منابع و مأخذ

- ۱- عزیزاده، عباس، ۱۳۷۶، "نیاکان من در اینجا دفن شده اند: باستان‌شناسی خانواده هسته ای و تحول حس مالکیت ارضی"، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال دهم، شماره دوم، شماره پیاپی ۲۰، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، بهار و تابستان ۷۵.
- ۲- رفیع فر، جلال الدین، ۱۳۷۲ "تاملی دو باره در صنایع دهلران"، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال هفتم، شماره اول و دوم، شماره پیاپی ۱۴ و ۱۳، مرکز نشر دانشگاهی تهران.
- ۳- امیر لو، عنایت الله، "سالیابی محوطه های باستانی ایران به روش کربن ۱۴".
- ۴- پیرانی، بیان، ۱۳۸۸، معرفی قلعه تاریخی شاخ-سازمان میراث فرهنگی ایلام
- ۵- فرهنگ جغرافیایی آبادی های کشور جمهوری اسلامی ایران؛ ایلام، جلد ۵۶، ص ۹، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح
- ۶- محمدی فر، ع. مترجم، ۱۳۸۱، "گزارش فصل اول و دوم بررسی باستان‌شناسی دهلران"، آرشیو میراث فرهنگی استان ایلام.
- ۷- رفیع فر، جلال الدین، ۱۳۷۹، "بررسی پدیده ی فرهنگی نئولیتیک در ایلام"، فصل نامه فرهنگی پژوهشی فرهنگ ایلام، شماره دوم، اداره کل ارشاد اسلامی ایلام.
- ۸- برید وود، روبرت، ۱۳۶۳ "انسانهای پیش از تاریخ"، ترجمه اسماعیل مینو فر، انتشارات جبران
- ۹- رفیع فر، جلال الدین، ۱۳۷۰، "رواج اِپسیدین و کهنترین تبادلات فرهنگی- تکنولوژی آن در ایران"، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال پنجم، شماره، مرکز نشر دانشگاهی تهران.
- ۱۰- جان پتی جان، فرانسیس، ۱۳۵۲، "سنگهای رسوبی شیمیایی و بیو شیمیایی"، ترجمه محمد حسین آدابی، موسسه چاپ انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۱۱- شوش و جنوب غربی ایران، تاریخ و باستان‌شناسی، "گزارش گردهمایی بین المللی شوش و سمینار بلو، ۱۳۷۶، نقش بازمانده های جانوران و... ریچارد ردینگ، زیر نظر ژان پرو و ژنو ییودلفوس: ترجمه هایده اقبال. - تهران: مرکز نشر دانشگاهی: انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران. دانشگاه میشیگان آمریکا.
- ۱۲- مرکز تحقیقات منابع طبیعی و امور دام استان ایلام - بخش تحقیقات آبخیزداری، گزارش میان مرحله ای طرح پژوهشی، آموزشی و ترویجی آبخوان داری در دشت موسیان

- ۱۳- هول ، فرانک ، ۱۳۸۱، "باستان شناسی غرب ایران ...؟" ترجمه زهرا باستی . انتشارت سمت ، تهران .
- ۱۴- کامبخش فرد، سیف اله، ۱۳۷۹، "سفال و سفال گری در ایران از ابتدای نوسنگی تا دوران معاصر؛" انتشارات ققنوس ، تهران .
- ۱۵- ملک شهمیرزادی، صادق ، ۱۳۷۸، "ایران در پیش از تاریخ ؛" انتشارات معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی ، تهران .

16-Gautier.j.e and.Lampre.g.M.D.P1905.Vol.8.p.69

17- Hole , frank , kent .v. flannery and lames A ... Neely.,1969

prehistor and Homan Ecology of Dehluran plain . , pp. 342-354

چکیده انگلیسی مقالات

Investigating the Mirror Decorations of the Palace of the Governor of Ilam in order to its Renovation and Reconstruction

Masoumeh Safaei Nia

ABSTRACT

Kakhe Vali is one of the buildings of the Qajar period in Ilam which was built by the order of the governor of Poshtkouh on the ancient hill known as the Mirag hill. This monument has been used as government center during the Governor's term. The materials used on the surface of building is brick and plaster and the foundation is made of stone and inside the building have been used decorative tiles which were commonly used in the Qajar buildings, such as acrography and mirror decoration. Unfortunately, much of the decoration has been destroyed during the war, and only some parts of its decorations have remained in an underground room .

Due to the fact that the written documents of the interior decoration were not found, by visiting the location and field survey, and also by interviewing one of the local archeologists, an archive of information was collected .

By comparative studies on similar monuments in other areas of the Qajar era, the plan for reconstructing the work landscape and painting used in the palace decorations was prepared as a proposal. So, in this article, we tried to make the necessary data for surveying the construction background and working on the samples of the remained Mirror Working decorative items .

It seems that the results of this research can be useful in presenting the reconstruction plan and decorating the interior space of this historic building. By examining the existing plaster and the symmetry of interior spaces, it seems that the use and operation of mirror work symmetrically can be done in different parts .

Key words: Palace of Ilam's Governor-Mirror Working - Geometric Patterns - Acrography- Decorations

Trenching in Alikosh Tape in Dehleran of Ilam

Bayan Pirani - Abdolmalek ShanbehZadeh

ABSTRACT

Protecting ancient heritage that proves the identity of a nation is undeniable. The Alikosh Hill is a cultural place that, during the Neolithic times, created the most primitive human community, and with the innovations of industry, agriculture, cattle breeding and architecture, during its three cultural periods, has led humanbeing to the formation of powerful civilizations. Alikosh hill is one of the remarkable sites in early rural period (Neolithic) in Dehloran. This establishment is one of the first permanent villages in the region and one of the first villages in Iran in the 8th millennium BC.

After more than four decades of archaeological activities in this area, a group of archaeologists to preserve this international work has completed identifying its feild in 20 days. The results obtained from this speculation showed that Hool and his colleage's theory was incorrect and the area according to its internal environment and with its Octagonal shape is more than 3 hectares .

The accumulation of the work ended in the first round of trenching that was almost fading into agricultural lands, but the dispersion of the works on the hills was also remarkable in both the eastern and western parts of the area which, according to trenching 23 and 19, the volume of the works received was higher than the others, and the expedition was therefore due to the oval shape of the hill, declared it with sufficient evidence .

In the southern and northern parts of the area, instruments of obsidian type were not found. The reason for the absence of these instruments in these parts is that in the cultural courses of Alikosh Hill and Bozmordeh, dwelling was on the top part of the hill and the expansion of the hill was not towards this direction at this time .

Key words: Ali Kosh Tape, Trenching, Neolithic, Archeology, Rural life, Dehloran

Reviwing Ilam's several thousands years History

Dr. Naser Rad

Abstract

the land of Ilam is the owner of a few thousand years old authentic and historical civilization and culture. The existence of ancient hills and excavations in the Ilam area by archaeologists such as Dave Aphala, George Cameron, Professor Walter Hennis and ... The role of the Ilam (Poshtokh) in the emergence and foundation of the civilization and the formation of the ancient Elam Empire and its union with the Khuzestan region It has been approved and we encounter with the ups and downs of the first human being who lived in the Zagros Mountains and Caves in the troglodytic period and the Age of Agriculture .

Mountains such as Kabir Kouh, Dinar Mountain, Black Mountain and ... with permanent rivers such as Seymareh, Karkheh, Dez and having enormous mineral and vegetable resources and vegetation and springs in their natural and climatic slopes and impassable areas ,the region has been a safe and suitable place for early life in the Ilam region. This is one of the main reasons for the continued dwelling of the people of Ilam region, and this is one of the oldest settlements, either as a cave, as a nomadic settlement on the Iranian plateau. Elam is one of the most ancient dynasties in the history of Iran's plateau. But researchings in the history, culture, and ... of this land is not enough. And despite excavations and studies, there are still a lot about the people of this land that remains in the veins of ambiguity and there are many places in the current Ilam region that have not been explored and unfortunately Unauthorized Excavations has caused irreparable damage to the culture and civilization of this region, which is not compensable. It is hoped that relevant authorities will pay attention to this matter and will try to identify, explore, and protect existing historical monuments. In the absence of attention and continuation of their destruction, over time, these valuable cultural works, whose legacy is several thousand years old, will be destroyed. This paper attempts to present a part of the research findings related to the Ilam civilization and culture in the geographical northwest of this ancient land.

Key words: Ilam, troglodytic Period, Kabir Kouh, Sumer, Mussian

3300 Year-old Cypresses of Ilam (Habitat Bane Sarv of Chavar)

Dr. Habibollah Mahmoodian

ABSTRACT

The village of Bane Sarv is located in the Chavar area of Ilam which from the north is restricted to the Sharezul heights and from the west is restricted to the village of Bane Balout (Paradeh). The Gelal Kaw River is in the western part of the area. The habitat, on the southern slope is 50 meters and on the western slope, is 80 meters above the surface of the surrounding lands. In this beautiful place, there are 18 ancient old cypresses. Of course, one older tree is found at a distance of about 300 meters in the context of the Bane Sul village texture. The age of these trees has been estimated more than 3300 years old.

This kind of forest overlooking heights of village, formed from sedimentary rocks, has remained resistant to corrosion. On some trees, there are fire traces, degradation and cutting effects. Due to the erosion of the soil, a large part of the root of the trees is revealed. The sustainability factor of this species is the length of the roots in the layers of sedimentary rocks and permanent sources of water. The length of the visible root surface is measured at about 25 meters. The height of trees with a diameter of about 7.5 meters does not match. Probably "branches of trees have been damaged during this long period of life of this forest species. On the surface of the site, no clay and non-clay findings have been found. This area is on the way to one of the historic coasts called Kheilah which links the pathway from the mountainous areas of the region to the western regions of Zagros and the land of the Mesopotamia. Therefore, the existence of solid and modern trees in this geographical area, dating back to several thousand years, is considered to be the oldest cypress tree in Iran and the Fertile Crescent region. The cedar symbol is known as one of the most important symbols in ancient Iran, which there are in pictures and works like Achaemenid carvings in Persepolis, which are trees as symbols specially cypresses .

This work of natural history has been identified, documented and listed in the national monuments list in 1390. The present paper is part of the findings of this research project that was implemented by the author.

Keywords: Zarbin Cedar, Bane Sarv, Kheile Rah, Green Crescent, Lithography

Targets of ancient Shimashki at Tappe Ghale Zinal

Dr. Khodakram Mazaheri, Siavash Shahbazi

Abstract:

In this paper, we have studied the collection of potteries collected in the archaeological investigations of the Ghale Zeinal Hill. The hill of Ghale Zeinal which is the largest ancient hill of Seymareh valley in the province of Ilam, is located in a very strategic location adjacent to the intersection of the two rivers Sikan and Seymareh.

Archaeological surveys indicate that this site contains important information about the Bronze Age of the area. In the Bronze Age, the tradition of Godin III's pottery is prevalent in the Seymare Valley, and it has only once evolved in the development of this kind of pottery tradition, and it is at the same time as the Godin III stage, which at this time influence of the pottery of the Shimashaki period of Shoshan plain in the valley of Seymare which significant potteries collected in surveying of the hill of Ghale Zeinal. Probably the spread of the pottery of the Shimashaki period to the Seymour Valley has occurred under the influence of the Oor III dynasty. After this stage, we continue to see the continuation of the tradition of Godin III pottery in the Seymare Valley. The development process of Godin III's Pottery in the Seymare Valley has strengthened the views of scholars who believe that the Shimashki land is located in the highlands of the northern Shoshan plain, although this cannot be proven by unpublished data. On the other hand, according to the size of the Ghale Zeinal and the location of it, it seems that the site can be considered as the center of one of the highlands of the Shimashki Union.

Keywords: Seymareh valley, Ghale Zeinal Hill, Ancient Shimashki, Godin III, Bronze Age.

Khazineh style pottery of Dehloran, the role of dance motives in the late 6th millennium BC. In the West of Iran

Mohsen Saadati

ABSTRACT

The collection, which has been studied in this research, is a sample of 90 pieces of pottery in the style of Khazineh in the late 6th millennium BC. These valuable works have been obtained during the excavations of archaeologists in western Iran. Some of them are now held at Yale University and so far no research has been carried out by Iranian researchers and archaeologists. The researchers have tried to study patterns of this style using a descriptive-analytical approach and a formalistic approach.

One of the features of Khazineh style is the dance patterns on this pottery, the feature is unique to this type of pottery is known as "Khazineh."

What is being pursued in this article is a survey of the image and conception of dance designs on the Khazineh style pottery in western Iran with an adaptive approach. According to studies on about 90 pieces of Khazineh style pottery in 10 sites studied, it was concluded that the origin of khazineh style is especially in Dehloran plain. So that about 80% of the pottery of this style is located in the fields of Dehloran plain (Tappe Khazineh, Mousian, Farokhabad, Sabz).

In this research, literature and research background of the subject are studied first, the scope of the geographical influence and, in general, the areas encountered during the exploration or examination of the motifs of this type of style, and the chronology of this type of pottery gets In the following topics, the characteristics of this type of pottery style, including the study of human and landscape designs, are emphasized on the partial points, and as a result, the interpretation and analysis of the motifs of this type of pottery style is studied.

Key words: Pottery style, Khazineh Pottery, dance motifs, western Iran.

In this issue you read:

- 1- Khazineh style pottery of Dehloran the role of dance motives in the late 6th millennium BC.in the West of Iran
Mohsen Saadati
2. Traces of Ancient Shimashki on the Hill of Ghal'e Zeinal-
Dr. Khodakaram Mazaheri, Siavash Shahbazi
- 3- The 3300-year-old Cedar trees of Ilam (Bane Sarv of Chavar).
Dr. Habibollah Mahmoudian
- 4-Reviewing several thousand years of Ilam's History
Dr. Nasser Rad
- 5- Investigating the Mirror Decoration of the palace of the Governor of Ilam in order to repair and restructure
Masoumeh Safaeinia
6. Trenching to determine the area and privacy of Alikosh Tape of Dehloran-
Bayan Pirani, Abdolmalek Shanbehzadeh

General article features

The articles should be the result of authors' studies.

The article should not be published in another publication

The publication of the paper is subject to the final approval of the quarterly editorial board.

Acceptance of the paper for printing, after approval by the jury.

Responsibility for the content of the article is the responsibility of the author (s).

The magazine is free to edit its literary and technical content without altering its content.

The article should not be larger than the 20 standard pages of the Quarterly.

The full name of the author, grade, university, place of teaching or education, field of study and telephone number of the author are added on separate pages.

Submission of the article is possible only through the e-mail of the Ilam Studies Department.

The titles of tables, images, maps, drawings and charts are listed below with the number (description and mention of the source).

Paper structure

the article should have the following structure:

Abstract, introduction, original text, conclusion, writing, sources and abstract.

Title: The overall title of the article is in a way that expresses the content of the article.

Author's Specifications: Includes name, family, degree, academic degree, and field of study, university where it is taught or studied.

Abstract: A comprehensive description of the article with limited terms, including: problem statement, purpose, research method and research findings. It should be noted that the abstract of the article should not exceed 200 words (12 lines).

Key words: It contains 4 to 7 specialized words that are important.

INTRODUCTION: The main issue is the main problem and the purpose of the research; in this section, research findings in the area of the problem should be briefly discussed.

Original text: Contains the main text of the article and can be associated with the table, image, and graph.

Conclusion: Includes Summary and Conclusion

Writing: Important statements which comes after coclution
Sources: listing article references based on journal structure
English abstract: English abstract should be exactly the translation of the Persian abstract

Text style

the article should be written with the font B zar and the size 13, the distance between the lines of 1.15 (single) and in the word format.

Abstract, key words, references in parentheses, poems, and any thing that comes in parentheses should be written in size 11.

Direct transcripts of more than five rows, should be come apart from the original text, with a centimeter indent on each side and with the same font, but with a size of 11.

Referrals to resources

References in the article should be documentary and based on valid evidences.

Reference inside the text: Author's surname, year of publication: page number(s),

Farsi example: (Negahban, 54: 1376), Latin: (Smith 1999: 33)

Reference to the book in the section of the final references:

surname of the author, author's name, date of publication (in parentheses), title of the book, name and surname of the translator or editor, volume, print edition, publisher's name, Place of publication.

Reference to the article: author's surname, author's name, date of publication of the work (in parentheses), the title of the article (in parentheses), the name of the author or translator, the main title of the encyclopaedia or the journal, the period or year of publication, Number of article pages.

Reference to the thesis: The author's surname, the author's name, the year of defense (in parentheses), the title of the thesis,

The defense grade, the name of the supervisor, the name of the university and the school of study.

Reference to historical documents: title of document, classification and access number, name of book archive

Referrals to Internet sites: Surname of the author, author's name, date of entry in the website (in parentheses), title of article or work (in parentheses), electeronic address of the website.

The sources of the paper are arranged alphabetically and based

on the author's surname; the sources mentioned at the end of the article are the same sources used within the text.

The title of books and articles in the sources of the end of the article should be mentioned completely. Non-Persian sources should bring after Persian sources.

Note: All papers received will be judged by two judges.

Referees this issue:

Dr. Parisa Pourmohammadi
Dr. Ardeshir Javanmard Zadeh
Dr. Ali Khaki
Dr. Leyla Khosravi
Dr. Soheila Darvishi
Dr. Siavash Yari
Dr. Ebrahim Moradi
Dr. Lily Niakan

Editorial board:

Dr. Parisa Pourmohammadi
Specialty: Archaeological
Dr. Ardeshir Javanmard Zadeh
Specialty: Archaeological
Dr. Shahin Heidari
Specialty: Architecture-Energy
Dr. Haji Karimi
Specialty: Geohydrology
Dr. Reza Khani
Specialty: English Language and Literature
Dr. Ali Khaki
Specialty: Structural Architecture
Dr. Leyla Khosravi
Specialty: Archaeological
Dr. Soheila Darvishi
Specialty: Archaeological
Dr. Naser Rad
Specialty: International Relations
Dr. Masoud Shadman
Specialty: History, Civilization, Nations
Dr. Khalil Fasihi
Specialty: Plant Physiology
Dr. Gholam Hossein Karimi Dousan
Specialty: Linguistics
Dr. Habibollah Mahmoodian
Specialty: Archaeologist
Dr. Ebrahim Moradi
Specialty: Archaeological
Dr. Khodakaram Mazaheri
Specialty: Archaeological
Dr. Lily Niakan
Specialty: Archaeological
Dr. Siavash Yari
Specialty: History of Islam

Quarterly Ilamology Studies

Quarterly Specialty Number 3 * First year * summer 1396

Owner and responsible manager: Dr. Habibollah Mahmoudian

Editor: Dr. Siavash Yari

Managing Director: Azadeh Mahmoudian

Consultant: Engineer Ali Mohammad Niakan

Persian editor: Hasan Afshar

English Editor: Dr. Reza Khani

Review Page: Masoumeh Safaeinia

License number: 78809 1395/10/6

Publisher: Zagro Publishing

Number: 500

Baha: 15,000 Rials



Address: Quarterly: Ilam, Ashrafi Esfahani Ave., Third Alley, No. 217

Postcode: 6931858315 - **Phone:** 08433334318

E-mail: habibmahmoodian@yahoo.com